

گزارش فعالیت‌های

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

۱۳۹۵

تهیه و تنظیم:

اعظم پازدار

معرفی انجمن

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوجود آمد. امروزه فعالیتهای نظام ملل متحد تقریباً تمام زمینه‌های مربوط به حیات بشری را در بر گرفته است. سازمان ملل متحد انعکاسی از علاقمندی و خواست مردم جهان برای رهایی از جنگ و دست‌یابی به صلح می‌باشد. این سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین‌المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته‌های خود بوده است.

گسترده و میزان فعالیت‌های امروز سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین‌المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته‌های خود بوده است. گستره و میزان فعالیت‌های امروز سازمان احتمالاً در ذهن مؤسسان آن نمی‌گنجیده است. زیرا در حالیکه در طول موجودیت خود پای‌بند به منشور ملل متحد بوده، اما در عمل به طور مستمر تشکیلات جدیدی را برای انواع فعالیت‌های مورد نیاز به وجود آورده است. هم‌اکنون به موازات گسترش فعالیت‌های سازمان ملل متحد یک ذخیره عظیم اطلاعاتی و پژوهشی حاصل کوشش هزاران متخصص در زمینه‌های مختلف پدید آمده است و صدها تشکل در زمینه‌های فعالیت ملل متحد در همه نقاط دنیا بوجود آمده‌اند که با اعتقاد به منشور سازمان ملل متحد در جهت شناسایی، طرفداری و آموزش و پژوهش پیرامون موضوعات مربوط به سازمان به طور مستمر کار می‌کنند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، سازمانی مردم‌نهاد و غیر دولتی است که با هم‌ت جمعی از استادان صاحب‌نظر در رشته‌های حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی «به منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مربوط» به خصوص نظام ملل متحد، آغاز به فعالیت نمود.

انجمن در سال ۱۳۸۰ با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و تحت پوشش مقررات کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، فعالیت‌های خود را آغاز نمود و در حال حاضر به عنوان نهادی معتبر و موثر از طریق فعالیت‌های خود در جامعه علمی و دانشگاهی شناخته می‌شود. «ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی» و «برگزاری گردهمایی‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» دو اصل اساسی در تحقق اهداف انجمن هستند که همواره از سوی انجمن مورد عنایت ویژه قرار گرفته‌اند. یکی از نتایج توجه به این دو اصل، برگزاری

کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی مرتبط با نظام ملل متحد با هدف کمک به آموزش عالی در دانشگاه‌ها است که همواره از سوی شرکت کنندگان با استقبال همراه شده است. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی، انتشار کتاب و خبرنامه و تقدیر از استادان و بزرگان عرصه علم و اخلاق از جمله دیگر فعالیت‌های انجمن است که در اساسنامه انجمن مورد توجه قرار گرفته و انجمن همواره به آنها توجه خاص دارد.

در سال ۱۳۹۵ نیز همچون سال‌های پیش از آن برنامه‌های متنوع و مختلفی از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد برای شیفتگان و علاقمندان به ملل متحد تدارک دیده شده بود که گزارش آن را در این مجموعه می‌توانید مطالعه بفرمایید.

هیأت مدیره انجمن در سال ۱۳۹۵

دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی (بازرس)

دکتر نسرين مصفا (رئیس)

دکتر حسن سواری (خزانه‌دار)

دکتر سید قاسم زمانی (دبیرکل)

دکتر محسن عبداللهی (عضو اصلی)

دکتر ستار عزیزی (عضو اصلی)

دکتر حسین شریفی طرازکوهی (عضو علی‌البدل)

دکتر آرامش شهبازی (عضو علی‌البدل)

دکتر مهدی زاهدی (بازرس علی‌البدل)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سخن آغازین	
بخش اول: رویدادهای عمومی	
نشست عیدانه با عنوان «از تعیین سرنوشت تا مقاومت در برابر سرکوب: حق یا تکلیف».....	۹
همایش «بایسته‌ها و راهبردهای مقابله با آسیب‌های ناشی از مین».....	۲۵
نشست علمی و مراسم اهدای جایزه ماف برای جهانی‌سازی از مین.....	۳۱
نشست علمی «تحول در منابع حقوق بین‌الملل».....	۳۹
نشست علمی «جوانان، صلح و امنیت».....	۴۷
نشست تخصصی «کودتا در حقوق بین‌الملل»	۷۰
جلسه مقدماتی «مسابقه شبیه‌سازی شورای امنیت برای انتخاب دبیرکل».....	۷۸
جلسه نهایی «شبیه‌سازی شورای امنیت با موضوع انتخاب دبیر کل آینده سازمان ملل متحد».....	۷۹
نشست تخصصی «اعلامیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حمایت از پناهندگان و مهاجرین و مسئولیت دولت‌ها سپتامبر».....	۸۱
نشست تخصصی «روندهای اخیر در قضاوت بین‌المللی و حل اختلافات بین‌المللی در آسیا».....	۸۶
نشست تخصصی «ارزیابی یک دهه فعالیت شورای حقوق بشر ۲۰۱۶-۲۰۰۶».....	۸۹
همایش تخصصی «موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر پرونده‌های جزایر مارشال علیه قدرت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای».....	۹۳
نشست تخصصی «منع برده‌داری نوین».....	۹۵
نشست تخصصی «بررسی فعالیت کمیته حقوقی اجلاس سال ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد».....	۹۶
همایش «نقش شورای اقتصادی اجتماعی در تحقق اهداف منشور ملل متحد».....	۱۰۲
همایش «گرامیداشت شهدای بمباران شیمیایی حلبچه».....	۱۰۸
جلسه ژورنال کلاب: حملات سایبری به عنوان زور مندرج در (بند ۴ ماده ۲) منشور سازمان ملل متحد.....	۱۱۱
اولین جلسه کرسی آزاداندیشی.....	۱۱۲
فراخوان عضویت - کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در سال تحصیلی ۹۶ - ۱۳۹۵.....	۱۱۳

بخش دوم: کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی ۱۲۵

الف. کارگاه‌های آموزشی

- سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد.. ۱۱۵
کارگاه آموزشی «شناخت ادبیات قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد»..... ۱۱۶
دوره آموزشی «حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل»..... ۱۱۸

ب. دوره‌های آموزشی

- دوره آموزشی « حقوق بین الملل و فضای سایر »..... ۱۲۰

بخش سوم: بازدیدها ۱۲۳

- بازدید علمی از دفتر کمیسیون ملی یونسکو در تهران..... ۱۲۴
بازدید علمی از کمیساریای عالی پناهندگان در تهران..... ۱۲۵

بخش چهارم: مشارکت‌ها

- مشارکت در برگزاری هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان..... ۱۲۹
مشارکت در برگزاری هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان(دورنهایی)..... ۱۳۱
مشارکت در برگزاری کنفرانس ملی برجام و اقتصاد مقاومتی..... ۱۳۲
مشارکت در برگزاری همایش تخصصی «موضع دیوان بین المللی دادگستری درباره سلاح های هسته ای با تأکید بر پرونده های جزایر مارشال علیه قدرت های دارای سلاح های هسته ای»..... ۱۳۲
مشارکت در هفته ترویج علم..... ۱۳۳

بخش پنجم: نمایشگاه ها ۱۳۴

- نمایشگاه بزرگداشت پطروس غالی با عنوان « جلوه های تلاش برای صلح، توسعه و دموکراسی»..... ۱۳۵
نمایشگاه عکس شهدای حلبچه..... ۱۳۷

بخش ششم: بزرگداشت‌ها و یادبودها ۱۳۹

- ۱۴۰..... آئین نکوداشت استاد عزت اله عراقی.....
- ۱۴۳..... بزرگداشت یاد و خاطره استاد محمود صور اسرافیل.....
- ۱۴۴..... بزرگداشت سالیاد شادروان دکتر ناصر قربان نیا.....
- ۱۴۴..... بزرگداشت شخصیت فقید بین المللی پطروس غالی در همایش سالانه انجمن.....
- ۱۴۵..... بزرگداشت یاد و خاطره دکتر هوشنگ مقتدر.....

بخش هفتم: تقدیر و تشکر

- ۱۴۸..... نهادهای همکار در سال ۱۳۹۵.....
- ۱۴۹..... مراسم تقدیر از برگزیدگان برنامه شبیه سازی انتخاب دبیرکل و مسابقات موت کورت سال ۲۰۱۶.....
- ۱۵۰..... یاوران انجمن.....

سخن آغازین

برای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد باعث افتخار است که گزارش فعالیت‌های سال ۱۳۹۵ را که با همکاری و هم‌یاری صمیمانه اعضای هیئت مدیره، نهادهای دولتی و غیردولتی و مسئولین و همکاران بزرگوار آنها، اعضای گرامی و علاقمندان به ملل متحد به سرانجام رسیده است را در دسترس قرار دهد.

نگاهی گذرا بر این فعالیت‌ها حاکی از توجه انجمن به انجام مستمر وظایف مندرج در اساسنامه خود در زمینه‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی است.

در پیروی از الگوی رفتار و عمل ایرانی - اسلامی و در راستای روح حاکم بر منشور ملل متحد بر ترویج مودت، دوستی، انس و همکاری در انجام فعالیت‌ها، علاوه بر تأکید بر ماهیت علمی معتبر آنها، همواره تحکیم روابط انسانی میان اعضای جامعه علمی و دانشگاهی، افزایش همبستگی و هم‌افزایی، گسترش همکاری و همیاری میان نهادهای مرتبط را یکی از وظایف خود قلمداد کرده و وظیفه خود می‌داند که الگوئی قابل اعتناء از روابط مطلوب بین استادان، دانش‌پژوهان و دانشجویان را از همه نهادهای علمی و اجرایی ارائه دهد.

انجمن می‌کوشد که از یک طرف نهادی برای احترام و تکریم اصالت، اخلاق و علم بزرگان و اندیشمندان پیشکسوت حال و گذشته جامعه علمی کشور باشد و از سوی دیگر زمینه‌ساز رشد و بالندگی نسل جوانی باشد که با فراگیری مهارت‌های علمی و عملی بتواند در ساختن آینده جامعه ما قدم بردارد. در راستای تحقق هر دو هدف، انجمن در سال ۱۳۹۵ گام‌هایی را برداشته است که در گزارش سالانه بازتاب یافته‌اند.

ماهیت فعالیت‌های انجمن در طول سال‌های متمادی و بازخورد آن در جامعه، آن را به نهاد معتبر و مرجع علمی در ترویج، آموزش و پژوهش موضوعات ملل متحد تبدیل کرده و عرصه‌ای برای حضور دانش‌پژوهان، تعالی افکار و مبنایی برای یادگیری فراهم کرده است.

هدایت انجمن بر اساس فلسفه و وظایف یاد شده تنها از رأی ادواری و مقررات اداری بر نمی‌آید بلکه اعتقاد راسخ و احترام و پاسداشت همه شیفتگان حقوق و روابط بین‌المللی عضو انجمن که معتقد به نشر علم و خرج زکات خود از طریق خدمت در این نهاد هستند، واجب و با همه توان بهره‌مندی از توانایی‌های آنان استمرار دارد.

وظیفه می‌دانیم از تک تک همکاران بزرگوار، همیاران حقیقی و حقوقی انجمن بویژه از زحمات فرزندان ارجمند آقای علیرضا رنجبر و خانم اعظم پازدار، گزارشگران افتخاری انجمن که تهیه و تنظیم گزارش پیش‌رو را بر عهده داشتند، صمیمانه تشکر نماییم و با اتکال به خداوند متعال به امید تحقق صلح و عدالت در جهان، به کار خود ادامه دهیم.

نشست عیدانه با عنوان «از تعیین سرنوشت تا مقاومت در برابر سرکوب: حق یا تکلیف»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، نشست عیدانه خود را با سخنرانی ویژه دکتر ابراهیم بیگ زاده (استاد دانشگاه شهید بهشتی) در ۰۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

این نشست با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.

در ابتدا خانم دکتر مصفا ضمن عرض سلام و خیر مقدم به حضار شرکت کننده سال نو را به همه تبریک عرض کرده و از تشریف فرمایی آنها تشکر نمودند و گفتند برای انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد باعث افتخار است که در مناسبت‌های مختلف برنامه‌هایی را برگزار کند و بیش از پانزده سال فعالیت‌های مستمر و مجدانه خود را در راستای اعتلای مطالعاتی سازمان ملل متحد به انجام برساند.

همچنین ایشان ضمن بیان این مقدمه که انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد در سال ۹۴ یک سلسله فعالیت‌هایی علاوه بر فعالیت‌های جاری خود به مناسبت هفتادمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد برگزار کرده است اعلام نمودند در همین رابطه کلیبی ساخته شده است که در برگزیده فعالیت‌های یکساله انجمن می باشد و شرکت کنندگان را به تماشای این کلیپ دعوت کردند.

خانم دکتر در پایان سخنان خود از آقای دکتر بیگ زاده با عنوان استاد برجسته، توانگر و پرتلاش و قدر حقوق بین الملل ایران دعوت نمودند که پس از پخش کلیپ برای ارائه سخنان خود تشریف بیاورند.

دکتر بیگ زاده مطالب خود را به شرح ذیل بیان نمودند:

مقدمه

تعیین سرنوشت مردم در قبال دولتهای استعمارگر و سرکوبگر در ابتدا منجر به طرح این سؤال مقدماتی می‌شود که آیا «مردم» تابع حقوق بین الملل هستند یا فقط مخاطب و بعضاً منتفع قواعدی از این نظم حقوقی می‌باشند؟ اگرچه برخی با پاسخ منفی به این سؤال برآنند که ثابت کنند فقط دولتها و سازمانهای بین المللی بین الدولی تابع این نظم حقوقی هستند. معهذآ آنان نمیتوانند منکر حقوق افراد شده، فقط مدعی هستند که این حقوق را دولتها اعمال می‌کنند. این درحالی است که معیار اصلی تابع بودن در یک نظم حقوقی در اولین گام برخورداری از اهلیت برای دارا شدن «حق و تکلیف» است. در پرتو این معیار بنظر میرسد پاسخ پیشگفته از استحکام چندانی برخوردار نباشد. چونکه حقوق بین الملل موضوعه حداقل تعیین

سرنوشت برای مردم در قبال سلطه خارجی را بعنوان «حق» پذیرفته است. یعنی اهلیت دارا شدن چنین حقی را برای مردم قائل است. البته اعمال «حق تعیین سرنوشت» بصورت فردی ممکن نیست، اما عدم وجود این ویژگی نمیتواند مانعی در مقابل پذیرش «مردم» بعنوان تابع حقوق بین الملل گردد. اگرچه کمیته حقوق بشر در تصمیم سال ۱۹۹۰ خود بر آنستکه اعمال «حق تعیین سرنوشت» مندرج در ماده یک «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» بصورت فردی ممکن نیست، معه‌ذا همین رکن در تصمیم سال ۲۰۰۲ خود بر آنستکه مفاد ماده یک این میثاق (حق تعیین سرنوشت) جایگاه مهمی در تفسیر سایر حقوق مورد حمایت میثاق از جمله آزادی انتخابات دارد. به دیگر سخن «حق تعیین سرنوشت» مندرج در میثاق یکی از حق‌های ذاتی است که باید در پرتو آن سایر حق‌ها تفسیر شوند. بنظر نمی‌رسد عدم امکان اعمال فردی «حق تعیین سرنوشت» بتواند به این معنا لحاظ شود که مردم یعنی «جمعی از انسانها» نتوانند آنرا اعمال کنند. بنابراین مردم از هر دو معیار تابع بودن در حقوق بین‌الملل یعنی اهلیت دارا شدن حق و تکلیف و اهلیت استیفا و اجرای آنها برخوردارند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که مردم چگونه می‌توانند سرنوشت خود را در مقابله با دولتهای استعمارگر و دولتهای سرکوبگر بدست گیرند؟ و آیا تعیین سرنوشت واقعاً یک حق است یا یک تکلیف؟ پاسخ به این سؤال مستلزم روشن نمودن تعیین سرنوشت در وضعیت «استعمارگری» در بُعد بین‌المللی و «سرکوبگری» در بُعد داخلی است. در بُعد بین‌المللی مسأله بصورت «تعیین سرنوشت» و، در بُعد داخلی در قالب «مقاومت در مقابل سرکوب» قابل طرح است.

فصل اول: تعیین سرنوشت: وسیله‌ای برای رهایی از سلطه استعماری

در اسناد بین‌المللی از تعیین سرنوشت در قالب «حق» سخن به میان آمده است. اسناد بین‌المللی متعددی در این زمینه وجود دارند که در رأس آنها منشور ملل متحد قرار دارد. تعیین سرنوشت حاوی دو مفهوم اساسی و بنیادین است:

- «تعیین سرنوشت» به مثابه وسیله‌ای در اختیار مردم در ایجاد یک «دولت» و تعیین و بسط آزادانه نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود فارغ از هر گونه مداخله خارجی است.

- «تعیین سرنوشت» عبارت از زیست مردم در قالب یک نهاد سیاسی است. به دیگر سخن هدف از اعمال آن در این معنا شناخت «حق» مردم در گذار و تبدیل شدن به یک نهاد مستقل است.

«تعیین سرنوشت» در معنای اول خود یادآور دموکراتیک کردن ساختارهای دولتی است، که نتیجه آن تبلور «مشروعیت دموکراتیک» به عنوان یک هنجار جهانی است.

«تعیین سرنوشت» در مفهوم دوم خود توجیه‌گر «حق» بر انقلاب مردم در برابر استعمار و سلطه خارجی است.

نگاهی به اسناد و رویه‌های بین‌المللی تا آخرین دهه هزاره دوم نشان میدهد که «تعیین سرنوشت» در قالب حق مردم فقط در صورت وجود استعمار یا وضعیت‌های مشابه از جمله نژادپرستی قابل تصور بوده، نمی‌توانست به عنوان یک حق عمومی

برای جدایی یا تجزیه طلبی بخشی از مردم سرزمین یک دولت شناخته شود. معهدا هیچیک از اسناد بین‌المللی بصراحت حق گروهی از انسانها که خود را به مثابه «مردم» می‌انگارند در تعیین سرنوشت خویش و ادعای تحقق استقلال از طرق مسالمت آمیز را ممنوع نکرده است. اگرچه مورد اخیر تا اواخر سده بیستم با مخالفت‌هایی هم مواجه بوده است. در این مورد می‌توان برای مثال به رأی دیوان عالی کشور کانادا در سال ۱۹۹۸ اشاره نمود. این رکن عالی قضایی کانادا بر آنستکه حقوق بین‌الملل بصراحت به بخش‌ها تشکیل دهنده یک دولت حاکم حق جدایی طلبی یکجانبه از آن دولت را اعطا نمی‌کند معهدا تحولات اخیر نشان از پذیرش این نظر یا حداقل انعطاف در آنرا دارد، بطوریکه حتی رویه قضایی بین‌المللی به گونه‌ای خاص بر آن صحنه گذاشته، رویه بین‌المللی نیز در این جهت پیش می‌رود. محدود کردن «تمامت سرزمینی» به روابط دولتها در نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اعلامیه استقلال یکجانبه کوزوو نمونه بارزی از این جهت‌گیری را نشان میدهد؛ همچنین پذیرش انگلستان به برگزاری همه‌پرسی برای استقلال اسکاتلند از بریتانیای متحده در سال ۲۰۱۴ که مؤید و مقوم این حرکت است.»

مهمترین مبنای «تعیین سرنوشت» در مقابل سلطه استعماری را می‌توان در ماده یک منشور ملل متحد یافت. در این مقرر «احترام به اصل برابری حق مردم و حق آنان در تعیین سرنوشت خود» بعنوان یکی از اهداف این سازمان لحاظ شده است. سازمان ملل متحد در راستای تحقق این هدف نیز «اعلامیه اعطای استقلال به مردم و سرزمینهای تحت سلطه» را به شماره ۱۵۱۴ در سال ۱۹۶۰ تصویب نمود. در این سند سلطه استعماری و استثمار خارجی مردم بعنوان نفی حقوق بنیادین بشر و مغایر با منشور ملل متحد و در تعارض با صلح و همکاری بین‌المللی لحاظ شده است. اعلامیه مزبور خواهان اعمال فوری «حق» مردم تحت سلطه در دستیابی به استقلال کامل و تعیین آزادانه نوع نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود شده است. بخش اخیر این اعلامیه موضوع ماده یک هر دو میثاق حقوق بشر شده است و بدین ترتیب هدف سازمان ملل متحد از الزام حقوقی مضاعفی نیز برخوردار شده است.

«حق» تعیین سرنوشت بار دیگر در اعلامیه «اصول حاکم بر روابط دوستانه و همکاری فیما بین دولتها بر طبق «منشور ملل متحد» مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفته است. نکته‌ای که در این سند جلب توجه میکند اینکه «حق تعیین سرنوشت» برای مردم موجود در سرزمین یک دولت که حکومت آن بازنما یا معرف کلیه مردم آن دولت فارغ از نژاد، اعتقادات و رنگها باشد برسمیت شناخته نشده است. به دیگر سخن بنظر برسد که اعلامیه سال ۱۹۷۰ حق جدایی طلبی را بر ضد دولتی که معرف کلیه مردم خود نباشد و براساس تبعیض نژادی یا مذهبی بر پا شده باشد به رسمیت بشناسد.

مسأله «حق تعیین سرنوشت» علاوه بر اسناد منطقه‌ای، در رویه قضایی بین‌المللی هم مورد پذیرش قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای ترافعی و نظرات مشورتی خود نه فقط «حق تعیین سرنوشت» را پذیرفته، بلکه آنرا به عنوان یک «اصل اساسی حقوق بین‌الملل» مورد توجه قرار داده است.

این رکن قضایی سازمان ملل متحد در قضیه تی مور شرقی اعلام میدارد «حق مردم در تعیین سرنوشت یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل معاصر است.» همین نهاد در نظر مشورتی خود در مورد اعلامیه یکجانبه استقلال کوزوو که به گونه‌ای بر مبنای «حق تعیین سرنوشت» صادر شده بود اظهار میدارد که اعلامیه یکجانبه اعلام استقلال (کوزوو) مغایرتی با حقوق بین‌الملل ندارد.

«حق تعیین سرنوشت» که در بدو پیدایش ماهیتی سیاسی داشت در گذر زمان به یک قاعده حقوقی عام الشمول و حتی قاعده آمره تغییر وضعیت داده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در همان قضیه تی مور شرقی اعلام میدارد که حق تعیین سرنوشت یک «حق عام الشمول لازم الاتباع» است.

حال این سؤال مطرح است که اگر تعیین سرنوشت به یک قاعده آمره یعنی به یک ارزش بنیادین تبدیل شده است و بالتبع تکلیف به اجرای آن نیز مطلق است آیا باید این حق و تکلیف را فقط بر دولتها بار نمود؟ آیا مردم به مثابه «تابع حقوق بین‌الملل» و نه فقط مخاطب و منتفع از قواعد این نظم حقوقی، حق و بخصوص تکلیفی در دفاع از این ارزش بنیادین و تکلیف مطلق بر اجرای آن برعهده ندارند؟

به نظر میرسد که با توجه به ماهیت فعلی «حق تعیین سرنوشت» به مثابه یک ارزش بنیادین و تکلیف مطلق ناشی از آن یعنی ضرورت اجرائیش در مقابل سلطه استعماری که خود پدیده‌ای مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی است، باید گفت که دیگر طرح «حق تعیین سرنوشت» به مثابه یک حق عادی و تکلیف ناشی از آن به عنوان تکلیفی ناشی از یک حق عادی محلی از اعراب نداشته، غیرممکن می‌نماید. این «حق» یک ارزش بنیادین، ذاتی و غیرقابل چشم‌پوشی و تکلیف به اجرای آن نیز تکلیفی مطلق است. البته اراده آزاد مردم باید در اجرای این تکلیف وجود داشته باشد؛ و نمیتوان بدون اراده آزاد در اعمال آن مسئولیتی را متوجه آنان کرد. معهذا نباید فراموش کرد که در صورت عدم اجرای چنین تکلیفی آثار زیانبار ناشی از تداوم سلطه استعماری از یک سو و، برخورد جامعه بین‌المللی با دولت استعماری از سوی دیگر، متوجه مردم (سرزمین تحت سلطه) هم می‌شود. که نمونه آنرا میتوان در مورد وضعیت روزدیای جنوبی در دهه شصت مشاهده نمود.

همانگونه که اشاره رفت، اسناد و رویه بین‌المللی حداقل به ظاهر برآند که «حق تعیین سرنوشت» فقط در صورت وجود سلطه استعماری شناسایی و قابلیت اجرا دارد. حال این سؤال مطرح است که آیا با پایان استعمار «حق تعیین سرنوشت» هم به تاریخ پیوسته، دیگر قابلیت استناد و اجرا ندارد؟

البته این مسأله به راحتی قابل فهم است که دولتها در عصر پسا استعماری خواهان حفظ «حق تعیین سرنوشت» مردم نباشند؛ چونکه حفظ و بخصوص اعمال آن منجر به اضمحلال یا حداقل تجزیه آنها می‌شود. البته باید دانست که نهاد «دولت» یکبار برای همیشه تاریخ بوجود نیامده است، بلکه خود نیز محصول یک تحول و رخداد تاریخی بوده است. معذک نباید فراموش کرد که دولتها و بخش قابل توجهی از دکترین حقوقی با استناد به لزوم حفظ تمامیت ارضی بعنوان یک عامل

مهم مادی موجودیت خود با اعمال «حق تعیین سرنوشت» مردم مخالفت می‌ورزند. همانطور که در پیش گفته شد این نگرش رفته رفته شاهد گسست خود هم در رویه بین‌المللی و هم در رویه قضایی است.

حال ذکر این مطلب ضروری است که اگر «حق تعیین سرنوشت» مردم یک ارزش برتر و بنابراین رعایت آن برای همگان لازم است، بنابراین اجرای آن نیز ممکن است مستلزم تغییر «وضعیت موجود» سرزمینی دولتی شود اگر هم این حق فاقد چنین ارزشی باشد پس تلاش دولتها برای یافتن مبنایی جهت حفظ وضعیت موجود سرزمینی خود به مثابه ارزشی برتر، تلاشی بیهوده است. چگونه می‌توان این معضل را حل کرد؟

حل این مشکل از آن جهت حائز اهمیت است که بنظر نمی‌رسد کسی بتواند ادعا کند که تعیین آزادانه سرنوشت مردم با پایان استعمار متروک یا از میان رفته است. رخدادهای آخرین دهه هزاره دوم یعنی فروپاشی برخی از کشورهای اردوگاه شرق (اردوگاه کشورهای سوسیالیستی) شاهدی بر این مدعاست که سرنوشت و زندگی مردم برتر از ترتیبات و تقسیم‌بندیهای سرزمینی است که اغلب بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی و پیروزیهای نظامی و نه براساس واقعیت‌های تاریخی - اجتماعی شکل گرفته‌اند. اگرچه پدیده‌هایی همچون وحدت ملی و تمامت ارضی عوامل مهمی برای حفظ دولت در مقابل مداخله‌های خارجی هستند، اما چنین پدیده‌هایی در همیشه تاریخ در برابر حرکت‌های حامی حق آزادی در تعیین سرنوشت بسیار شکننده بوده‌اند. در اینجا است که بنظر میرسد دولت مکلف باشد با گشودن باب گفتگو و تلاش برای یافتن سازوکارهای تضمین کننده عدالت، معضل فراروی خود را مدیریت نماید. حفظ وحدت ملی و تضمین تمامت سرزمینی با توسل به اقدام‌های قهری نظامی سرنوشت محتوم خانه‌ای را دارد که بر آتش فشانی بنا شده است که هر لحظه امکان فوران آن آتشفشان و ویرانی آن خانه وجود دارد. آن لحظه هم زمانی است که دولت نتواند بصورت واقعی در خدمت مردم خود باشد. اگر دولت نتواند از عهده چنین وظیفه‌ای برآید، بی‌شک در رویا رویی با مردم خود قرار می‌گیرد که مصمم به مبارزه برای دستیابی به عدالت و اجرای تغییرات بنیادین هستند. هیچکس نمی‌تواند این حرکت تاریخ را متوقف کرده، فکر عبث و باطل «جاودانگی دولت» را مطرح کند. زندگی دولت همانند زندگی کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی هرگز بدون مخاطره نبوده، نیست و نخواهد بود. از زمان پیدایش دولتها در وستفاليا تاکنون می‌توان پیدایش، زندگی و مرگ آنها را به کرات مشاهده نمود. در هر صورت دولت یک «مخلوق بشری» است و وظیفه‌اش تسهیل زندگی انسانها و تضمین امنیت و خیر مشترک آنان است. زمانی هم که از عهده این وظیفه برنیاید باید تن به سرنوشت محتوم خود یعنی تغییر بنیادین یا نابودی کامل بدهد؛ چونکه دولت خود نیز تابع قاعده جهانشمول «تغییر» است.

اگر پذیرفته شود که تکلیف به اجرای حق ذاتی تعیین سرنوشت یک تکلیف مطلق است، پس اعمال آن باید منجر به برقراری دموکراسی و تقویت آن شود. فقط یک نظام دموکراتیک است که زمینه و لوازم استفاده از آزادیهای اساسی از جمله آزادی بیان کلیه اقشار مردم خود را فراهم می‌کند و آنان می‌توانند بدون رعب و وحشت خواست‌های مشروع خود را مطرح کنند. اکثریت باید احترام به حقوق اقلیت را فهم و درک نموده، کثرت‌گرایی سیاسی و تعامل اجتماعی برقرار گردد و از

کاربرد زور، اعمال شکنجه، زندان و تحقیر انسانها به هر شکلی اجتناب شود. در چنین وضعیتی است که حق تعیین سرنوشت مردم و اجرای آن تحقق یافته است. البته اعمال حق تعیین سرنوشت هم نباید الزاماً منتهی به تشکیل «دولت» شود، بلکه باید به مردم اجازه دهد که بتوانند از یک زیست طبیعی توأم با عدالت و امنیت برخوردار گردند.

البته اعمال «حق تعیین سرنوشت» اغلب منجر به تشکیل دولت می‌گردد. اما متأسفانه باید اذعان داشت که تشکیل دولتهای رهیده از سلطه استعماری در اغلب اوقات خود به نظامهای سیاسی اقتدارگرا و سرکوبگری تبدیل شده اند که خالقان خود یعنی مردم را به اسارت گرفته اند. حال برای آنکه مردم به عنوان «قدرت مؤسس» دولت در عصر پسا مدرن بتوانند اداره آفریده خود یعنی دولت را در دست بگیرند باید شکل دومی از تعیین سرنوشت و اینبار در بُعد داخلی آن در قالب «مقاومت در مقابل سرکوب دولت» مطرح شود. اگرچه «مقاومت در مقابل سرکوب» اغلب در کشورهای رهیده از سلطه استعماری قابل طرح است، اما یقیناً طرح آن محصور به آنها نیست.

فصل دوم: «مقاومت در مقابل سرکوب دولت»: وسیله‌ای برای رهایی از سلطه اقتدارگرایی

«مقاومت در مقابل سرکوب دولت» عبارت از عدم تبعیت و سر فرود نیاوردن مردم در مقابل قدرت دولت متبوع خود است که با سرکوبگری مبادرت به نقض حقوق بنیادین آنان می‌کند.

هدف از اعمال مقاومت در مقابل سرکوب پایان بخشیدن به نقض حق‌های بشری مردم و تعرض و سرکوب است. مردم با اعمال مقاومت در واقع، در پی آنند که منطبق حقوقی که اعمال خشونت و تعرض را با اجرای اقدامهای سرکوبگرانه از سوی دولت مجاز دانسته، توجیه می‌کند تغییر دهند. مهمترین عاملی که دولتی را به سرکوب مردم خود رهنمون می‌شود عدم مشروعیت قدرت آن است. عریان‌ترین و بارزترین چهره سرکوب دولتی، سرکوب سیاسی است. این شکل از سرکوب در قالب اقدام نهادهای سیاسی و نظامی تجلی می‌یابد که از حاکمیت قانون گریزان بوده، ناقض حقوق مردم می‌شوند. بدین ترتیب نظامهای سیاسی خودکامه که در آنها حاکم حقوق بنیادین حکومت شوندگان را نقض می‌کند، قانون اساسی را نادیده می‌انگارد یا با تغییر یا تفسیر به رأی آن در جهت دستیابی به اهداف خود اقدام می‌کنند، نظارتهای دموکراتیک واقعی را نمی‌پذیرد، مانع برگزاری انتخابات آزاد می‌شود، آزادی مطبوعات را برنمی‌تابد، از دسترسی کلیه شهروندان به قدرت سیاسی یا مشارکت آنان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ممانعت بعمل آورد، قوانین ظالمانه و تبعیض‌آمیزی را بر مردم تحمیل می‌کند و سرانجام خودسرانه و فارغ از هر قید و بندی در کلیه عرصه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی خصوصی مردم ورود کرده، تصمیم می‌گیرد در زمره دولتهای سرکوبگر محسوب می‌شوند.

تاریخ بشر مملو از زورمداران قانون‌گریز است که در رأس دولتهای سرکوبگر قرار داشته و دارند. برای نمونه در تاریخ معاصر میتوان از هیتلر، موسولینی، استالین، حسن هابره، میلوسویچ، صدام حسین و عمر البشیر نام برد که با اقدامهای سرکوبگرانه بر ضد مردم خود و دیگر مردم جهان، تاریخ بشریت را به ننگ آغشته‌اند.

الف. مبانی «حق» مقاومت در مقابل سرکوب

برخلاف حق تعیین سرنوشت که در دوران معاصر و برای رهایی از سلطه استعماری مطرح شده است، مقاومت در مقابل سرکوب از قدمت بسیار زیادی برخوردار است. خاستگاه این نوع مقاومت حتی به دوران ماقبل دولت بازگشته، اولین بارزه‌های آنرا میتوان در چین باستان در حدود یازده قرن قبل از میلاد مشاهده نمود. در آن روزگاران این اندیشه مطرح شد که قدرت را می‌توان از دارندگان آن بازستاند، زمانیکه آنان آنرا با ستمگری و بیداد اعمال می‌کنند. جلوه‌هایی از این پدیده به ویژه در تفکر فلسفی رایج در عهد عتیق در مغرب زمین هم ملاحظه می‌شود. فیلسوفان این دوران بر این نظر بودند که بهترین شکل حکومت اعتدال در قدرت سیاسی است. برای نمونه افلاطون و ارسطو بر این نظر بودند که در مقابل حاکمان ظالم باید مقاومت کرد. ارسطو معتقد بود:

«زمانی که حاکمان گستاخ، بی‌شرم و حریص می‌شوند، باید علیه آنان و بر ضد قوانینی که چنین امتیازهای ناعادلانه‌ای را به ایشان ارزانی داشته‌اند قیام کرد».

نمود جدیدی از اندیشه مقاومت در مقابل سرکوب در دوره‌ای از قرون وسطی نیز پدیدار گشت. اندیشه عدم تبعیت از ظالم توسط برخی از الهیون اسکولاستیک همچون توماس آکیناس و فیلسوفان عصر روشنگری پذیرفته شده، در قالب حقوق طبیعی مطرح شده است. در راستای همین جریان فکری است که طرفداران نظریه «قرارداد اجتماعی» برای ایجاد یک جامعه سیاسی بر آن شدند که چنین قراردادی باید تضمین کننده امنیت و آرامش افراد بوده، مانع تحقیر و آزار آنان شود. بنظر میرسد که حتی در چنین جامعه‌ای هم افراد باید دفاع از خود و مقاومت در مقابل سرکوب احتمالی را حفظ کرده، نباید آنرا به قدرت عمومی واگذارند.

در ادامه نظر توماس هابز قابل توجه است که معتقد است هیچکس نمی‌تواند از حق «دفاع از حیات خود و مخالفت با محرومیت از آزادی اعراض کند». جان لاک بر این امر پای می‌فشرد که در برابر خودکامگی قدرت، مردم حق حفاظت از «خود و امنیت خویش را دارند و این هدف اصلی از ایجاد جامعه سیاسی است».

ژان-ژاک روسو هم با ترکیبی از نظرات قبلی خواهان اضمحلال دولتی است که در آن حاکم از قدرت خود سوءاستفاده می‌نماید. او اظهار می‌دارد. زمانیکه حکومت قدرت را غصب می‌کند میثاق اجتماعی نقض شده، کلیه شهروندان حق دارند از آزادیهای طبیعی خود بهره‌مند گردند». به دیگر سخن آنان مکلف به تبعیت از چنین دولتی نیستند.

علی‌رغم طرح چنین اندیشه‌هایی به نفع مقاومت در مقابل سرکوب، دولت به شدت با تبدیل شدن آن به قاعده حقوقی مخالفت می‌ورزید. دولت وستفالیایی بر آنستکه خشونت باید در انحصار آن باشد. به همین دلیل است که اولین نمودهای مقاومت در مقابل سرکوب در قالب متون حقوقی را می‌توان در پی بروز انقلابهای اجتماعی - سیاسی سده هیجدهم مشاهده کرد.

اولین سند در این زمینه اعلامیه حقوق ویرجینیا مورخ ۱۲ ژوئن ۱۷۷۶ است. بند ۳ این اعلامیه اظهار میدارد: «بهترین شکل حکومت آنستکه که بالاترین درجه رفاه، سعادت و امنیت را برای مردم تأمین و تضمین کند. هر گاه حکومتی توانایی تأمین و تضمین چنین حقوقی را نداشته باشد اکثریت جامعه از حق قطعی، ذاتی و دائمی برای اصلاح و تغییر و یا حتی انحلال آن بشکلی که خیر مشترک آنان تأمین شود، برخوردار است.»

بر مبنای این سند بود که اعلامیه استقلال آمریکا در ۴ جولای ۱۷۷۶ تنظیم و امضاء شد. این سند هم بر بدیهی بودن حق‌های مندرج در اعلامیه ویرجینیا پای می‌فشارد و اعلام می‌دارد که حکومتها برای تضمین خیر مشترک تشکیل می‌شوند و اگر از عهده این وظیفه برنیايند مردم حق دارند آنها را تغییر داده یا منحل کنند. دومین دسته از اسناد مربوط به شناسایی «حق» مقاومت مردم در مقابل سرکوب دولت پس از وقوع انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه قابل مشاهده است.

«اعلامیه حقوق بشر و شهروند» فرانسه ابتدا در ماده ۲ خود پس از بیان اینکه هدف هر نهاد عمومی باید حفظ حق‌های طبیعی و دائمی بشر باشد، به ذکر این حق‌ها پرداخته، اعلام می‌کند. این حق‌ها «شامل آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر سرکوب است.»

در راستای تکمیل نمودن اعلامیه قبلی، اعلامیه دیگری در ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ تصویب شد. این اعلامیه پس از بیان کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه ۱۷۸۹ و تکمیل آنها، ابتدا در ماده ۹ خود اظهار میدارد که «قانون باید از آزادیهای عمومی و فردی در مقابل سرکوب حکومت‌کنندگان حمایت کند»، سپس در ماده ۱۱ بیان می‌دارد هر اقدامی که بخواهد بر ضد هر کسی در خارج از چارچوبهای پیش‌بینی شده در قانون اعمال شود، خودسرانه و ظالمانه است؛ و کسی که هدف چنین اقدامی توأم با خشونت قرار گیرد حق دارد با توسل به زور مانع آن شود.»

مقاومت در برابر سرکوب در پیشگفتار قوانین اساسی جمهوریهای چهارم و پنجم فرانسه نیز به شکلی قابل مشاهده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود تا آن زمان مقاومت در مقابل سرکوب فقط در قالب اعلامیه‌ها یا پیشگفتار قوانین اساسی مورد توجه قرار گرفته بود و این خود ممکن بود سبب شود که برخی در «حق و الزامی بودن» آن تردید کنند. به همین دلیل برخی از کشورها مقاومت در برابر سرکوب را به صراحت در نظام حقوق داخلی خود بویژه در قوانین اساسی خویش پیش‌بینی کرده‌اند. در این مورد برای نمونه می‌توان به ماده ۲۱ قانون اساسی کشور پرتغال اشاره کرد. این ماده به صراحت به حق مقاومت در مقابل سرکوب توجه کرده، اعلام می‌دارد:

«هر کس حق دارد که در مقابل نظمی که به حقوق و آزادیهای وی و یا به تضمین‌های بنیادین آنها خدشه وارد کند، مقاومت نماید.» این ماده حتی توسل به زور را هم در مقابل چنین نظمی به رسمیت شناخته است. این قانون در ماده ۲۲ خود به وضوح مسئولیت جمعی دولت و نهادهای عمومی را هم در قبال نقض عمده یا سهوی حقوق و آزادیهای بنیادین مردم مطرح می‌کند.

پذیرش مقاومت در مقابل سرکوب و حتی جدایی‌طلبی در نظریه کمیسیون آفریقایی در هنگام بررسی شکایت مردم کامرون جنوبی نیز قابل مشاهده است. این کمیسیون ضمن رد جدایی مردم در این بخش از کشور کامرون، بر آنستکه اگر ملتی با سرکوب مواجه باشند می‌توانند نه فقط مقاومت کنند، بلکه دست به جدایی‌طلبی بزنند.

حال که مقاومت در مقابل سرکوب دولت از لحاظ حقوقی نیز برسمیت شناخته شده است، سؤالی که مطرح می‌شود اینستکه این مقاومت چگونه می‌تواند اعمال گردد؟

ب. اعمال مقاومت در مقابل سرکوب دولت

همانطور که گفته شد «حق» مقاومت در مقابل سرکوب زمانی مطرح می‌شود که دولتی مبادرت به سرکوب خواسته‌های مشروع اتباع خود به ویژه خواسته‌های سیاسی آنان می‌کند. اعمال این «حق» معمولاً به دو شکل امکان‌پذیر است.

- اعمال «حق» مقاومت در مقابل سرکوب با توسل به شیوه قهرآمیز

- اعمال «حق» مقاومت در مقابل سرکوب از طریق توسل به شیوه‌های غیرقهرآمیز

البته استفاده از هر یک از شیوه‌های فوق تابع شرایط عینی موجود در هر جامعه‌ای است که در آن دولت سرکوبگر عنان قدرت و تصمیم‌گیری را در دست دارد.

۱. اعمال «حق» مقاومت در مقابل سرکوب دولت با استفاده از شیوه قهرآمیز

استفاده از شیوه قهری برای مقاومت در مقابل دولت سرکوبگر علی‌الاصول منجر به درگیری مسلحانه شده، با گذار از آستانه‌ای وارد جنگ داخلی می‌شود. در صورت ورود به مخاصمه مسلحانه طرفین متخاصم مکلفند قواعد بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه را اعمال نمایند. در مواردی حتی این مخاصمه ممکن است به یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تبدیل شود که وضعیت سوریه و یمن در حال حاضر (۲۰۱۶) نمونه بارز آن هستند. بدیهی است نقض حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و بین‌المللی از سوی هر یک از طرفین منجر به مسئولیت کیفری فردی نقض‌کنندگان می‌شود. واقعیت‌ها متأسفانه نشان از آن دارند که استفاده از این شیوه هزینه‌های سنگینی را به ویژه بر مردم و بالخصوص بر اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و سالمندان و معلولان بار می‌کند. نمونه بسیار آشکار آن وضعیت سوریه است. منشاء مخاصمات مسلحانه فعلی و ایجاد امکان برای فعالیت‌های گروه‌های ضد بشری همانند داعش، جبهه النصره و... در این کشور، اعتراض‌های بخشی از مردم بود که در پی سرکوب آن از سوی دولت رفته رفته ابعاد گسترده تری یافت و امروز به وضعیتی رسیده است که پس از بیش پنج سال هزاران نفر کشته و میلیون‌ها تن از مردم آواره شده‌اند. ضمن آنکه باید توجه داشت که توسل به شیوه قهرآمیز الزاماً منتهی به برآورده شدن خواسته‌های مردم به عنوان قدرت مؤسس کشور و

استقرار یک حکومت دموکراتیک و پاسخگو نمی‌شود. بارزترین مثال در این خصوص وضعیت کشور لیبی است. سقوط معمر قذافی دیکتاتور آن کشور متأسفانه هنوز منتهی به استقرار نظام سیاسی دموکراتیک در آن جا نشده است.

در اینجا است که نظریه برخی از فیلسوفان و مصلحان اجتماعی از جمله کانت نمود عینی‌تر یافته، عقلانی‌تر می‌نماید، بنظر آنان گذار از چنین نظام‌هایی نه در گرو برپایی انقلاب و اعمال خشونت و ایجاد هرج و مرج و غلبه زور بر عقل است، بلکه چنین گذاری باید با توسل به اقدام‌های غیرخشونت بار تحقق یابد، این نظر بویژه در عصر مبارزه با خشونت و شکوفایی اندیشه خشونت‌زدایی بنظر بسیار مؤثرتر و کارآمدتر می‌نماید. بارزترین نماد شیوه مسالمت‌آمیز از گذار از نظام‌های سرکوبگر «نافرمانی مدنی» است.

۲. اعمال مقاومت در مقابل سرکوب با استفاده از شیوه غیرقه‌آمیز: نافرمانی مدنی

پاگرچه اصطلاح نافرمانی مدنی در اواسط قرن نوزدهم توسط یک نویسنده آمریکایی در اعتراض به گرفتن مالیات از سوی دولت آمریکا برای تأمین مخارج جنگ آن کشور بر ضد مکزیکی مطرح شد، اما بنظر میرسد که تفکر مبتنی بر نافرمانی مدنی پیشینه‌ای قدیم‌تر داشته، حتی در عهد عتیق و پس از آن در بسیاری از نقاط جهان قابل مشاهده باشد.

در مورد تعریف «نافرمانی مدنی» اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آنرا اقدامی عمومی و غیرخشونت‌بار تلقی کرده‌اند که با آگاهی بر ضد یک قانون یا سیاست یک حکومت انجام می‌شود و هدفش اغلب ایجاد تغییر و اصلاح در آنهاست. چنین اقدامی به نظر این عده به مفهوم عدالت اکثریت اعضای جامعه است. آنان از طریق این اقدام در واقع اعلام می‌کنند که اصول همکاری اجتماعی در میان انسان‌های آزاد و برابر دیگر رعایت نمی‌شوند. این درحالی است که برخی از متفکران از جمله هابرماس بر این نظر هستند که «نافرمانی مدنی» در برگیرنده اعمال غیرقانونی است که عموماً بصورت جمعی انجام می‌شود. نافرمانی مدنی در واقع اقدامی جمعی و وسیله‌ای برای ابراز غیرخشونت بار اعتراض است. بنابر این دو ویژگی در «نافرمانی مدنی» جلب توجه می‌کنند. اولاً نافرمانی مدنی اقدامی «جمعی» است. ویژگی «جمعی بودن» نافرمانی مدنی را فیلسوف خانم هانا آرنهت بخوبی توصیف کرده است زمانیکه اظهار میدارد:

«... نافرمانی مدنی ناشی از همکاری آگاهانه اعضای گروهی است که قدرت خود را دقیقاً از توانایی انجام اقدام بصورت جمعی کسب می‌کنند». بنابر این دو «نافرمانی مدنی» ماهیتاً عملی جمعی است. همین ویژگی است که سبب تفکیک آن از «نافرمانی فردی» می‌شود که اغلب جنبه کیفری دارد.

ثانیاً «نافرمانی مدنی» عملی غیرخشونت بار و مسالمت‌آمیز است. به دیگر سخن نافرمانی مدنی ذاتاً فارغ از خشونت است، چونکه برای مخالفت با قواعد یا حتی دولت حاکم به قوانین و مقررات برتری از جمله قواعد حقوق بشری استناد می‌کند. این ویژگی غیرخشونت بار «نافرمانی مدنی» است که سبب انفکاک آن از «انقلاب» می‌شود که اغلب توأم با کاربرد زور و

خشونت است. بنظر میرسد مشروعیت «نافرمانی مدنی» در همین ویژگی «مسالمت آمیز بودن» آن و عدم توسل به خشونت در اعمال آن نهفته باشد.

با توجه به مطالب فوق بنظر میرسد «نافرمانی مدنی» عملی جمعی، آگاهانه، ارادی و غیرخشونت بار از سوی مردم باشد که با نقض قواعد موضوعه ظالمانه دولت سرکوبگر خواهان اصلاح و تغییر یا لغو آن قواعد بوده، یا حتی در صورت لزوم خواستار انحلال آن دولت است.

البته نافرمانی مدنی خود قابل تقسیم به مستقیم و غیرمستقیم است. نافرمانی مدنی مستقیم زمانی مطرح می شود که خواسته الغای قواعد خاصی باشد و مردم از اجرای آن امتناع می کنند. نافرمانی مدنی غیرمستقیم است که الغای قواعد یا سیاست خاصی مدنظر نیست، بلکه مردم برای اعتراض به دولت به نقض قواعد و قوانین غیرظالمانه هم می پردازند. برای مثال مردمی که به سیاستهای دولت خود اعتراض دارند برای نشان این اعتراض به نقض برخی از قوانین مانند قوانین رانندگی مبادرت می کنند.

نکته ای که ذکر آن ضروری می نماید اینکه گاهی ممکن است خاستگاه «نافرمانی مدنی» تفکر یا عمل فردی باشد که با ابراز آن فکر یا انجام آن عمل تبدیل به یک اقدام جمعی در قالب «نافرمانی مدنی» شود. بارزترین نماد آنرا میتوان در فکر و عمل ماهاتما گاندی مشاهده کرد که منجر به نافرمانی مدنی گسترده هندیها و در نهایت استقلال هند از زیر یوغ استعمار انگلستان گردید. «نافرمانی مدنی» گاندی به مبارزه با آپارتاید در آفریقای جنوبی هم کمک کرد. باید گفت که شیوه مبارزه مسالمت آمیز و مدنی مرحوم نلسون ماندلا برای رهایی کشور آفریقای جنوبی از چنگال رژیم نژادپرست اقلیت سفیدپوست آن کشور در واقع به شدت از افکار و اعمال گاندی تأثیر پذیرفته بود.

«نافرمانی مدنی» گاهی در ابعاد جهانی هم خودنمایی می کند. برای مثال می توان به مقاومت مسالمت آمیز مردم کشورهای مختلف در قالب جنبش «ضد جهانی شدن» و یا در چارچوب سازمانهای غیردولتی برای دفاع از حقوق بشر یا حفاظت از محیط زیست اشاره نمود.

ج. مقاومت در مقابل سرکوب، «حق» یا «تکلیف»؟

آخرین نکته در بحث مقاومت در مقابل سرکوب دولت به ماهیت آن باز می گردد. اگرچه «حق» بودن آن کمترین شک و تردیدی را برنمی انگیزاند، اما آیا می توان گامی فراتر برداشته، آنرا به مثابه یک «تکلیف» هم مطرح نمود؟ یا اجرای آنرا مانند حق تعیین سرنوشت تکلیفی مطلق و عام الشمول لحاظ کرد؟

شاید منشاء طرح چنین سؤالی به ماده ۳۵ اعلامیه ۱۷۹۳ فرانسه باز گردد. این مقرر اعلام میدارد «هر گاه حکومت حقوق مردم را نقض کند، شورش برای آن مردم یا بخشی از مردم، یکی از مقدس ترین حقها و یکی از واجب ترین تکالیف است».

نیک میدانیم که مهمترین ویژگی پدیده‌ای به نام «انسان» برخورداری او از حق‌های ذاتی و بنیادین خود از جمله حق حیات، حق آزادی، حق انتخاب، و برابری در مقابل قانون است که جملگی تضمین کننده کرامت، حیثیت و منزلت وی هستند. از سوی دیگر دولت سرکوبگر معمولاً این حق‌ها را آماج حملات و تعرض‌های خود قرار میدهد. حال اگر «مقاومت در مقابل سرکوب» صرفاً به عنوان یک «حق» عادی لحاظ شود، بدیهی است دارنده آن می‌تواند از آن اعراض کند. تصور اینکه موجودی در مقابل تضییع حقوق ذاتی و بنیادین خود عکس‌العمل و مقاومتی نشان ندهد و همچنان به عنوان «انسان» با منزلت شناخته شود بعید می‌نماید. در اینجا است که بنظر میرسد بتوان اجرای مقاومت در مقابل دولت سرکوبگر را به عنوان یک «تکلیف» مطرح نمود. طرح این نکته شاید چندان هم بدیع نباشد. بارزهای از آنرا می‌توان در آموزه‌های مسیحیت قرون وسطی و بعد از آن بویژه در دوران معاصر در محاکمات نورنبرگ ملاحظه نمود. کلیسا با پذیرش این هنجار که «آنچه به سزار تعلق دارد از آن اوست و آنچه که به خدا تعلق دارد از آن خداست»، مقاومت و نافرمانی را در برابر قدرت حاکمی که بر ضد آنچه متعلق به خداست قد علم کرده است قاطعانه به عنوان یک «تکلیف» مورد توجه قرار داده است. حتی این آموزه را در قرآن کریم نیز میتوان بصراحت مشاهده نمود زمانیکه خداوند رحمان در سوره مبارکه طه به حضرت موسی دستور میدهد یعنی بر او تکلیف می‌کند که به سوی فرعون رو (قیام کن) که همانا او یاغی و طاغی شده، ادعای خدایی می‌کند.

جنایتکاران نازی در جریان محاکمات نورنبرگ برای دفاع از خود این مطلب را مطرح میکردند که اطاعت و تبعیت از قوانین آلمان هیتلری امری غیرقابل اجتناب بود و متمردان و دگر اندیشان نسبت به آن قوانین و فرمانهای «پیشوا» به بدترین شکل مجازات می‌شدند. به دیگر سخن این مسأله مطرح شد که تا چه مرحله‌ای «اصل قانونی بودن» بر «اصل عدالت» اولویت دارد؟ قضات دادگاه نورنبرگ در پاسخ نه فقط حق افراد را در نافرمانی از قوانین ظالمانه به رسمیت شناختند، بلکه آنانی را که از این قوانین تبعیت کرده بودند محکوم نمودند. به عبارت دیگر دادگاه نورنبرگ «حق نافرمانی» از یک نظم حقوقی نامشروع یا ظالمانه را تبدیل به یک «تکلیف» می‌کند و عدم انجام آن را مستوجب مجازات میداند.

البته پذیرش مقاومت در مقابل دولت سرکوبگر به مثابه یک تکلیف ممکن است در کلیه قلمروها با مشکل مواجه شود، چونکه عدم اجرای تکلیف علی‌الاصول موجب مسئولیت میگردد. معهذا بنظر میرسد بتوان حداقل در برخی از عرصه‌ها از «مقاومت در مقابل دولت سرکوبگر» به عنوان یک تکلیف یاد کرد. برای مثال زمانی که دولتی سیاست گسترده یا سازمان یافته‌ای را برای ارتکاب جنایات بین‌المللی از جمله نسل‌کشی، حبس و محروم کردن افراد از آزادی، پاکسازی قوی و امثالهم را پیشه می‌کند، قطعاً مقاومت در مقابل آن نه یک «حق» بلکه یک واجب عینی است. تبعیت از چنین دولتی و مشارکت کردن در اعمال چنین سیاستی موجب مسئولیت میگردد. تأسی به امر آمر و یا سبوعیت آن دولت هم قطعاً رافع مسئولیت کامل مباشر نخواهد بود.

فرجام سخن:

در پایان باید متذکر شد که در حقوق بین‌الملل، دوران «مؤثر بودن» به نفع عصر «مشروعیت» با شتاب فزاینده‌ای در حال سپری شدن است، اگر گفته نشود که دوران مؤثر بودن بطور کامل خاتمه یافته است. در رابطه با حاکمیت قطعاً یکی از ویژگی‌های آن «مشروعیت دموکراتیک» است. چنین مشروعیتی در تعارض آشکار و بین باوجود سلطه استعماری و دولتهای سرکوبگر و ظالم بعنوان پدیده‌های ضد بشری قرار دارد. ویژگی‌های اصلی این مشروعیت هم آنستکه که اولاً قدرت سیاسی باید برخاسته از اراده جمع (مردم) باشد و این اراده بصورت آزادانه و بطور ادواری اظهار و اعلام گردد که چارچوب بیان آن نیز انتخابات آزاد و سالم است. ثانیاً و مهمتر آنکه قدرت سیاسی برخاسته از اراده مردم مکلف به حفظ و تضمین حقوق اساسی و بنیادین افراد تحت صلاحیت خود و همچنین حفظ و تضمین امنیت آنان است.

عدم وجود چنین مشروعیتی، نظامهای سیاسی را با مشکلات عدیده حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی تهدیدهای نظامی مواجه می‌کند.

بنابراین «تعیین سرنوشت» در برابر سلطه خارجی و «مقاومت در مقابل سرکوب دولت» حق و تکلیفی غیرقابل انتقال و چشم پوشی بوده، ذاتی حیات مردم هستند. عدم اعمال آنها می‌تواند برای مردم تحت سلطه استعماری یا تحت انقیاد دولت سرکوبگر عواقب زیانباری داشته باشد، چونکه آنان نیز نه فقط متحمل آثار وجود این نظامهای ضد بشری می‌شوند، بلکه باید آثار برخورد جامعه بین المللی با نظامهای استعماری یا دولتهای اقتدارگرای سرکوبگر حاکم بر خود را نیز تحمل کنند. نمونه بارز آنرا می‌توان در عراق در دوران حاکمیت حزب بعث و بویژه در زمان سلطه صدام حسین بر آن کشور مشاهده نمود. اعمال تحریم‌های شورای امنیت بر ضد عراق مشکلات بسیار و گسترده‌ای را برای مردم عراق ایجاد کرد، مشکلاتی که سبب بروز آنها حکومت بعثی عراق و نه مردم آن کشور بودند؛ معذک این مردم بودند که مشکلات فراوانی را متحمل می‌شدند، بطوریکه گاهی برای رفع ابتدایی‌ترین نیازهای خود در قلمروهای غذایی و دارویی با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند. در پایان با امید به آنکه در عصر پسا استعماری و مشروعیت قدرت سیاسی، دولت این جرثومه وستفالیای به سرعقل آمده، حقوق بنیادین افراد تحت صلاحیت خود را پاسداری نماید و نیازی به مقاومت مردم در برابر سرکوب و ترکتازیهای آن نباشد.

خانم دکتر مصفا ضمن تشکر از فرمایشات مبسوط جناب دکتر بیگ زاده، با توجه به حضور جناب دکتر جمشید ممتاز (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، فرصت را مغتنم شمرده و از ایشان نیز دعوت نمودند تا پیرامون موضوع به ارائه دیدگاه‌های خود بپردازند.



متن سخنرانی دکتر ممتاز به شرح ذیل است:

خدمت سروران عزیز سلام عرض می‌کنم و در آغاز می‌خواستم از سرکار خانم دکتر مصفا تشکر کنم که این امکان را برای من فراهم آوردند که باردیگر در خدمت دانشجویان و سروران عزیز باشم.

از دکتر بیگ زاده و سخنرانی فوق العاده ایشان نیز تشکر می‌کنم، ایشان به موضوع بسیار مهم و به جایی در شرایط امروز پرداختند از سخنان ایشان بسیار استفاده کردیم و من اجازه می‌خواهم در رابطه با بخش اول صحبت‌های ایشان یک مطلبی را مطرح کنم. آقای دکتر فرمودند که حق سرنوشت یا حق آزادی ملت‌ها در تعیین سرنوشت الزاما به تشکیل دولت منتهی نمی‌شود، احساس من این است که جناب دکتر بیگ زاده بعد خارجی اصل آزادی ملت‌ها را به نحوی در حدی نمی‌دانید که ما بخواهیم درباره اش صحبت کنیم و تاکید ایشان بیشتر بر روی بُعد داخلی است، به عبارتی تضمین حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشر برای اقلیتی که احتمالا در ذهنش توسل به اصل آزادی ملت‌ها در تعیین سرنوشت را می‌پروراند یا به عبارتی در شرایطی قرار گرفته است که حق بنیادینش سلب می‌شود و نهایتا راهی جز توسل به این اصل و آن هم به بُعد خارجی آن ندارد. من شخصا بر این عقیده هستم که آن چیزی که از اصل آزادی ملت‌ها در تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل ما از آن یاد می‌کنیم بعد از خاتمه دوره استعمار به هیچ وجه دیگر در حقوق بین الملل جایگاهی ندارد و این بحث مربوط به جدایی چاره ساز هم خود تاییدی بر این اصل است یعنی به عبارت دیگر آن دسته از حقوق‌دانانی که به دنبال پرورش این فکر

هستند که در مواردی یک ملت ستمدیده راهی جز توسل به زور برای جدایی چاره ساز و اینکه از این یوغ و ظلم رها شود، ندارد، حکایت از این میکند که این اصل تنها بعد داخلی دارد مگر این استثنا وجود داشته باشد. این را هم اضافه می‌کنم که اگر ما این اصل را هم بپذیریم، یعنی در شرایط بسیار استثنایی بپذیریم که آن ملتی که هیچ راهی و چاره‌ای مگر جدا شدن از دولت مادر را ندارد و تلاشش در جهت ایجاد یک دولت مستقل به نتیجه می‌رسد، همانطور که اشاره داشتیم در اکثر موارد ما نمی‌توانیم نتیجه مطلوبی را داشته باشیم. هراس من از استفاده از این مفهوم جدایی چاره ساز این است که این اقدام خود منجر به نقض حقوق بنیادین افراد می‌شود، هم آنهایی که به دنبال استقلال بودند و هم آنهایی که قبل از استقلال پیشه‌شان ظلم و ستم به آن اقلیت بود. ما نمونه این را الان در کوزوو می‌بینیم و هنوز راه زیادی مانده است تا اقلیت صرب حاضر در کوزوو بتواند از حقوق بنیادین خود استفاده بکند یعنی به عبارتی استفاده از این مفهوم نهایتاً منجر به ایجاد دولتی خواهد شد که مرزهایش مبتنی بر مرزهای جدایی قومی و مذهبی است و احتمالاً به دنبال تاسیس چنین دولتهایی ممکن است ما شاهد پاکسازیهای قومی نیز باشیم که قربانی آن اقلیتهایی هستند که قبل از استقلال خودشان ستم کرده‌اند.

اگر اجازه بفرمایید من در قسمت دوم عرائضم یک مطلبی را مطرح کنم که میشود گفت که اشتغال اصلی من است و آن مسئله سلسله مراتب قواعد حقوق بین الملل است. دکتر بیگ زاده به کرات بر این نکته تاکید داشتند که نقض حقوق بشر نقض بنیادین قواعد حقوق بین الملل است و حق قیام و توسل به طرق قهرآمیز و در مواردی هم به نافرمانی مدنی استناد کردند. اگر اجازه بدهید من می‌خواهم مطلب را به نحو دیگری و با در نظر گرفتن وظایف و حقوقی که دولتهای ثالث در زمان بروز وقایعی که دکتر بیگ زاده به خوبی تشریح کردند کدامند، به عبارت دیگر یعنی آیا دولت ستمگر فقط به ملت خود پاسخگو است و تنها ملتش است که می‌تواند علیه چنین اقداماتی قیام کند یا در شرایط کنونی جامعه بین الملل و حقوق بین الملل دولتهای ثالث هم طبیعتاً وظایف و حقوقی برای مقابله با چنین وضعیتی‌هایی که حاصل سرکوب ملت است دارند یا ندارند. اما بپردازیم به طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین الملل ماده ۴۸ این طرح که فقط طرح نیست و در مواردی ما شاهد این هستیم که دولتها هم به تدریج این توسعه تدریجی را که خود کمیسیون حقوق بین الملل اذعان می‌کند که در این ترتیبات ماده آمده به چه نحوی دارد به قواعد حقوق بین الملل موضوعه تبدیل میشود، به عبارت دیگر آیا دولتها و دول ثالث هم از این دو ابزاری که شما در مورد مقابله با سرکوب از آن یاد کردید برای دولتهای ثالث که به صورت مستقیم از سرکوب یک ملت زیان نمی‌بینند وجود دارد یا ندارد و دقیقاً ماده ۴۸ طرح مسئولیت به این موضوع پرداخته است که در صورت نقض قواعد آمره یا تعهدات عام الشمول یک سلسله حقوق و وظایفی برای دول ثالث که به صورت مستقیم از این سرکوب متضرر نشده‌اند وجود دارد. من همان تقسیم بندی دکتر بیگ زاده را می‌خواهم در اینجا مبنا قرار دهم، توسل به طرق قهرآمیز توسط دول ثالث برای مقابله با سرکوب و نقض فاحش و مستمر سیستماتیک حقوق بشر توسط یک حکومت جابر. همه سروران عزیز کم و بیش با نظریه تاسیس یا مداخله بشردوستانه آشنایی دارید. مداخله بشر دوستانه که دولتهایی برای نجات ملتی که تحت ظلم و ستم قرار گرفته است لشگرکشی میکند، موارد متعددی از این موضوع در طول تاریخ

وجود داشته است مثلاً ادعاهایی که کشورهای اروپایی برای کمک به مسیحیان امپراتوری عثمانی، مداخله‌های نظامی که منجر به تاسیس دولت یونان شد یا در مواردی هم در لبنان نیز به همین شکل عمل کردند و دولتها نهایتاً در استفاده از این تاسیس زیاده روی کردند به قسمی که در رای کورفو ۱۹۴۹ دیوان بین‌المللی دادگستری با صراحت می‌گوید که هر نامی روی آن بگذاریم مداخله بشردوستانه یا چیز دیگری همواره به نفع دولتهای بزرگ خواهد بود و به نظر من به همین دلیل است که جامعه بین‌المللی کوشش کرده است که تاسیس جدیدی را جایگزین مداخله بشردوستانه بکند که همان مسئولیت حمایت است. اعلامیه سران کشورها در سپتامبر ۲۰۰۵ و مواردی که از این تاسیس استفاده شده است برای کمک رسانی به ملتی که تحت یوغ و ستم یک دیکتاتور است و همه ما به خوبی می‌دانیم که اولین بار هم در جریان لیبی از این مفهوم استفاده شده است. بعدها هم این اتفاق در آفریقای مرکزی در ساحل عاج این اتفاق به کرات افتاده است. ما نهایتاً به این فرمول یا مفهومی که در مسئولیت حمایت وجود دارد می‌رسیم که دولتها مسئول حمایت از مردم شان هستند یعنی دولتها نه تنها نباید سرکوب کنند بلکه بایستی اقدامات لازم را به عمل بیاورند که این مسئولیت شان را بتوانند به نحو احسن اعمال کنند و در صورتی که به هر دلیلی از این کار عاجز هستند عمداً و یا براساس یک سیاست، جامعه بین‌المللی حق مداخله را بر اساس این نظریه تاسیس دارد و شورای امنیت باید بتواند در مواردی از این مفهوم استفاده کند، در صورتی که پنج رای اعضای دائم شورای امنیت مثبت باشد و مجوز توسل به زور را صادر کند. ما دیدیم که این موضوع در لیبی چه آثاری را به دنبال داشت و به همین دلیل در قضیه سوریه که دکتر بیگ زاده به خوبی به آن اشاره کردند از این نظریه مسئولیت حمایت به درستی استفاده نشد و اقدامات یکجانبه‌ای هم به عمل آمد یعنی ما نهایتاً احساس می‌کنیم که به دوران مداخله بشر دوستانه برگشته ایم.

در مورد بحث دوم یعنی نافرمانی مدنی و استفاده از طرق مسالمت آمیز، من فکر می‌کنم که جامعه بین‌المللی به موفقیت‌های بیشتری دست یافته است و بدون تردید من می‌توانم بگویم که در این برهه از زمان نقض حقوق بنیادین بشر منافع کلیه دولتها را در بردارد به عبارت دیگر دولتی که این قواعد را نقض کند نهایتاً همه دولتها بدون استثنا از این اقدام سرکوبگرانه متضرر می‌شوند که به همان تقسیم بندی ماده ۴۸ طرح مسئولیت اشاره دارد، تفکیک بین دولتهایی که به شکل مستقیم متضرر می‌شوند و دولتهایی که به شکل غیر مستقیم متضرر می‌شوند. این را ما در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر داریم که اگر اشتباه نکنم ماده ۴۱ است که با صراحت می‌گوید هر دولتی که کنوانسیون حقوق بشر را نقض کند به همه دولتهای دیگر لطمه زده است و همه دولتهای دیگر می‌توانند حتی اگر به صورت مستقیم متضرر نشدند اقداماتی را به عمل آورند و کمیته حقوق بشر هم همین مطلب را در مورد میثاق ۱۹۶۶ حقوق سیاسی و مدنی گفته است که همه دولتها در حسن اجرای میثاق ۱۹۶۶ ذینفع هستند و می‌توانند اقدامات غیرقهرآمیزی را برای توجیه دولت ستمگر و قانع کردن این دولت در خاتمه بخشیدن به ظلم و ستم خود انجام بدهند و به نظر من نمونه بارز آن رای ۲۰۱۲ بلژیک-سنغال دیوان بین‌المللی دادگستری است که به نظر من یک انقلاب کوچکی است در راستای این مطالبی که ما امروز مطرح می‌کنیم. در این رای ۲۰۱۲ به دولت بلژیک که هیچ یک از اتباعش و شهروندانش مورد ظلم حکومت حسن هابره قرار نگرفته بودند، یعنی

بلژیک کاملاً نسبت به وقایعی که در چاد رخ داده بود بیگانه بود، این حق را می‌دهد که بر علیه دولت سنگال که اقدام به پناه دادن به این سرکوبگر کرده است طرح دعوی بکند و درست است این افرادی که سرکوب شده اند بعداً تابع بلژیک را کسب می‌کنند اما زمانی که شکنجه شدند هیچ تابع بلژیک نبودند. این رأی و آورده دیوان جنجال کوچکی را به دنبال داشت، اگر به این موضوع علاقه مند هستید نظر مخالف قاضی چینی و نظر مخالف قاضی روس را مطالعه کنید و همچنین نظر قاضی ملی سنگال که یک استاد فرانسوی است و به این سلسله مراتب اعتقادی ندارد هم در این راستا می‌باشد. به نظر من راه باز شده است و باید امید داشت که در آینده دولتهایی که عضو یک سند بین المللی حقوق بشری هستند در صورت مشاهده نقض ترتیبات این کنوانسیونها این حق را برای خودشان قائل بشوند البته به شرطی که ترتیبات مربوط به پذیرش صلاحیت و صلاحیت جمع باشد بر علیه دولت ستمگر در محاکم بین المللی طرح دعوی بکند.

در نتیجه گیری می‌خواهم در مورد تحول انقلابی یک تاسیس حقوق بین الملل جمله ای بگویم، آن هم اینکه اصل عدم مداخله در امور داخلی یعنی این تحولی را که ما الان می‌بینیم یا به عبارتی این اقدامات چه به صورت قهر آمیز و چه به صورت مسالمت آمیز دیگر در صحنه بین المللی مداخله تلقی نخواهد شد، دولتهای ستمگر باید این را به خوبی بدانند که هر دولتی در صورت نقض فاحش حقوق بشر، ظلم و ستم به صورت دسته جمعی و سیستماتیک، می‌تواند اقداماتی را که البته قهر آمیز نباشد را به عمل بیاورد و ما نمی‌توانیم به چنین دولتی برچسب مداخله گر بزنیم.

در پایان این نشست از خانم دکتر هیلدا رضایی و آقایان دکتر عبدالله عابدینی و دکتر سیامک مودنی به عنوان نویسندگان رساله های برتر با موضوع سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۴ تقدیر شد.

گزارش همایش «بایسته ها و راهبردهای مقابله با آسیب های ناشی از مین»

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن

به مناسبت روز بین المللی آگاهی از مین و کمک به اقدام علیه مین، دانشگاه پیام نور مرکز سقز با همکاری دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه (هلال احمر جمهوری اسلامی ایران) و شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، همایش «بایسته ها و راهبرد های مقابله با آسیب های ناشی از مین» را با حضور مسئولان شهر سقز، دانش پژوهان و دانشجویان علاقه مند به مسائل مقابله با مین، در تاریخ پنج شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۵ از ساعت ۰۸:۰۰ تا ۱۸:۰۰ در سالن آمفی تئاتر دانشگاه برگزار نمود.

همایش در چهار پنل و با حضور استادان، پژوهشگران و وکلای آشنا با مسائل مربوط به قربانیان مین و از زوایای مختلف حقوقی، اجتماعی، روانشناختی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه می‌توانید گزارش این همایش را مطالعه نمایید.

مراسم افتتاحیه

در افتتاحیه همایش، دکتر علیرضا شریفی (ریاست دانشگاه پیام نور سقز)، فرماندار شهر، آقای مهرداد اشراقی (رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه) و دکتر اسعد اردلان (رئیس شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) به ایراد سخنرانی پرداختند.

رئیس دانشگاه پیام نور مرکز سقز ضمن عرض خیر مقدم به حاضرین بیان داشتند: «هدف از تدوین قوانین و مقررات، کمک به رفاه و تضمین حقوق انسان هاست. در مناطق مرزی مثل سقز، وجود مین‌های برجای مانده از جنگ تحمیلی و وضعیت جغرافیایی خاص، عواقب و تبعات منفی زیادی بدنبال داشته است، لذا لازم است اقدامات و قواعدی برای حل این مشکلات تدوین و عملیاتی شود». دکتر شریفی ابراز امیدواری کردند که این همایش بتواند گامی در راستای ارائه راهکارهای کارآمد بویژه در عرصه قانون‌گذاری برای مقابله با آسیب‌های ناشی از مین بردارد.

در ادامه معاونت استانداری و فرماندار ویژه سقز با بیان اینکه بیش از ۴ میلیون هکتار زمین آلوده به مین در کشور وجود دارد، بیان داشت: «سهم استان کردستان از این آلودگی ۳٪ بوده ولی خسارات آن بیشتر از این میزان است. در میان شهرهای استان، بیجار و قروه آلودگی ندارند، دیواندره، سنندج و کامیاران آلودگی کمتر دارند.»

مهندس علی اکبر ورمقانی با اشاره به اینکه در سقز تاکنون ۳۶۰ پایگاه پاکسازی شده و ۳۱۷ هکتار دیگر نیز برای پاکسازی کامل شناسایی و اقدامات لازم در این راستا صورت گرفته، اضافه نمود: «در رسیدگی به پرونده حادثه دیدگان، مساعدت‌های لازم صورت گرفته و حتی شرایط حضور قربانیان مین در کمیسیون ماده دو فرمانداری فراهم شده است.»

سپس رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر کشور طی سخنانی، استقرار امنیت و آرامش اجتماعی و حفظ حقوق فردی و عمومی را نیازمند حاکم شدن قواعد و مقررات لازم دانست و اظهار داشت: «با پیدایش نهاد دولت و سازمان‌های بین‌المللی، این قواعد و مقررات متحول و جنبه بشردوستانه به خود گرفته است.»

آقای مهرداد اشراقی به اثرات زیانبار جنگ و اهداف توسعه طلبانه آن اشاره نمود و گفت: «یکی از تبعات جنگ‌ها، استفاده از مین بعنوان سلاح دفاعی است که اثرات نامطلوبی دارد، لذا کاهش این اثرات منفی نیازمند تقویت مقررات بشردوستانه و نیز نقش‌آفرینی مثبت و موثر دولت و نهادهای مردمی و مدنی است.»

در پایان مراسم افتتاحیه، دکتر اسعد اردلان، رئیس شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد همکار با همایش به تشریح چشم‌اندازها و اهداف تأسیس انجمن و سابقه شانزده ساله انجمن پرداختند که به همت دکتر مصفا مادر انجمن و رئیس فعلی انجمن و جمعی از استادان مطرح کشور تأسیس شد. دکتر اردلان همچنین برای کمک به اهداف اصلی تأسیس سازمان ملل متحد که همانا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است اشعار داشتند که شعبه غرب از سال

۱۳۹۳ با مساعدت های شعبه مرکزی تأسیس گردید، ایشان همچنین ابراز امیدواری کردند که بتوانند در گسترش برنامه های انجمن در غرب کشور نقش سازنده ای را ایفا کنند.



پنل اول: ضرورت های علمی و عملی مسائل مربوط به مین

پس از مراسم افتتاحیه پنل اول با عنوان «ضرورت های علمی و عملی مسائل مربوط به مین» با مدیریت آقای جبار اصلانی، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران، برگزار شد.

دکتر امیر حسین رنجبریان، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به عنوان سخنران اول در سخنرانی با عنوان «صد سال مین زدایی برای چند روز مین گذاری، رویارویی حقوقی - انسانی با مین های ضد نفر و شتاب در تصمیم و کندی در اجرا» به ارائه دیدگاه های خود پرداختند.

دکتر رنجبریان با طرح دو پرسش «چرا مقابله با مین؟» و «چگونگی مقابله با مین»، بایسته ها و راهکارهای مقابله با مین را مورد بررسی قرار دادند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره به این که آنچه که اهمیت دارد اندیشه همبستگی جهانی و باور به اینکه آسیب به قربانیان مین در هر گوشه جهان صدمه به بشریت است، مجموعه تلاش های دولت ها، سازمان های مردم نهاد و در صدر آنها کمیته بین المللی صلیب سرخ را تا حدودی ثمربخش دانستند.

در ادامه خانم طاهره عزیزی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، مطالبی را در خصوص حق بر دانستن و عناصر حق مذکور و جایگاه آن در اسناد حقوق بشری ارائه دادند.

در پایان پنل آقای ناصر سرگران، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران، سخنرانی خود را با عنوان «در جستجوی قاتل خفته در خاک؛ از مواجهه عینی تا رویارویی علمی» با یادآوری تجربه شخصی خود در مواجهه با مین آغاز کردند و در ادامه حمایت از چهار گروه را برای محافظت از مخاطرات مین ضروری دانستند:

۱. همه ساکنان مناطق آلوده به مین؛

۲. قربانیانی که هنوز پرونده های آنان در مراجع ذی صلاح به نتیجه نرسیده است؛

۳. حمایت های روانی از افرادی که قربانی مین هستند و پرونده های آنان نیز در مراجع ذی صلاح به نتیجه رسیده است؛

۴. خانواده های قربانیان مین که به نوعی بزه دیدگان حوادث ناشی از مین هستند.

پنل دوم: ظرفیت سنجی مقررات داخلی و بین المللی برای مقابله با آثار نامطلوب ناشی از مین

پنل دوم با مدیریت دکتر اسعد اردلان و سخنرانی دکتر پوریا عسکری، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، شروع شد. ایشان با مرور تعهدات دولت ها در چارچوب کنوانسیون اتاوا ۱۹۹۷ به ممنوعیت استفاده، نگهداری، حمل و نقل و انتقال مین های زمینی ... به عنوان تعهد دولت ها بر اساس سند مذکور اشاره کردند. دکتر عسکری همچنین تعهدات دولت ها به حمایت از قربانیان مین پس از حادثه را مورد توجه قرار دادند.

سپس آقای عثمان مزین، وکیل قربانیان مین، به روند تصویب قوانین و مقررات حاکم بر حمایت از قربانیان مین در سطح داخلی اشاره کرده و بیان داشتند که ماده واحده ای در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است که به رغم اهمیت این ماده شاهد ایرادات اساسی در روند طرح پرونده های قربانیان مین بوده ایم که همین امر منجر به اصلاحات محدودی در ماده واحده سال ۱۳۸۹ گشته است.

در ادامه سخنرانی ها، امیر سرتیپ ابوالحسنی فرمانده تیپ ۲۲۸ سرلشگر ابراهیم ثابت (ارتش سقز)، امنیت کشور در میان آشوب های منطقه خاورمیانه را مورد توجه قرار داد. ایشان همچنین ضمن یادآوری رشادت های رزمندگان جبهه های نبرد علیه رژیم بعث، نکاتی را در خصوص هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان و گروه های پاکسازی بیان داشتند.

آقای دکتر حسین احمدی نیاز، وکیل قربانیان مین، به عنوان سخنران پایانی پنل دوم، نقش وکیل در احقاق حقوق قربانیان مین را مورد بررسی قرار دادند. ایشان ضمن اهمیت حق بر دادرسی عادلانه، به اصلاح ساختار کمیسیون های ماده دو

فرمانداری در راستای تحقق حق مذکور اشاره کردند. ایشان همچنین با دعوت از دو نفر از قربانیان مین و بیان دردها و رنج‌های آنان به عنوان پرونده‌های عینی، ابعاد انسانی مسأله را بیش از پیش برای حاضران تبیین ساختند.

پنل سوم: ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی مین بر قربانیان آن

پنل سوم با عنوان «ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی مین بر قربانیان آن» با مدیریت دکتر حسین محمدزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز سنندج، و سخنرانی دکتر اسعد اردلان و دو تن از قربانیان مین همراه بود.

دکتر اردلان نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مقابله با آسیب‌های ناشی از مین را مورد بررسی قرار دادند. رئیس شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد به فرایند تشکیل و فعالیت‌های کانون مشارکت در پاکسازی مین از سال ۱۳۸۲ اشاره کردند. همچنین ایشان ضمن اشاره به مشکلاتی که این نهاد غیردولتی در آغاز پیش رو داشت، به همراهی نهادهای دولتی با این سازمان غیردولتی در برهه‌ای از زمان اشاره داشتند که این خود نشانگر آن است که برای پاکسازی میادین مین به تعامل میان نهادهای دولتی و غیردولتی نیاز است.

سپس آقای مهدی فردیان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، پیامدهای مین بر آسیب دیدگان بینایی را مطرح کردند.

ایشان مسائل مربوط به ارتباطات اجتماعی و آثار نامطلوبی که برای قربانیان مین به واسطه معلولیت‌های به وجود آمده ایجاد می‌کند را با نگاه به تجربیات عینی مطرح نمودند.

در ادامه آقای سلیمان اویسی، یکی دیگر از قربانیان مین، ضمن بیان تجربه شخصی خود و پیوند آن با مسائل روانی و پیامدهای آن بر قربانیان مین، به خلأ مشاوره‌های پس از حادثه چه از سوی نهادهای دولتی و چه نهادهای مدنی برای حمایت روانی از قربانیان مین اشاره کردند.

در پایان پنل نیز آقای رحمان حکیمی، رئیس اداره بهزیستی شهرستان سقز، در خصوص نقش و عملکرد آن اداره در ارتباط با پیشگیری و آموزش به مردم جهت کاهش آسیب‌های ناشی از مین توضیحاتی را ارائه دادند.

پیش از شروع پنل پایانی، کلیبی از اقدامات مؤسسه ماف در خصوص آگاه‌سازی از مخاطرات مین در استان کردستان پخش شد.

بخش چهارم: آموزش مخاطرات مین

پنل پایانی با مدیریت آقای بهنام صادقی، از فعالان حوزه مین رومی، اجرا شد که ایشان خود نیز به بیان تجربیات و اقدامات صورت گرفته برای پاکسازی میادین مین و همچنین اقدامات هلال احمر و مؤسسه ماف در خصوص آگاه سازی و آموزش مخاطرات مین اشاره نمودند.

پس از ایشان خانم سمیه برسان، مسئول پروژه آگاه سازی از مخاطرات مین، به بیان اقدامات جمعیت هلال احمر در سطح کشور و استان کردستان پرداختند. ایشان یکی از ویژگی های اقدامات صورت گرفته را آموزش نه تنها به زبان محلی بلکه آموزش بر اساس لهجه های متنوع روستاها و شهرهای مختلف استان از طریق آموزش به مربیان بومی دانستند.

سپس آقای جبار طهماسبی، مدیرعامل مؤسسه ماف، به ایراد سخنرانی خود با عنوان «بایسته های برنامه آموزش خطرات مین؛ مشاهدات و راهبردهای برنامه آموزش خطرات مین ماف» پرداختند.

کارشناس ارشد حقوق کیفری در خصوص مشاهدات و راهکارهای لازم برای مقابله با آسیب های ناشی از مین اشعار داشت «آموزش با بسته های تفکیک شده، نصب علائم خطر، بکارگیری آموزشیاران محلی (آموزش مبتنی بر جامعه محلی)، شغل های جایگزین و در جبران و ترمیم قربانیان نیز باید با گسترش طیف حمایتی مورد نیاز قربانی باشد تا بتوانیم حمایت های فوری، حمایت های نهایی و حمایت های افتراقی از کودکان و زنان قربانی را انجام دهیم.»

پس از بحث و بررسی یک روزه مسائل مربوط به مین، دکتر امیر حسین رنجبریان سخن پایانی و جمع بندی از مطالب مطرح شده در همایش را ارائه دادند.

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، عزم همگانی و جدی دولت و نهادهای مدنی و مردم برای پاکسازی، آموزش و آگاهی بخشی و کاهش خطرات مین و نیز حمایت از قربانیان و خسارت دیدگان مین را ضروری اعلام نموده و شهرستان سقز و استان کردستان را دارای ظرفیت های بالقوه خصوصاً از حیث پیشینه تاریخی و فرهنگی دانستند و بر توسعه این برنامه های علمی جهت کمک به رفع مشکلات محلی و معرفی ویژگی ها و ظرفیت های استان کردستان و شهرستان سقز تأکید داشتند.

پس از مراسم اختتامیه با حضور برخی از مسئولان شهر سقز و انجام مراسم تقدیر، همایش در ساعت ۱۸:۰۰ پایان یافت.

از ویژگی های این همایش می توان به محوهای زیر اشاره نمود:

- توزیع بسته های آموزشی و فرهنگی در قالب کتاب و بروشور؛

- مشارکت فعال قربانیان مین، وکلا و استادان دانشگاه های برتر کشور در همایش؛

- حضور مسئولان شهرستان؛
- شرکت سازمان های مردم نهاد؛
- تنوع موضوعات همایش؛
- پیوند مسائل تئوری و تجربی موضوع؛
- برگزاری همایش در یکی از استان های آلوده به مین.

نشست علمی و مراسم اهدای جایزه ماف برای جهانی عاری از مین

نشست علمی و مراسم اهدای جایزه ماف برای جهانی عاری از مین به فعالین حوزه مین به مناسبت روز بین المللی آموزش خطرات مین و مقابله با مشکل مین (۴ آوریل / ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۵) به همت موسسه حقوقی دانش پژوهان ماف و مشارکت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان و همکاری علمی انجمن ایرانی سازمان ملل متحد شعبه غرب، دوشنبه ۱۶ فروردین ماه در پردیس سینما بهمن سنندج از ساعت ۱۶ تا ۲۰ برگزار شد.

گزیده ای از بیانات سخنرانان را در ادامه می توانید مطالعه نمایید.

فرشاد محمدی

رئیس هیات مدیره موسسه ماف

فرشاد محمدی رئیس هیات مدیره موسسه ماف ضمن گرامیداشت روز جهانی آموزش خطرات مین و مقابله با مشکل مین برنامه را با خیرمقدم به مسئولان عالی استان، اساتید و سازمانهای مردم نهاد آغاز کرد. وی از همکاری استانداری کردستان و مشارکت سازمان برنامه ریزی استان کردستان و همکاری علمی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد شعبه غرب کشور قدردانی و تشکر نمود.

محمدی افزود؛ مفتخریم که در ۱۱ سالگی فعالیت ماف با حضور شما بزرگواران جایزه ماف برای جهانی عاری از مین را اهدا می کنیم.

همچنین مفتخریم که کماکان اساس برنامه‌های ماف بر مدار آموزش و حمایت قرارداد و اصول غیرسیاسی بودن، غیردولتی بودن و غیر انتفاعی بودن را حفظ کرده ایم.

علیرضا آشناگر

معاون سیاسی امنیتی استاندار کردستان

معاون سیاسی امنیتی استاندار کردستان گفت: برای پاکسازی میادین مین در پنج استان غربی کشور تاکنون ۹۱ شهید و ۱۱۰ جانباز را تقدیم کرده ایم وی افزود: کردستان یک استان مرزی است و ۲۲۸ کیلومتر مرز مشترک به کشور عراق دارد که این میزان ۱۴ درصد کل مرزهای مشترک ایران با عراق را شامل می‌شود.

آشناگر افزود: مناطق آلوده به مین کردستان تنها محدود به شهرستان‌های مرزی، سروآباد، بانه، و سقز نمی‌شود و مناطقی از شهرستان‌های سنندج، دیواندره و کامیاران نیز به مین آلوده هستند.

معاون سیاسی امنیتی کردستان اظهار داشت: اگر به توزیع آلودگی چهار میلیون و ۲۰۰ هزار هکتاری پنج استان مرزی کشور با عراق توجه کنیم به این امر می‌رسیم که استان کردستان با ۱۵۰ هزار هکتار تنها سه درصد این آلودگی را به خود اختصاص داده است.

آشناگر افزود: از سال ۸۸ تاکنون هزار و ۵۵۸ پایگاه دیگر پاکسازی شده است و این روند با جدیت و تلاش حداکثری همچنان ادامه دارد. وی گفت: هزینه پاکسازی مناطق آلوده در ایران یک دهم میانگین جهانی است و برای هر هکتار حدود ۱۰۰ میلیون ریال اعتبار لازم است.

معاون سیاسی امنیتی استاندار کردستان اعلام کرد: ۵۰۰ هکتار از اراضی آلوده کردستان نیازمند پاکسازی ویژه هستند چرا که مین‌های کار گذاشته شده در عمق خاک قرار گرفته اند. وی همچنین از فقدان نقشه کامل مناطق آلوده به مین به عنوان نیازهای اساسی برای تسریع در روند پاکسازی این مناطق نام برد و افزود: خوشبختانه تدوین این نقشه مراحل پایانی خود را طی می‌کند.

آشناگر در ادامه سخنان خود به جایگاه و نقش ویژه تشکل‌های مردم‌نهاد و موسسات غیردولتی در امر پاکسازی میادین آلوده و آگاهی بخشی به مردم در این مناطق اشاره کرد. وی افزود: مناطق آلوده به مین در استان کردستان مشکلات متعدد زیست محیطی، مشکلات اقتصادی و فقر و بیکاری را به دنبال دارد و امیدواریم با مشارکت همه فعالان فرهنگی و اجتماعی، نخبگان علمی و دانشگاهی، فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد شاهد ارتقای سطح آگاهی مردم و مقابله منسجم‌تر با این مشکل باشیم.

آشناگر خاطرنشان کرد: جهانی عاری از مین آرزوی همه ماست اما متأسفانه با اتفاقاتی که در منطقه در حال وقوع است این آرزو کمی سخت است.



بهرام نصراللهی زاده

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان

مین و حوادث از این قبیل محصول پدیده شومی است به نام جنگ، همه آرزو بکنیم که جهانی بدون جنگ داشته باشیم. جهانی سرشار از صلح و دوستی و زندگی مسالمت آمیز و زندگی انسانی در کنار هم را تجربه بکنیم. به امید روزی که شاهد شعله های جنگ در هیچ نقطه ای از دنیا نباشیم و هیچ انسانی و گروه انسانی را درگیر جنگ نبینیم.

جنگ یک پدیده اجتماعی است و مربوط به زندگی جمعی است. کسانی که در پرتو حوادثی مانند انفجار مین آسیب می بینید، مسئله، مسئله شخصی آنها نیست آنها تاوان یک پدیده اجتماعی را پس می دهند کسانی که آسیب می بینند هم وظیفه دولت و حکومت ها و هم سایر انسانهاست که نه از باب ترحم بلکه از باب مسئولیت اخلاقی و اجتماعی همت بکنند برای کاهش آلام آنها و کمک بکنند به رفع مشکلات آنها از این جهت من فکر می کنم اقدام عزیزانی که در موسسه ماف همت کردند برای انجام این کار انسانی بزرگ واقعا قابل تقدیر و قابل تحسین است به سهم خودم به عنوان یک شهروند

دست‌میریزاد و خسته‌ناباشید عرض می‌کنم خدمت آن عزیزان و دعوت هم می‌کنم به همه انسانهای دیگر و هر کسی که دغدغه انسانیت او را وادار می‌کند به اینکه به یک کودکی فکر کند که در اثر اشتباهات دیگران دستش را از دست داده و یا چشمش را از دست داده، وجدان آنها و بنده و امثال بنده بیدار بشود و کمک بکنیم. لذا من فکر می‌کنم اقدامات از این قبیل اقدامات بسیار انسانی است و تاکید می‌کنم که این مسئولیت اجتماعی و اخلاقی حکومت و همه شهروندان است. دولت ثابت کرده که در خیلی از زمینه‌ها کارگذار خوبی نیست مشارکت آحاد شهروندان و شکل‌گیری موسسات و NGOهای که داوطلبانه وارد این بحث می‌شوند اقدام بزرگی است. لذا دولت و نظام سیاسی نیز باید در این حوزه کمک و تسهیل بکند.

دکتر ستار عزیزی

دانشیار دانشگاه بو علی سینا همدان و دبیرانجمن ایرانی سازمان ملل متحد شعبه غرب

عنوان همایش جهانی عاری از مین است، به همین دلیل بنده راجع به حوزه حقوق بین‌الملل و بصورت مشخص کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضدنفر و نابودی آنها که در سال ۱۹۹۷ منعقد شده صحبت می‌کنم. من سعی خواهم کرد در فرصتی که دارم تاریخچه انعقاد کنوانسیون، تعداد دول عضو و مهم‌ترین تعهدات دولت‌های عضو بر عهده دارم را عرض کنم و مهمترین دولت‌های که دادای سرزمین‌های آلوده به مین هستند و متأسفانه کشور خودمان که جزء این دولت‌ها قرار دارد صحبتی راجع به آنها داشته باشم.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در واقع رسالت اصلی اش کاستن از خشونت جنگ است. این اصل و قاعده طلایی که در سن پترزبورگ بر آن تاکید شد که هدف غایی و نهایی جنگ نابود کردن دشمن نیست بلکه تضعیف دشمن و بر همین اساس نایستی از سلاح‌های استفاده بشود که باعث درد و رنج بیهوده بشود. بر همین اساس می‌شود گفت که مین‌های ضدنفر از جمله ی ادوات جنگی است که مغایرت دارد با آن اصلی که خدمتتان عرض کردم. در واقع باعث درد و رنج ماندگار و بیهوده خواهد شد. از اینرو تلاش جامعه بین‌المللی براین بوده که این سلاح را ممنوع بکند.

حالا که صحبت موسسه ماف است که باید از زحمات آنها به عنوان یک NGO تشکر کرد. بد نیست که بدانیم انعقاد کنوانسیون اتاوا مرهون زحمات NGOهای بین‌المللی است یعنی در اواخر سال ۱۹۹۱ و اوایل ۱۹۹۲ یک کمپین بین‌المللی برای ممنوعیت کاربرد مین‌های ضدنفر راه می‌افتد حدود ۶ NGO بین‌المللی گردهم جمع می‌شوند و فعالیت شان را شروع می‌کنند و در طول نزدیک به ۵ سال فعالیت موفق می‌شوند و بیش از ۱۰۰ کشور حوزه فعالیت شان را گسترش بدهند و این امر موجب می‌شود که دولت را قانع بکنند که در اتاوا در سال ۱۹۹۷ جمع بشوند و این کنوانسیون را تدوین کنند.

دولی که تاکنون عضو این کنوانسیون درآمده اند ۱۶۲ کشور می باشند. متأسفانه هنوز ۳۵ دولت از اعضای سازمان ملل متحد به عضویت کنوانسیون در نیامده اند. کشورهای مثل آمریکا، روسیه، چین، هند، پاکستان، ایران و... عضو این کنوانسیون نیستند. بیشترین مین های خاورمیانه در مصر و ایران قرار دارد که عضو کنوانسیون نیستند اما عراق و کویت عضو کنوانسیون می باشند.

اما ممنوعیت ها و تعهدات کنوانسیون ها مورد نظر چه چیزهای است. کنوانسیون در چهار محور تولید، استفاده، تجارت و ذخیره سازی ممنوعیت های را اعمال می کند. همچنین دولت ها ملزم هستند ذخایر مینی که داشته اند را منهدم، مناطق آلوده به مین را پاکسازی بکنند و به قربانیان مین و یا خانواده های آنها کمک رسانی کنند. در بحث تولید مین دولت های هند، میانمار، پاکستان و کره جنوبی تولید کننده فعال مین در جهان هستند و طبیعتاً این کشورها عضو کنوانسیون نیستند و تعهد قراردادی بر رعایت این کنوانسیون ندارد. در مورد دوم ممنوعیت ها یعنی استفاده از مین، تاکنون گزارشی نرسیده که دولت عضو کنوانسیون بعد از پیوستن به کنوانسیون از مین استفاده کرده باشند. یکی دیگر از تعهدات، تعهد به نابود کردن ذخایر مین دولتهاست. تاکنون نزدیک به ۴۸ میلیون مین ذخایر دولتهای عضو نابود شده است و بر اساس تعهدی که دولت های عضو داشتن که ظرف ۴ سال ذخایر شان را نابود کنند و تاکنون ۱۵۷ دولت اعلام کردن که ذخایر شان را نابود کرده اند.

در حوزه تجارت تقریباً از همان دهه ۱۹۹۰ به نظر می رسد که تجارت دولت - دولت در خرید و فروش مین را نداشتیم. به نظر می رسد که تجارت در بازار سیاه است و مخصوصاً خریداران غیردولتی وجود دارند. در جهان حدود ۵۷ کشور مناطق آلوده دارند که این مناطق آلوده در ۳۳ کشور عضو کنوانسیون هستند و ۲۴ کشور هم عضو کنوانسیون نیستند. تعهد به پاکسازی در ۱۰ سال و سازوکار نظارت مردمی بر اجرای کنوانسیون اتاوا ۱۹۹۷ نمونه بارز موفقیت و تلاش های NGO های بین المللی است که دولت ها را قانع بکنند که از این وضعیت نظامی دست بردارند و به سمت نابود کردن آن سلاح ها بروند.

احمد سعید شیخی

وکیل پایه یک دادگستری

با اشاره به اینکه از دیدگاه حقوقی صرف، کار گذاشتن مین و استفاده از مین جرم است. جرم یعنی تهدید ارزش حمایت شده اجتماعی و انسانی، پس آیا کارگذاری مین جرم نیست؟ یا ارزش انسانی و اجتماعی را تهدید نخواهد کرد؟ همانگونه که در حقوق کیفری نوین جرائم بدون بزه دیده خاص وجود دارد. مثل جرائم علیه محیط زیست، می توان گفت قربانیان مین قربانیان بزه هستند از منظر جنیش بزه دیده شناسی و گرایش های اخیر آن تحت عنوان بزه دیده شناسی حمایتی دولت

ها مکلفند و موظفند از قربانیان مین حمایت بکنند. همانگونه که از بزه دیده گان جرایم خاص، تکلیف به حمایت وجود دارد در واقع در بحث قربانیان جرم نیز دولت ها مکلف به حمایت هستند.

ما در بحث حمایت از بزه دیده سه نوع حمایت کلی داریم.

یکی حمایت خدمت رسانی، اعم از آموزش، حمایت های پزشکی و دیگر حقوق

دوم تامین اجتماعی و رفاه اجتماعی، به عنوان مثال مشمول حقوق جانبازی شدن

سوم جلوگیری از بزه دیدگی ثانوی، که شامل قربانی مین، خانواده وی از لحاظ توانایی ادامه زندگی در تمام عرصه ها

مبانی حقوقی و قانونی این حمایت ها در قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی وجود دارد. و از وظایف دولت، ایجاد امنیت، آرامش و آسایش شهروندان می باشد از اینرو در این حوزه پاکسازی اولین تکلیف دولت هاست.

به نظر بنده قربانی مین بزه دیده است و از منظر بزه دیده شناسی باید به او نگریسته و حمایت بشود.

ایشان عدم حضور قربانی مین را در کمیسیون ماده ۲ یکی از ایرادات اساسی در حمایت از مصدوم دانست. در حالیکه طبق اصول اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه و مطالبه حق، حضور قربانی، مدعی، صاحب حق تکلیف است برای هر مقام رسیدگی کننده برای هر کمیسیون اعم از اداری، شبه اداری، انتظامی و قضایی اما تاکنون این امکان این مهم فراهم نبوده است.

دکتر اسعد اردلان

دکتری حقوق بین الملل و مدیر کمیته حقوق بشر دوستانه موسسه ماف

در صحبت از کنوانسیون اتاوا باید به فلسفه ی این کنوانسیون هم پرداخت. که چرا بعد از ۱۵۰ سال استفاده از مین در دنیا، که از جنگ بین شمال و جنوب آمریکا شروع شد و بعد مین دریایی و مین ضدتانک که وارد عرصه جنگ ها شد مسئله کنوانسیون، مین ضد نفر است. اندیشه امنیت ملی کشورها که برای تمامی دولتها با هرگرایی وجود دارد. امنیت هم ایجاب می کند که دولت به اندازه کافی و در رابطه تناسب با تهدیدی که دارد برای خودش زمینه ای دفاعی را ببیند.

مین ضدنفر هم سالها در همین قالب و فلسفه تولید می شد. اما در دهه ۹۰ این فکر پیش آمد که استفاده از ابزار علیه دشمن حد و حدود دارد و سقف آن بی انتها نیست و نمی توانید از هر ابزاری استفاده کنید.

خصوصا اینکه بعد از جنگ دوم جهانی که رویکرد انسانی به اسرای جنگی، مجروحان جنگی و به افراد غیرنظامی تشدید شد که اینها در صحنه جنگ نیستند و شما حق ندارید که اینها را از بین ببرید. بنابراین یک تفکر جدید پیش آمد به نام

امنیت انسانی در برابر امنیت ملی، یعنی امنیت ملی حتما جزء واجبات دولت هاست البته با مراعات امنیت انسانی و این امنیت انسانی در واقع در حوزه مخصصات مسلحانه و در حوزه سلاح‌های سبک متمرکز می‌شود روی مین‌های ضدنفر زمینی و به همین دلیل دشمن پنهان که همان مین باشد بعد از جنگ چون افراد غیرنظامی را مصدوم می‌کند امنیت انسانی در معرض تهدید قرار می‌دهد.

صدیقه حجت پناه

وکیل قربانیان مین

حجت پناه وکیل قربانیان مین بعد از اشاره به تجربیات خودشان در پیگیری پرونده مصدومان مین در کانون مشارکت در پاکسازی مین، به جایگاه مسولیت مدنی در قانون اشاره کرد.

عدم حضور آسیب دیده در کمیسیون ماده ۲ در هنگامیکه با توجه به آیین دادرسی کیفری جدید که بحث دادرسی عادلانه را مطرح کرده است باید آسیب دیده، وکیل یا قائم مقام و یا خود اصیل در آن کمیسیون حضور پیدا بکند و بعضا کمیسیون مورد نظر در مورد خسارت وارده سهل انگاری می‌کنند و همچنین حمایت‌ها در مواردی به صورت مقطعی پرداخت گردیده است و بعدا قطع شده است.

در این موارد عموما ما به عنوان وکلای پیگیری پرونده قربانیان مین مجبور به اعتراض و شکایت به تصمیمات کمیسیون ماده ۲ در دیوان عدالت اداری می‌شویم. در این بخش ما اعلام آمادگی می‌کنیم جهت پیگیری‌های مرتبط در دیوان عدالت اداری و علاقمندیم دوستان دیگر نیز در این استانها پیگیری‌های مقدماتی را انجام دهند.

ناصر سرگران

قربانی مین و دانشجوی دکتری حقوق بین الملل در دانشگاه تهران

۲۳ سال پیش ۵ نفر کودک در بازی کودکانه در بهار زیبا با تصویر همیشگی و فراموش نشده آن در ذهنم با قلکی برخورد کردیم که قلک خون بود. در این بازی کودکانه و انفجاری در صورتم تازه فهمیدم که بازی با مین بود. ۲ کودک در آن بازی مصدوم شدند. آن روز من ۵ سال و ۳ ماه و ۱۹ روز داشتم. آخرین تصویر من گریه‌های مادرم بود و تلاش برای رساندن به شهر و جمله‌ی که در واکنش به گریه‌های مادرم گفتم، مادرم گریه نکن بر می‌گردم.

اما در بازی نابرابری که با مین داشتم به نظر خودم بازی رو بردم به این دلیل که من و یکی از همسالان خودم به سهم خود یک مین را نابود کردیم که مبادا افرادی دیگر، برادر دیگر، دوست دیگر همسایه من به این آسیب دچار بشود. شاید این برد من بود اما باختی که دادیم که باید از این شکست هم درس گرفت این بود که دنیای کودکی ما زود تمام شود همین

که دنیای کودکی در دو سال اخیر ۱۹ نفر که ۴ نفر جانشان را از دست دادند و ۱۵ نفر مجروح شدند و این به معنای این است که دنیای کودکی را باختند. به امید اینکه تلاش‌های ما در این مسیر باشد که دنیای کودکی کودکان را از آنها نگیریم.

دکتر احمد امانی

روانشناس و استادیار دانشگاه کردستان

خوشحالم که در این بستر علاقه اجتماعی جامعه ما شکوفا تر است یک همبستگی گروهی برای یک کار انسانی فراتر از دولت، ملت اینجا نشستند و امیدوارم این آرزوی دیرینه ما در افزایش و تکثر همدلی بیشتر در مردمی کردن تمامی تعاملات جامعه کمک بکند. در مسیر بعد روانشناختی کار با عزیزی که در تله مین گرفتار شدند و آسیب‌های روانی دیدند مطالبی را عرض می‌کنم.

در قضیه مین ما با دو انفجار روبرو هستیم. یک انفجار همانی است که جسم‌ها در انفجار بیرونی ضربه می‌بینند. اما من به مین‌های درونی که بعد از این انفجار منفجر خواهند شد می‌پردازم. انفجار لحظه به لحظه تا آخر عمر.

مین‌های درون شخصیتی که در یک تله احساس حقارت، در یک تله حقارت عضوی، در یک تله نارضایتمندی در تصویر تن، در یک تله کمبود اعتماد به نفس، در یک فلاش بک ناشی از تروما. انفجار بدون صدا که دیگر کسی را دور هم جمع نمی‌کند. تله عفونت یک خاطره هیجانی، بسیار وحشناکتر از یک تله بمب اتم می‌باشد.

ایشان در نهایت با بررسی یک نمونه قربانی مین به جنبه‌های عوارض روانی عینی بعد از انفجار برای یک قربانی مین پرداختند.

جبار طهماسبی

مدیر عامل موسسه ماف

جبار طهماسبی از همکاری استانداری کردستان و مشارکت سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان و همچنین انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد قدردانی کرد و افزود در کنار نشست علمی با حضور اساتید و فعالان حوزه مین از پنج استان آلوده غربی، امروز در روز جهانی آموزش خطرات مین و مقابله با مشکل مین تندیس ماف و لوح تقدیر به پاس کار پرخطر پاکسازی و از خود گذشتگی در مین رومی مناطق آلوده به سرهنگ اسماعیل سلطان آبادی از نیروهای مرکز مین زدایی کشور تقدیم گردید. همچنین تندیس ماف و لوح تقدیر به پاس سال‌ها آگاهی بخشی و نقش بی‌بدیل در حوزه خبرنگاری و گزارشگری مین در شناخت و مقابله با این معضل و در واقع در بخش مین و رسانه به سرکار خانم نرگس

جوذگی تقدیم شد. تندیس ماف و لوح تقدیر به پاس سال‌ها انتقال پیام ایمنی و آموزش خطرات مین و مهمات منفجرنشده و آگاه‌سازی افراد در معرض خطرات به سرکار خانم سمیه برسان تقدیم گردید.

وی افزود: برگزاری سه دوره کارگاه آموزش تربیت مربی خطرات مین، برنامه آموزش خطرات مین و مهمات منفجر نشده به کودکان و همچنین آموزش عامه مردم ۱۱۰ روستای آلوده استان کردستان و آموزش قریب به ۱۳۰۰۰ نفر از ساکنین مناطق در معرض خطر و همچنین برگزاری گردهمایی علمی راهبردی مقابله با مین و حمایت‌های حقوقی از قربانیان و مصدومان مین از برنامه‌های مرتبط با مین در موسسه ماف می‌باشد.

گزارش نشست علمی «تحول در منابع حقوق بین‌الملل»

تهیه و تنظیم: دکتر عباد روحی

دانشگاه کردستان و انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (شعبه غرب) با همکاری کانون وکلای کردستان، جمعیت هلال احمر استان و دانشگاه علمی کاربردی قوه قضاییه، نشست علمی «تحول در منابع حقوق بین‌الملل» را با سخنرانی دکتر جشمید ممتاز (استاد دانشگاه تهران و عضو رئیس پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد) در روز شنبه مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ در تالار مولوی دانشگاه کردستان و با حضور انبوه دانشجویان، استادان، وکلا و قضات دادگستری این شهرستان و استان کردستان برگزار کردند.

پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید و پخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، دکتر اخلاقیان (رئیس دانشگاه کردستان) جهت خوش آمدگویی به استاد و حضار در جایگاه قرار گرفتند. ایشان از استاد ممتاز بابت حضور در استان و دانشگاه کردستان قدردانی کردند و بر لزوم استفاده از تجربیات استادان برجسته همچون دکتر ممتاز تاکید کردند. سپس دکتر اسعد اردلان (رئیس شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد)، ضمن خوش آمدگویی به استاد ممتاز و تشکر از حضور ایشان در غرب کشور، به تمجید از خدمات بزرگ استاد به نظام حقوق بین‌الملل در عرصه داخلی و جهانی پرداختند و جایگاه مهم استاد در نظام تصمیم‌گیری حقوقی کشور در عرصه حقوق بین‌الملل بویژه در وزارت امور خارجه را خاطر نشان نمودند. دکتر مهدی حاتمی (مدیر گروه حقوق دانشگاه کردستان و عضو هیات مدیره شعبه غرب انجمن) نیز در سخنانی کوتاه به استاد خیر مقدم گفتند و بر نقش بی‌بدیل استاد ممتاز در عرصه نظام حقوق بین‌الملل کشور و جهان تاکید نمودند.

در ادامه جلسه، دکتر ممتاز، استاد برجسته حقوق بین‌الملل ایران و جهان به ایراد سخنرانی علمی خود پرداختند که متن سخنرانی ایشان در ادامه قابل مطالعه است.

در پایان مراسم، نقشی از گلیم تاریخی کردستان از سوی رییس دانشگاه و نهادهای همکار در برگزاری این مراسم (کانون وکلای کردستان، جمعیت هلال احمر استان، دانشگاه علمی کاربردی قوه قضاییه) به استاد ممتاز اهدا شد.

مقدمه:

عنوانی که بنده برای سخنرانی امروز انتخاب کرده ام منابع حقوق بین الملل می باشد لذا با تأکید بر تحول منابع حقوق بین الملل در طول این چند دهه اخیر به بررسی موضوع می پردازم. کوشش می کنم در این قالب و چهارچوب به مسایل مهم روز نیز اشاراتی داشته باشم.

سلسله مراتب حقوق بین الملل یکی از مسائلی است که ذهن بنده را مدتی به خود مشغول کرده و این عنوان درسی نیز بوده است که سال ۲۰۱۴ در آکادمی حقوق بین الملل لاهه آن را ارائه کرده ام.

به دانشجویان حقوق بین الملل آموخته شده است که حقوق بین الملل ناشی از اراده دولتهاست و هیچ تفاوتی به لحاظ ارزشی مابین قواعد حقوق بین الملل وجود ندارد. من معتقد هستم که تحولات حقوق بین الملل دقیقاً این برداشت را مورد تردید قرار می دهد. یعنی به عبارت دیگر بر این باورم که اراده دولت و حاکمیت دولت در سطح بین المللی با وجود اینکه کماکان نقش مهمی را ایفا می کند به تدریج تحولات نشان می دهد که عواملی هم خارج از اراده دولت و حاکمیت در شکل گیری حقوق بین الملل نقش مؤثری را ایفا می کنند. این موضوع سخنرانی بنده نیست ولی افکار عمومی، سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای حقوقی بین المللی همگی به نحوی بر اصل حاکمیت دولتها و نقش حاکمیت در شکل گیری قواعد حقوق بین الملل سایه می افکنند و نهایتاً سلسله مراتب هنجاری را در حقوق بین الملل ایجاد می کنند.

قواعدی هستند که فارغ از اراده اعضای جامعه بین المللی در نهات به دولتها تحیل می شوند و این ویژگی توسعه حقوق بین الملل است و به عبارتی به معنای محدود کردن حاکمیت دولتها بر اساس یکی سلسله ارزشهای حقوقی می باشد. قواعدی که ما آنها را قواعد آمره می نامیم و تعهدات عام الشمول در حقوق بین الملل پدیده جدیدی هستند و تعهدات عام الشمول که ناشی از قواعد آمره هستند در این سلسله مراتب به نظر بنده بر حقوق بین الملل سایه افکننده است. برای کسانی که به حقوق بین الملل به دلیل پررنگ بودن نقش حاکمیت دولتها بدبین هستند می تواند خیلی مؤثر و مفید باشد.

اگر به ماده ۳۸ اساسنامه بین المللی دادگستری نظری افکنده شود که همان ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی است که در آغاز دهه بیست قرن گذشته تهیه شده است، پررنگ بودن حاکمیت به خوبی در آن قابل مشاهده است. تقریباً صد سال از تنظیم این ماده می گذرد ولی کماکان پررنگ است. عده ای بر این عقیده هستند که در حکم وحی منزل در خصوص منابع حقوق بین الملل می باشد و عملاً دانشجویی نیست که در دوره کارشناسی در درس حقوق بین الملل توجهش به آن جلب نشده باشد. جالب اینجاست که در تنظیم کننده گان این ماده هدفشان این بود که چه مجموعه قواعد

و چه حقوقی را به عنوان ابزار محکمه بین المللی قرار دهند تا زمانی که اختلافاتشان به آنجا ارجاع داده می‌شد بر اساس آن حل و فصل شود. به عبارت دیگر این ماده محدودیتی را هم برای قضات در نظر گرفته است.

منابعی که در ماده ۳۸ ذکر شده و معاهدات بین المللی در رأس آنها قرار گرفته، عرف بین المللی و ابزارهای لازم برای شناسایی این عرفها و ابزارهای فرعی نیز یعنی رویه قضایی و نظر علمای حقوق و اصول کلی حقوقی مورد قبول ملتهای متمدن تعریف کرده است. هنوز ماده ۳۸ از دولتهای متمدن اسم می‌برد که سالهای ۱۹۲۰ در ذهن تدوین کنندگان این ماده جریان داشته است. در همین ماده آمده است که اگر دولتها اراده کنند می‌توانند این اختیار را به دیوان بدهند که کدخدامنشانه (ex aequo et bono) اختلافات را حل و فصل بکند. یعنی حل اختلاف خارج از حقوق. کدخدا فارغ از حقوق رأی خود را صادر می‌کرد.

من می‌خواهم در نهایت بدانم که این سلسله قواعد یا ابزارهایی که در ماده ۳۸ آمده است در تحولات حقوق بین الملل احساس می‌شود که کنار گذاشته شده و این موضوع به این معنا نیست که حاکمیت دولتها کم رنگ شده باشد ولی می‌توانم بگویم که کوشش بر این است که با در نظر گرفتن حاکمیت دولتها بتوان جایگاه مهم قواعد آمره را در حقوق بین الملل مشخص کرد که هدف آن اخلاقی کردن حقوق بین الملل می‌باشد و به تدریج در حال پر رنگ تر شدن است. به تدریج دولتها تحت فشار این سلسله قواعد قرار می‌گیرند و در نهایت اراده آنها در شکل دادن حقوق بین الملل تضعیف می‌شود. برای اثبات این فرضیه توجه شما را به دو مبحث جلب می‌کنم. یکی مسأله توسعه تدریجی حقوق بین الملل می‌باشد که جایگاهی برای آن در ماده ۳۸ متصور نیست و دیگری عملکرد بعدی دولتها در نادیده گرفتن تعهدات قراردادی دولتها می‌باشد. بنده بر این باورم که در مورد توسعه تدریجی و تأثیر عملکرد بعدی و در مواردی هم در خنثی کردن برخی از تعهدات قراردادی می‌تواند نهایتاً به عنوان تحول در حقوق بین الملل بر اساس این سلسله مراتب هنجاری حقوق بین الملل روشن و مشخص گردد.

مبحث اول: توسعه تدریجی حقوق بین الملل

کمیسیون حقوق بین الملل در طول سالیان اخیر خروجی نداشته است و همه می‌دانند که کنوانسیون حقوق معاهدات وین و کنوانسیون حقوق دیپلماتیک و کنسولی از دستاوردهای کمیسیون حقوق بین الملل در امر تدوین حقوق بین الملل بوده است. به عبارتی در نقشی که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به کمیسیون در سال ۱۹۴۸ محول شده است نقش تدوین پررنگ بوده است. نهایتاً یعنی اراده دولتها و ضبط اراده دولتها در یک سند حقوقی و در طول سالهای اخیر هم ما شاهد هیچ خروجی از کمیسیون نبوده ایم. آخرین سندی که به نحوی کمیسیون در تنظیم آن نقش داشته است کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد در خصوص مصونیت دولتها می‌باشد که این روزها مرتب حقوق دانان برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران و ضبط آن دو میلیارد دلار به آن استناد می‌کنند.

این کنوانسیون آخرین دستاورد کمیسیون حقوق بین الملل می باشد و البته کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (کمیته حقوقی) نقش بسیار مهمی در تغییر برخی از ترکیبات آن داشته است. چرا کنوانسیون ۲۰۰۴ را خیلی مهم و بزرگ جلوه می دهیم؟ چون در ماده ۲۱ آن آمده است که بانکهای مرکزی از مصونیت برخوردارند و بر این اساس گفته می شود کاری که امریکا انجام داده است در تعارض با ماده ۲۱ می باشد. اما باید نگاه دقیق تری به این کنوانسیون داشته باشیم. اولاً اینکه کنوانسیون هنوز لازم الاجرا نشده است. و دوم اینکه دولتهای بزرگ به آن ملحق نشده اند و قصد الحاق هم ندارند. به عبارتی می توان آن را یک کنوانسیون عقیم دانست. و این تنها کنوانسیون عقیم کمیسیون حقوق بین الملل نمی باشد. در مورد کنوانسیون ۲۰۰۴ امریکا و انگلیس و کانادا هر کدام قانون داخلی خود در مورد مصونیت را دارند. بعد از رأی ۲۰۱۲ آلمان و ایتالیا قانون کانادا تصویب شده و دقیقاً همان مسیر قانون امریکا را دنبال می کند که دولتی که متهم به اعمال تروریستی و کشتار افراد بی گناه باشد نباید از مصونیت برخوردار باشد. حال چرا باید دولتها تا این اندازه به کار و دستاوردهای کمیسیون حقوق بین الملل بی اعتنا باشند؟

کمیسیون حقوق بین الملل طرح هایی را آماده می کند و مجمع عمومی سازمان ملل آن را به کنفرانس های دیپلماتیک می سپارد. در این مرحله دولتهای مقتدر کار کمیسیون را سانسور می کنند. جنبه های پیشرو طرح را حذف می کنند و در مواردی هم که توان تغییر آن را نداشته باشند مانند کنوانسیون ۲۰۰۴ نسبت به آن بی اعتنا می شوند و آن را تصویب نمی کنند و نهایتاً نمی گذارند که آن طرح به حقوق موضوعه تبدیل شود.

این روند در چند دهه اخیر کمیسیون را به این فکر واداشت که تغییر سیاست بدهد. به این ترتیب که کمیسیون طرحها را تهیه می کند و می خواهد که مجمع عمومی برای مهر تأیید توسط دولتها بر طرح کنفرانس دیپلماتیک تشکیل ندهد و کارهای آن به عنوان طرح باقی بماند و منتظر بماند که تا چه استقبالی از آن بشود. به این امید که دولتها ناچار شوند در مواردی که دعاوی با هم دارند و دعوایشان را به دیوان ارجاع داده اند و اغلی اعضای دیوان عضو کمیسیون هم بوده اند نسبت به دستاوردهای دیوان بی اعتنا نباشند و بر اساس آن طرح تهیه شده رأی صادر کنند. به عبارتی اگر به ماده ۳۸ برگردیم این امر چیزی است که در آن جا ابزار فرعی برای شناسایی عرف بوده است به ابزار اصلی تبدیل شده است. بنده می خواهم این را پررنگ کنم که طرح مسئولیت ۲۰۰۱ دولتها و طرح مسئولیت ۲۰۱۱ سازمان های بین المللی باهمت دیوان چه جایگاهی در حقوق بین الملل پیدا کرده است و تأکید بنده هم بر روی مواد ۴۱ و ۴۸ طرح مسئولیت می باشد. این دوماده نمونه بارز توسعه تدریجی است یعنی خواسته اعضای کمیسیون و آن سلسله مراتب هنجاری و اهمیت قواعد آمره حقوق بین الملل و آثاری که بر نقض قواعد آمره مترتب است که اگر این طرح به کنفرانس دیپلماتیک فرستاده می شد مطمئناً مواد ۴۱ و ۴۸ آن حذف می گردید.

ماده ۴۱ بیان می‌دارد که در صورتی که دولتی مرتکب نقض قاعده آمره شود دولتهای دیگر نباید وضعیت ناشی از نقض را شناسایی کنند. به عدم شناسایی اکتفا نکنند بلکه از هر گونه اقدامی که در جهت استحکام و پایداری وضعیت غیر قانونی می‌تواند مؤثر باشد خودداری کنند.

این ماده در نوع خود یک انقلاب است. یعنی دولتی که با نقض قاعده آمره و توسل به زور وضعیتی را ایجاد می‌کند دولتهای دیگر نباید آن را شناسایی کنند و نباید اقدامی در جهت تقویت و تثبیت آن وضعیت انجام دهند.

ماده ۴۸ بیان می‌دارد که اگر دولت یک قاعده آمره را نقض کرد به همه دولتهای عضو جامعه بین‌المللی لطمه می‌زند. یعنی اگر دولتی مرتکب نسل‌کشی شد فقط قربانیان مستقیم آن متضرر نیستند و کل جامعه بین‌المللی و اختلاق بین‌المللی نقض شده است. یعنی همه ذینفع هستند و لازم نیست که حتماً خسارتی وارد شده باشد. طرح مسئولیت هم این را می‌گوید.

مسئولیت از سه عنصر تشکیل شده است: نقض قاعده آمره و قاعده حقوق بین‌الملل، انتساب این نقض به دولت و عنصر خسارت. در طرح مسئولیت عنصر سوم حذف شده است. کافی است که قاعده حقوق بین‌الملل نقض شود و این نقض منتسب به دولت باشد. کمتر به این تعریف مسئولیت دولت توجه می‌شود. دیوان در مقابل این دو ماده که ابتکار کمپسیون حقوق بین‌الملل بوده است چه کرده است؟ در هر دو مورد نه تنها دیوان بلکه برخی آرای محاکم اروپایی نیز وجود دارد که می‌توان به آنها اشاره کرد.

توسل به زور و ایجاد وضعیتی که نباید مورد شناسایی واقع شود (دکترین استیمسون و عدم شناسایی مانچاکوئو) و اقدامات ایتالیا در حبشه و افریقای جنوبی در افریقای جنوب شرقی (نامیبیا). در مورد نامیبیا سازمان ملل متحد در نهایت توانست افریقای جنوبی را مجبور به ترک افریقای جنوب شرقی بکند. اما در دو مورد قبلی به این صورت نبود و برخی از دولتها شناسایی را انجام دادند. وضعیت اسرائیل و اشغال سرزمین‌های فلسطین از ۱۹۶۷ بدین شکل می‌باشد. اقدامات مراکش در صحرای باختری نیز این گونه است و هیچ توجهی هم به قطعنامه‌های شورای امنیت نمی‌کند. شبه جزیره کریمه نیز از موارد اخیر می‌باشد. به علت وتوی روسیه در شورای امنیت و ناتوانی شورا در روبرو شدن با این وضعیت، مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای از دولتها خواسته است که این وضعیت را شناسایی نکنند. قبرس شمالی هم توسط ترکها اشغال شده است. حال سؤال این است که محاکم بین‌المللی چه کرده‌اند؟

دیوان در نظر مشورتی ۲۰۰۴ در مورد ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل در سرزمینهای فلسطین این عمل را محکوم کرده و از دولتها هم خواسته است که این وضعیت را شناسایی نکنند و از هر گونه اقدامی در جهت تثبیت آن خودداری کنند.

دیوان اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ رأی برتا (برتا یک کارخانه تولید آب گازدار است) در شهرکهای اشغالی دولت اسرائیل قراردادی مشارکتی را با اتحادیه اروپا منعقد می‌کند و یک سری تسهیلات گمرکی برای کالاهای صادراتی توسط دولت

اسرائیل به اتحادیه اروپا قائل می‌شود. و سؤال این است که آیا این تسهیلات اعطایی شامل تولیدات شرکتهای اسرائیلی مستقر در سرزمین‌های اشغالی هم می‌شود یا خیر؟ دیوان اتحادیه اروپا با صراحت اعلام می‌دارد که این توافق شامل آنها نیز می‌شود و اتحادیه نباید نسبت به تولیدات شرکت‌های یهودی در سرزمین اشغالی امنیازی بدهد.

همین دادگاه در دسامبر ۲۰۱۵ در خصوص صحرای باختری نیز حکمی صادر می‌کند که دقیقاً همین وضعیت است. تولیدات صحرای باختری با تسهیلات اتحادیه اروپا به این اتحادیه وارد می‌شوند. دیوان در رأی خود قرارداد اتحادیه اروپا با صحرای باختری را باطل اعلام می‌کند. این قرارداد را به این دلیل که تعریف مشخصی از سرزمین مراکش ندارد باطل اعلام می‌کند و نهایتاً به دلیل عدم وصول این تعریف دولت مراکش از این امکانات برای تحکیم وضعیت خود سوءاستفاده می‌کند این قرارداد را باطل اعلام می‌کند.

قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰۱۴ در خصوص کریمه نیز بر مبنای ماده ۴۱ می‌باشد. ماده ۴۸ نیز چنین مضمونی دارد و آرای مختلفی در ارتباط با آن صادر شده است. رأی ۲۰۱۲ میان سنگال و بلژیک نمونه‌ای از استناد به این ماده می‌باشد. رئیس‌جمهوری حکومت ساقط شده چاد (حسن هابره) به سنگال فرار می‌کند. در زمان حکومت وی شکنجه بخشی از سایت‌های و برنامه‌های دولت وی بوده است. بلژیک از سنگال می‌خواهد که بر اساس کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ وی را استرداد کند. سؤال این است که آیا بلژیک و یا اتباع وی از اقدامات حسن هابره خسارتی دیده بودند؟ دیوان با تأکید بر ماده ۴۸ می‌گوید که وقتی یک قاعده آمره بین‌المللی نقض می‌شود کل جامعه بین‌المللی متضرر می‌گردند. همه ذینفع هستند که مرتکبان را محاکمه و مجازات بکنند.

به دنبال این رأی جزایر مارشال برعلیه نه دولت هسته‌ای (اسرائیل و هند و پاکستان و کره شمالی و پنج عضو دائم شورای امنیت) به علت عدم خلع سلاح هسته و اقدام برای آن شکایت می‌کند. حال باز سؤال این است که آیا از عدم پیوستن اسرائیل به کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خسارتی وارد آمده است؟ ماده ۶ کنوانسیون خلع سلاح هسته‌ای در این زمینه اقدام به هنجارسازی کرده است فار از این که دولتی عضو آن باشد یا خیر. خلع سلاح هسته‌ای یک ارزش اخلاقی است و عدم همکاری دولتها در این امر به همه ارتباط دارد.

در حال حاضر در حقوق بین‌الملل نهادهایی وجود دارند که در طول بیش از یک قرن به تدریج شکل گرفته‌اند آیا این سلسله مراتب در این گونه موارد هم باید تأثیر گذار باشند؟ دیوان در این حوزه کمی با دقت با مسأله نگاه می‌کند و نقش انقلابی‌خدا را تا حدودی تعدیل می‌کند. برای نمونه به رأی ۲۰۱۲ آلمان و ایتالیا در مورد مصونیت می‌توان مراجعه کرد.



مبحث دوم: عملکرد بعدی دولتها در جهت تغییر قواعد قراردادی

عملکرد بعدی دولتها در جهت تغییر قواعد قراردادی حقوق بین الملل و سایه افکندن به حاکمیت و اراده دولتها می تواند در مواردی خوب و مثبت و در موارد هم منفی باشد. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد اعلام می دارد که دفاع مشروع یعنی توسل به زور در مقابل یک حمله مسلحانه ای که رخ داده است یعنی حمله باید رخ بدهد بعداً دفاع را انجام داد. این ماده امروزه کمی تغییر کرده است و اکنون دفاع مشروع پیشدستانه پذیرفته شده است. یعنی اگر دولتی متوجه شود که که تهدید بالقوه ای برای حمله مسلحانه وجود دارد قبل از این که این حمله انجام شود باید به ماده ۵۱ متوسل شود. ولی برخی از دولتها از این مرز فراتر رفته و به آن اکتفا نمی کنند و دفاع مشروع پیشگیرانه را مطرح کرده اند. هر چند دیوان این نوع دفاع را نپذیرفته است.

بر اساس ماده یک مکرر کنوانسیون های چهارگانه ژنو و ماده یک پروتکل دوم آن دولتهایی را در طرف مخاصمه نیستند ولی مشاهده بکنند که یک قاعده مهم حقوق بین الملل نقض می شود مسئول جلوگیری از آن خواهند بود.

در عملکرد بعدی حقوق قراردادی تبدیل به عرف می شود برخلاف انتظاری که وجود داشته است و اینکه عرف تبدیل به حقوق قراردادی می شود. منشور با صراحت می گوید که تصمیمات ش.رای امنیت بر اساس بند ۷ باید با نظر مثبت و موافق اکثریت از جمله ۵ عضو دائم باشد در حالی که امروزه رأی ممتنع هم به عنوان مثبت و عدم مخالفت تلقی می شود.

در مورد کنوانسیون منع شکنجه نیز عملکرد بعدی دولتها تعریف آن را از تعریف مضیق شکنجه جسمی و فیزیکی به تفسیر موسع شکنجه غیر جسمی و روحی نیز افزایش داده است. کمیته نظارتی کنوانسیون منع شکنجه این موضوع را مدنظر داشته است.

ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می گوید که بسیاری از حقوق وجود دارند که تی در شرایط اضطراری هم قابل تلیق نیستند. کمیته حقوق بشر لیست بیشتری از این حقوق را امروزه ارائه کرده است که بر این باور است که قابل تعلق نیستند و برای نمونه شرایط اضطراری نمی تواند مجوزی برای گروگانگیری باشد.

نتیجه گیری:

نقش دولتها در شکل گیری حقوق بین الملل تعدیل شده و کنوانسیون های بین المللی هم در مرحله تدریجی و هم در مرحله عملکرد بعدی کمرنگ شده اند. این امر نهایتاً به نفع چه کسی خواهد بود؟ آیا این به نفع جامعه بین المللی بوده؟ یا دولتهای کوچک و یا دولتهای بزرگ؟ اگر جایگاه کنوانسیون ها و قراردادهای تغییر کرده است باید ابزارهای دیگری برای آن جایگزین نمود. این ابزارها کدامند؟ این ابزارها اغلب در اختیار کشورهای هستند که از لحاظ حقوقی جایگاه بدی دارند. باید دید که به آراء دیوان بین المللی دادگستری و قوانین کشورها و دیگر محاکم متوسل شد. اینجاست که احساس ضعف می کنیم.

محاکم ما چه تأثیری در شناسایی عرفهای بین المللی دارند؟ آیا آرای محاکم ایران این ارزش را دارند که ترننه شده و در ملاً عام مطرح شوند؟ آیا نقشی در توسعه حقوق بین الملل دارند؟

رأی ۱۵ مارس ۲۰۱۶ که توسط دیوان عالی افریقای جنوبی علیه سیاست های این دولت در عدم دستگیری عمر حسن البشیر رئیس جمهوری سودان صادر شد که متهم به نقض قواعد آمره بین المللی و دیگر قواعد بین الملل طبق تحقیقات شورای امنیت و دیوان بین المللی کیفری شده است بدون در نظر گرفتن سیاست های دولت افریقای جنوبی، اهمیت ویژه ای دارد. اعلام داشته است که دولت بایستی وی را دستگیر می کرد نه اینکه زمینه های فرار وی را فراهم می کرد. این در حالی بود که وی برای شرکت در اجلاس سران افریقا به کشور افریقای جنوبی وارد شده بود. شهامت بسیاری می خواهد که یک محکمه علیه سیاست های دولت خود چنین حکمی را صادر کند. اینها همه در جهت توسعه تدریجی حقوق بین الملل است. هم اکنون در کمیسیون حقوق بین الملل مسئولیت کیفری مقامات عالیرتبه کشورها مطرح است. آیا این مصونیت مطلق است که در زمان صدارتشان به هر عمل خلافی دست بزنند. اقداماتی را مرتکب شوند که با حکومتداری اصلاً هیچ ارتباطی ندارد و سپس پشت سپر مصونیت پناه بگیرند.

پیام دیوان عالی افریقای جنوبی هم همین است. قدمی است در جهت توسعه تدریجی حقوق بین الملل و گامی در جهت سلسله مراتب هنجاری قواعد بین الملل. اصل اخلاق و ارزش بین المللی است و نادیده گرفتن اراده دولتها، امید است که حقوق بین الملل در سالهای آینده جنبه های اخلاقی و انسانی آن توسعه پیدا کند.

نشست علمی «جوانان، صلح و امنیت»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری وزارت ورزش و جوانان و دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران نشست تخصصی با عنوان «جوانان، صلح و امنیت» را در هفته جوان در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ در تالار شیخ مرتضی انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار نمود.

این نشست با حضور خانم دکتر ایمانیه، همسر محترم وزیر امور خارجه، استادان و مقامات وزارت ورزش و جوانان همراه بود که از سوی دانشجویان نیز مورد استقبال قرار گرفت. همچنین در این نشست نماهنگی از نظرات دانشجویان درباره صلح به نمایش گذاشته شد. مشارکت کنندگان بر روی پارچه سفید آویخته بر دیوار دلبسته هایی درباره صلح و آرزوهای جهان بدون جنگ قلم زدند.

تفکر اولیه برای برگزاری این نشست، صدور قطعنامه شورای امنیت در دسامبر ۲۰۱۵ با عنوان جوانان، صلح و امنیت بین المللی بود. متن ترجمه فارسی قطعنامه در اختیار مشارکت کنندگان در نشست قرار گرفت.

در ادامه، خلاصه گزارش این نشست را می توانید ملاحظه کنید:

در ابتدا پس از قرائت قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران، دکتر نسرین مصفا، رییس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، پس از خوش آمدگویی، سخنانی به مضمون ذیل ایراد کرد:

برای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد باعث افتخار است که با همکاری وزارت محترم ورزش و جوانان در ایام هفته جوان و در راستای اهداف اساسنامه خود نشست حاضر را برگزار می کند. انجمن، فرصت ها و مناسبت های مختلف ملی بین المللی را مغتنم دانسته و پیرامون تبیین علمی آنها فعالیت ها و برنامه هایی را دنبال کرده است که فعالیت حاضر هم در همین راستاست.

امروزه بیش از پیش برای همگان مشخص است که از زمانی که صلح و امنیت بین المللی را در چارچوب تعداد تانک ها، آرایش سربازان و آرایش نظامی جبهه ها تحلیل می کردند گذشته و امروزه صلح و امنیت بین المللی را نمی توان جز در چارچوب های فکری، مفهومی و عملی نوین تحلیل کرد. مشارکت انجمن در جلسه حاضر

علاوه بر مناسبت ملی، تصویب قطعنامه ۲۲۵۰ است که در سال ۲۰۱۵ در شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شد. قطعنامه تنها بخشی از تلاش‌های گسترده سال‌های اخیر در رسمی کردن مفاهیم و راهکارهای جدید در صلح و امنیت بین‌المللی است. این قطعنامه نقش جوانان و سازمان‌های مرتبط با جوانان را به عنوان یکی از شرکای اصلی تلاش‌های بین‌المللی در مقابله با افراط‌گرایی، تروریسم و تروریسم صلح و امنیت بین‌المللی تبیین می‌کند. این قطعنامه در زمانی تصویب شده است که بیش از ۶۰۰ میلیون جوان در مناطق مخاصمات مسلحانه و با ناآرامی زندگی می‌کنند. در حال حاضر، که به نقش جوانان و راهکارهای مشارکت همه‌جانبه جوانان در امور سیاسی و اجتماعی و جوامع محلی می‌پردازیم، متأسفانه در شرایط خوب جهانی نیستیم. ناامید از سازکارهای اجتماعی محلی در برخی از جوامع تعدادی از جوانان به افراط‌گرایی داعشی روی آورده‌اند، زمانی این قطعنامه به دنبال هویت بخشی به جوانان در سازکارهای بین‌المللی رفته است که بخشی از جمعیت جوان جهان هویت خود را در مقابله با ساخت موجود و در ارکان افراطی می‌یابند و در نگاه گذرا شاید توجه به جوانان و نقش آنان در صلح و امنیت تشریفاتی به نظر آید لیکن با عنایت به آنچه که در جهان امروز می‌گذرد، نظام بین‌المللی در حال گذار است. جوانان را باید به عنوان جمعیتی مهم و کنشگر با ظرفیت در عرصه داخلی و بین‌المللی به حساب آورد. در قطعنامه فوق به لزوم رهبری جوانان در جوامع بویژه در هنگام پاسداری از صلح و یا جلوگیری از مخاصمات تاکید شده است. اعلامیه جوانان، که قبلاً در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده بود، زمینه ساز توجه بیشتر شورای امنیت به عنوان مهمترین رکن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردید. علی‌رغم قطعنامه‌های بین‌المللی که مسبب بسیاری از اقدامات تروریستی، خشن و یا هرج و مرج و نارضایتی را جوانان می‌دانند، شورای امنیت به نقش مثبت و ایجابی جوانان در جهان تصریح دارد. علی‌رغم همه انتقاداتی که به شورای امنیت در خصوص برخوردهای گزینشی و سیاسی وجود دارد لیکن توجه این شورا نسبت به جوانان را باید مهم تلقی و در حقیقت حمایت کرد. در عرصه حقوق بین‌الملل زنان و کودکان از جایگاه ویژه‌ای برای حمایت برخوردار هستند ولی کمتر به جایگاه جوانان و در حقیقت مرحله بین‌کودکی و بزرگسالی توجه شده است. این قطعنامه صراحتاً لزوم توجه به جوانان را در سطح تلفیقی زنان و کودکان تالیف کرده است و در ضمن تاکید بر نقش مثبت آنان، جایگاه آسیب‌پذیرشان را در جهانی که با بیکاری فزاینده، فقر گسترده، انتظارات بی‌پایان و امکانات و منابع محدود مواجه است، تبیین می‌کند. در سطح نهادی، زمینه‌های لازم را برای چارچوب بین‌المللی قابل‌تأملی جهت مشارکت جوانان در صلح و امنیت بین‌المللی فراهم می‌آورد. در سطح عملی عرصه اقدام برای جوانان از سطح محلی به سطح بین‌المللی رسیده و در سطح شناختی و گفتمان به جوانان مشروعیت مضاعف داده شده است. به عنوان مثال همایش حاضر نیز ناشی از همین مشروعیت بخشی به موضوع جوانان و امنیت بیش از پیش آنان است. در این همایش چندین برنامه پیش‌روی ما است. علاوه بر سخنرانی‌های مقامات محترم، پنل علمی با مشارکت اساتید

محترم دکتر قاسم زمانی دبیر کل انجمن و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر علی محمودی مشاور وزیر امور خارجه و استاد دانشکده روابط بین الملل، دکتر فاطمه فاطمه کیهانلو استاد دانشگاه آزاد اسلامی و دکتر پوریا عسگری استاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار خواهد شد که از ابعاد مختلف این قطعنامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. طبیعی است مانند همه فعالیت‌هایی که انجمن در عرصه بین‌المللی و در زمینه سازمان ملل متحد داشته است همواره در جستجوی راه‌هایی برای افزایش آگاهی‌ها و توانمندی‌های جوانان و دانشجویان می‌باشد. امیدوارم که این فعالیت انجمن که حاصل همکاری مشترک است بتواند مطلع امید بخش دیگری برای فعالیت انجمن در زمینه‌های دیگر باشد و جوانان ما هر روز بیشتر بتوانند در فعالیت‌هایی که مبتنی بر مشارکت و توجه به صلح، امنیت به عنوان زمینه ساز و بستر همه فعالیت‌های بشری هستند راه خود را پیدا کنند.



سخنران بعدی مهندس رستمی، معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان بودند.

موضوع این نشست صلح، جوانان و امنیت است. این سه واژه یک نقطه اشتراک مهم دارند که آن نقطه، بحث رو به آینده بودن است. هم صلح، هم امنیت و هم جوان نگاه به آینده دارد. زندگی در گرو هر سه اینهاست و

ادامه حیات در گرو بودن و سر زنده بودن جوانان یک مرز و بوم و جهان است و این بودن و سرزنده بودن بدون صلح و امنیت میسر نیست و آنچه که باعث می شود این سه واژه ارزشمند بهم گره بخورد رو به آینده بودن و حیات بخش بودن این مسئله است. آنچه که باعث جنگ و خشونت می شود آنهایی است که جامعه جوان از آن دوری می کند و برخلاف آنچه که تصور می شود که جوانان گرفتار افراطی گری هستند یا موضوع جمود فکری و تعصبات عقیدتی و فکری را دارند و یا در اندیشه شان تمامیت خواهی دارند، آنچه که سبب همه این موارد می شود در گروهی فراتر از جوانان است. افراطی گری، تمامیت خواهی، تعصب گرایی، راهی در جامعه جوان ندارد چرا که ویژگی جوان نوگرایی، انعطاف پذیری و انعطاف خواهی است. ویژگی جوان پذیرش یکدیگر و اطمینان است. اما دیگرانی که قدرت طلب و افراط گرا هستند جوانان را بهترین ابزار برای توسعه افراط گرایی خود شناسایی می کنند. جوانان در پدید آمدن جنگ و خشونت غیر از ابزار جایگاه دیگری ندارند و آسیب دیدگان اصلی و مظلومان اصلی جنگ و خشونت به حساب می آیند.

اگر بیشترین کاربران شبکه ها و رسانه های اجتماعی جوانان هستند که در کشور ما این میزان بالغ بر ۸۹ درصد است، به این دلیل است که در این شبکه ها امکان تعامل و گفتگوی موثر، نقد کردن و نقد شدن، آزادی بیان، ورود و خروج دلخواه و انتخاب هر گروه فراهم شده است. جوانان آماده تعامل و گفتگو هستند و صلح و امنیت بدون گفتگو و تعامل سازنده و متقابل امکان پذیر نیست. ویژگی دومی که برای صلح و امنیت نیاز داریم توانایی حل مسئله است. علت بروز جنگ و خشونت این است که مسئله ای وجود دارد و توانایی ارائه راه حل برای آن وجود ندارد. جامعه جوان به دلیل ویژگی نوآورانه و خلاقانه ای که دارد توانایی خلق راه حل های متعدد را دارد و به همین دلیل می تواند برای هر موضوع و مسئله ای راهکارهایی ارائه کند که تعامل و گفتگو با طرف مقابل به نتیجه برسد و طرفین مذاکره احساس برد-برد و برنده-برنده بودن را داشته باشند. در نهایت اینکه یک خصلت جهانی در همه جوانان وجود دارد. وفا، صمیمیت، عشق و محبت. که این ویژگی ها به جوانان اجازه نمی دهد که وارد جنگ و خونریزی شوند و تا حد امکان علاقه مندند که این عشق را گسترش دهند و دامنه انسان دوستی را وسیعتر کنند پس اگر قرار است در جوامع کوچک و بزرگ به صلح و امنیت دست یابیم پس ناگزیریم که جوانان را دریابیم و مشارکت حداکثری آنان را به کار گیریم تا دلسوزانه آنچه که در قالب صفا و دوستی می شناسند در قالب طرح و ایده و برنامه ارائه کنند. در وزارت ورزش و جوانان مخصوصا در یک سال گذشته تلاش های بسیاری شده است تا مشارکت جوانان در کشور نهادمند گردد. صدای جوانان از طریق نهادها و کانالهای شناخته شده ای تحت عنوان ان جی اوها شنیده می شود که واسطه جامعه و حاکمیت، جامعه و جهان و حاکمیت و جهان می باشند و آنچه که برای کشور ما مهم است، منافع ملی را تامین می کند، به سایر ملل آسیب نمی رساند و به توسعه صلح و امنیت کمک می کند هدف قرار داده و با آزادی، اختیار و انتخاب آگاهانه به توسعه آنها پردازد. می دانیم همانطور که آسیب دیدگان اصلی جنگ و خشونت جوانان

هستند، بهره‌برداران اصلی صلح و امنیت نیز جوانان هستند. چراکه زمانی که صلح و امنیت می‌آید اشتغال پایدار و به دنبال آن مسکن و امنیت و تحصیلات عالی و امنیت اجتماعی و سایر موضوعات به ارمغان می‌آید و تمامی اینها برای جامعه جوان اولویت دارد.

سخنران بعدی دکتر نبوی، عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و پژوهشگر ارشد پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه بودند.

ایشان در ابتدا ضمن تاکید بر مهم بودن موضوع مورد بحث گفت: «با توجه به سبقه تاریخی و حال خاورمیانه بحث جوانان و صلح اهمیت مضاعفی دارد و با بیان این که باید تصویب قطعنامه ۲۲۵۰ که دارای واژگانی تاریخی و محتوای تاریخ‌ساز است را به فال نیک گرفت گفت: باید برای اجرایی شدن این قطعنامه تدابیری اندیشید. تصویب این قطعنامه به ویژه با توجه به وضعیت گذشته و حال خاورمیانه اهمیتی مضاعف پیدا کرده است.»

وی با بیان این که بر اساس آمار در ۲۳۴۰ هفته در بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ تنها سه هفته غیر جنگی در دنیا وجود داشته است، خاطرنشان کرد: در این مدت ۱۵۰ تا ۱۶۰ منازعه یا جنگ داخلی رخ داده است که ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار کشته به جای گذاشته است.

وی هم‌چنین گفت: در دوره پس از جنگ سرد بیش از ۶۰ درگیری مهم در ۴۸ منطقه جهان رخ داده که در سال ۲۰۰۴ و طی ۶ مورد از آن‌ها در هر یک دست کم هزار نفر کشته شده‌اند.

این کارشناس مسائل خاورمیانه تاکید کرد: این آمار گویای ۳ نکته است. اول این که جنگ مفهومی وسیع و گسترده بوده و صرفاً شامل درگیری مسلحانه میان دو واحد سیاسی نمی‌شود؛ که لزوماً توسط نظامیان و سیاست‌مداران بررسی شود. دوم این که جنگ به بخشی از واقعیت زندگی روزمره به ویژه در خاورمیانه تبدیل شده است و سومین مورد این که تلاش برای اجرایی کردن مفاد این قطعنامه هم ضرورت دارد و هم فوری است تا جوانان به جای آن که سربازان مرگ باشند درباره صلح فعالیت کنند.

وی با طرح این سوال که تمامی آمار و شواهد گویای آن است که تحقق صلح دور از دسترس است و کودکان و جوانان صرفاً قربانیان جنگ شده‌اند، در این رابطه چه باید کرد؟ توضیح داد: «لازم است رویکردی فرهنگی اجتماعی به مساله جنگ داشته باشیم. در پایان باید اضافه کنم چنانچه سازمان ملل متحد و ارکان آن بخواهند مفاد قطعنامه ۲۲۵۰ اجرایی شود نباید صرفاً مجمعی از دولت‌ها بر سیاست‌مداران را مخاطب خود بدانند چرا که

این امر از طریق گفت‌وگو و تعامل با جامعه مدنی و تشکل‌های جوانان هر چند ضعیف و کم‌رمق که باشند انجام می‌شود».

در ۹ دسامبر ۲۰۱۵ (برابر با ۱۸ آذر ۱۳۹۴)، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای با موضوع «جوانان، صلح و امنیت» را تصویب کرد. قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت، برای اولین بار در طول حیات سازمان ملل متحد، به طور کامل بر نقش جوانان بر صلح و امنیت تمرکز کرده است. این قطعنامه نیاز به همراهی زنان و مردان جوان برای برپایی صلح، حل منازعه، خلع سلاح، غلبه بر خشونت و پیشگیری از تروریسم و افراطی‌گری را برجسته می‌کند.

همچنین این قطعنامه، مطالعه و بررسی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر همکاری مثبت جوانان در روند صلح و حل مناقشات را در برمی‌گیرد.

پس از آن خانم فاطمه محمدی، از جوانان فعال در حوزه بین‌المللی غیردولتی مطالب خود را با این سخنان آغاز کردند.

در ابتدا آرزو می‌کنم از طریق توسعه تعاملات بین‌المللی بیش از پیش نقش جوانان ایرانی در برقراری صلح جهانی مورد توجه مجامع و فعالین این حوزه قرار گیرد. جای هیچ تعارف نیست و همه می‌دانیم که ما در منطقه‌ای زندگی میکنیم که هر روزه تعداد زیادی از جوانان قربانی خشونت و تروریسم هستند. آنچه مسلم است این است که متأسفانه این خشونت‌ها در سراسر جهان رو به افزایش است چه در منطقه‌ای مانند خاورمیانه که به دلیل تمرکز جغرافیایی و حساسیت‌های ژئوپولیتیک در قاب رسانه‌ها منعکس می‌شود و چه در نقاطی از جهان که شانس دیده و شنیده شدنشان گاهی به صفر می‌رسد مانند اسرای نگون بختی که در اردوگاه‌های کار اجباری کره شمالی به دنیا می‌آیند و در نهایت خشونت زندگی کرده و در همانجا می‌میرند. اینکه این همه خشونت در جهانی که بشر تمام تلاشش را برای رفاه، آسایش و امنیت بیشتر می‌کند به چه معناست و چرا اینگونه رو به افزایش است خود سوالی است مهم و قابل تامل که پاسخ آن می‌تواند ما را به نشانی درست رهنمون شده و به جای پرداخت به معلول در ریشه‌یابی علت و تلاش برای رفع این علل فرصت طلب موثر باشد. تصویب قطعنامه ۲۲۵۰ در شورای امنیت یک نقطه عطف و دستاورد بزرگ برای کسانی بود که سالها تلاش نمودند تا نقش تاثیرگذار جوانان را در برقراری صلح در چارچوب برنامه ریزی جهانی تبیین کرده و به رسمیت بشناسند. همینجا وظیفه خود می‌دانم به نمایندگی از جوانان کشورم از جوانان اردنی که با تلاش مستمر خود بذری این فکر را بارور نمودند از همه جوانان، دیپلمات‌ها و مسئولینی که برای تصویب این قطعنامه فعالیت کرده‌اند سپاسگذاری نمایم. همانطور که بارها در نشست‌های رسانه‌ای و تخصصی که در این ۵ ماه، پس از تصویب قطعنامه برگزار شد شنیدیم، حضور این قطعنامه تنها مهر تاییدی بر اهمیت موضوع و تاکید بر

ضرورت برنامه ریزی بلند مدت جامعه جهانی برای انجام اقدامات هماهنگ و مستمر با محوریت جوانان برای تامین امنیت و برقراری صلح می باشد و آنچه این رخداد را به بلوغ می رساند شامل مراحل است که با همت جمعی بزرگتری از جوانان فعال در کشورهای مختلف می بایست انجام شود.

قبل از شروع میزگرد نمانگی با موضوع نظرات دانشجویان درباره صلح به نمایش درآمد.

دکتر سید قاسم زمانی، ریاست جلسه و وظیفه هدایت میزگرد را به عهده داشتند

دکتر زمانی: سلام عرض میکنم خدمت سروران گرانقدر و اعیاد شعبانیه را خدمت همه بزرگواران تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

بسیار سپاسگزارم از برگزارکنندگان این نشست علمی که با انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد همکاری کردند و امیدوارم بیش از پیش شاهد برگزاری چنین نشست های علمی ای باشیم؛ و بتوانیم از آنها بهره کافی ببریم. جوانان، صلح و امنیت، مثلی که حرف‌های بسیاری در قالب آن قابل طرح خواهد بود.

از جناب دکتر محمودی استدعا دارم ابتدا فرمایشاتشان را ارائه بفرمایند و بعد در خدمت سایر اساتید خواهیم بود.

دکتر محمودی:

ابتدا مراتب تشکر خودم را از برگزارکنندگان این نشست با اهمیت ابراز می‌کنم به ویژه از سرکار خانم دکتر مصفا که در چند دهه گذشته نام ایشان با صلح و همکاری و تعامل در سطوح ملی و بین‌المللی همراه شده است.

موضوع سخن من مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری است.

صباحتهای بنده پیرامون ارائه نگاه روش شناسانه پیرامون برخی از بندهای قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت که در ۹ دسامبر سال ۲۰۱۵ تصویب شده است، می‌باشد.

بنابر این ابتدا به فرازهایی از قطعنامه اشاره میکنم و سپس در ارتباط با این فرازها با نگاه روش شناسانه که جنبه‌های مفهومی، کاربردی و ساختاری دارد به نحوه اجرای بندها می‌پردازم.

وقتی از مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری صحبت می‌کنیم، مشارکت به معنای شراکت، شریک شدن، همراهی و تا حدی سهم بری مستخرج از مساهمت است. ما وقتی در امری شرکت می‌کنیم در واقع سهمی به عهده داریم و مساهمت در واقع ترجمانی است از مفهوم مشارکت.

تصمیم‌گیری به ذات امر سیاسی است که حداقل بین دو نفر با گفت و گو، مشورت و تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد.

و مراد از جوانان همان طور که در قطعنامه هم اشاره شده سنین بین ۱۸ تا ۲۹ سال است که امروزه این فاصله سنی بزرگترین آمار جمعیت در جهان را تشکیل می‌دهد. که متأسفانه تحت تأثیر درگیری‌های نظامی و ناامنی قرار گرفته‌اند.

اولین فراز این قطعنامه، نقطه عطفی است که این قطعنامه در نگاه متکثر به امر سیاسی که به موضوع نقش جوانان در مشارکت و مشاورت پرداخته است و همانطور که در قطعنامه هم به آن اشاره شده طبیعتاً بخش‌هایی را دولت‌ها و بخش‌هایی هم سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی برعهده دارند. فراز اول فراگیر شدن امر تصمیم‌گیری جوانان در همه ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توان هم ملی، هم منطقه‌ای و هم بین‌المللی بود؟ و در این عرصه‌ها چگونه می‌توان فعال بود؟

دومین فراز زیان به حاشیه راندن جوانان است؛ جوانان باید بتوانند در زمینه‌های مختلف برای نیل به صلح پایدار از توانایی‌ها و ابتکارات خودشان استفاده کنند.

سومین فراز بهره‌گیری از مشاورت جوانان است. این قطعنامه روی موضوع مشورت برای مأموریت‌های سازمان ملل تأکید کرده است.

چهارم تأکید بر حفظ و رعایت حقوق بشر از جمله در خصوص جوانان است که دولت‌ها باید در اجرای آن اهتمام بورزند.

پنجم حمایت دولت‌ها از تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های صلح‌طلبانه جوانان است. که مشروعیت و لزوم آن را بررسی خواهیم کرد.

ششم مسأله آموزش و پرورش است اینکه چگونه مطالعات صلح بین جوانان گسترش پیدا کند و در جهت مبارزه با خشونت طلبی، افراط‌گرایی و تروریسم نقش مهمی را ایفا بکند. در این قسمت روی طبق‌های (۱۲ و ۱۳) آموزش که فرهنگ صلح، مدارا و گفتگو بین فرهنگ‌ها و مذاهب است تکیه شده است. که خوشبختانه افتخاری است برای کشور ما که در سال ۲۰۰۱ قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان سال ۲۰۰۱ سال ملل متحد برای گفت و گوی تمدن‌ها پیشنهاد شد و با اجماع تمام کشورهای عضو به تصویب آن مجمع رسید. از زمان تاسیس سازمان ملل متحد این اولین قطعنامه‌ای بود که به پیشنهاد ایران به

تصویب رسید و در واقع ایران پرچم گفت و گوی تمدن‌ها را بالا برده است. و پیشنهاد به موقعی در مقابل نظریه چالش و جنگ تمدن‌ها در شرایط بحرانی بین‌المللی آن روز بود.

هفتم و آخرین محور تشویق گروه‌های اجتماعی و کنشگران غیردولتی جهت مبارزه با خشونت و افراطی‌گری و توانمند ساختن خانواده‌ها و جوانان و استفاده از آموزه‌های ادیان و راهبران آموزش و پرورش و نهادهای مدنی در این مسیر است.

صدور این قطعنامه‌ها تفننی نیست بلکه اقدامی جدی است که نیازهای کشورهای را در نظر می‌گیرد و عصاره و جوهر تفکر، تأمل، درک نیازها و برآوردن خواست‌ها و رفع مشکلات جامعه جهانی است بنابراین امر لوکس و بی‌فایده‌ای قلمداد نمی‌شود به همین جهت کشورهای که در مسیر توسعه گام برمی‌دارند وقتی این قطعنامه‌ها صادر می‌شود و در صورت‌بندی و ایجاد آن دخیل هستند آن را به کشور خود برده و پس از بررسی در کمیته‌های مختلف آن را به اجرا در می‌آورند. در مجمع عمومی کشورها سالیانه در مورد اجرای قطعنامه‌ها گزارش ارائه می‌دهند و اینکه چقدر توانستند از فرهنگ و دانش ملل متحد جهت کمک به اجرای آنها کمک بگیرند.

بنده امیدوارم حضور جوانان در همایش‌هایی از این دست افزایش پیدا کند تا با هم در زمینه اجرا و عملیاتی کردن مفاد قطعنامه‌هایی که مربوط به سازمانی است ما جزو اولین اعضای آن هستیم گام برداریم.

در بخش بعدی از مطالب به اختصار با نگاه روش‌شناسانه به موضوع اجرای قطعنامه می‌پردازم.

اولین مطلبی که در موضوع تصمیم‌گیری جوانان با بهره‌گیری از ادبیات بین‌المللی و از جمله این قطعنامه می‌شود از آن استفاده کرد تفکیک بین واقعیت‌ها و آرمان‌ها است که دیسیپلین کار جمعی را برای جوانان مشخص می‌کند. تردیدی وجود ندارد که ما هم با واقعیت‌ها زندگی می‌کنیم هم در پی تحقق آرمان‌ها هستیم و هردوی آنها لازم است. مسأله اینجاست که به هنگام تصمیم‌گیری تفکیک بین قلمرو داده‌ها، واقعیت‌ها و امور عینی و محاسبه‌پذیر و اموری که جنبه‌ی آرمانی دارند. اختلاط و التقاط بین واقعیت‌ها و آرمان‌ها ایجاد تشتت و تناقضات ذهنی می‌کند و به‌آنارشی و سردرگمی سوق می‌دهد. این چیزی از ارزش آرمان‌ها کم نمی‌کند، آرمان‌ها باید فراسوی ما باشند اما در عمل براساس واقعیت‌ها، امکانات برای تصمیم‌سازی گام برداریم.

بنابراین رابطه‌ی واقعیت‌ها و آرمان‌ها دو دایره مماس است نه دو دایره متقاطع، آمیختن این دو باهم اشتباه است. جنس تصمیم‌گیری جنس واقعیت و اندازه‌گیری است پس نمی‌توان گزاره‌های آرمانی و مابعدالطبیعی را وارد قلمرو پدیدار که قابل درک، فهم و شناخت است کرد.

محور دوم در نگاه روش شناسانه استقلال است ما باید استقلال افراد تصمیم گیر جوان و نهادهای مدنی آنها را بپذیریم و این نهادها با کمک های داوطلبانه بتوانند به ادامه فعالیت پردازند.

گرفتن یارانه از دولت ها بنابر قانون مشکلی ندارد ولی هیچ الزامی نباید برای اشخاص، گروه ها، سازمان غیردولتی و نهادهای مدنی به وجود بیاورد. پس این استقلال عمل بسیار مهم است تا نهادهای مدنی در عرصه عمومی آزادانه البته با تعامل با دولت ها به فعالیت پردازند.

محور سوم داشتن دید ملی، منطقه ای و جهانی برای تعاملات ملی، منطقه ای و بین المللی است. یعنی اگر ما در امور ملی دید ملی را در نظر بگیریم شهروند ملی هستیم، اگر در سطح منطقه فعالیت می کنیم مثل آسیا باید دارای هویتی باشیم بع نام هویت منطقه ای و سرانجام در فعالیت در سطح بین المللی به امکانات و نگاه بین المللی نیاز دارد و تا به مرحله شهروند جهانی نرسیم نمی توانیم در سطح جهانی کنشگر باشیم. آمار جدید بسیار امیدبخش است ۱۲۰۰ "ان جی او" جوانان که معاونت وزیر ورزش بیان کردند تا پایان امسال به ۲۰۰۰ "ان جی او" میرسیم. این آمارها به شرطی امیدبخش است که اعضای نهادها قواعد، مهارت، دانش ها و توانایی های نهادهای مدنی و تربیت اولیه را دارا باشند. بنابراین ۲۰ "ان جی او" بجای ۲۰۰۰ تا در حالیکه تعریف شده و فعال باشند طبیعتا اثرگذاری بیشتر است. ما نباید به دنبال کمیت گرایی باشیم بلکه دانش، آگاهی، پیگیری تحولات منطقه ای، بین المللی و تسلط به زبان خارجی در رأس آنها انگلیسی، مهارت در حضور اجلاس های بین المللی، مدیریت زمان، استفاده از امکانات، فعالیت روشمند و تشکیلاتی، آماده شدن برای پذیرفتن مسئولیت ها در سطوح استانی، منطقه و ملی بسیار حائز اهمیت است.

نهادهای مدنی امکان تبادل نظر را بین جوانان فراهم می کنند. تصمیم گیری در نهادهای مدنی در عرصه عمومی می تواند موثر باشد یکی از مشکلات مناطق آسیایی از جمله ایران دوشواری در فعالیت جمعی است. نهادهای مدنی این امکان را فراهم می کند که آزادانه و با استقلال این نهادها فعالیت کنند و فعالیت جمعی را بپذیرند، مسأله مهم اینست که ما در پی نمایش "ان جی او" و سیویل سوسایتی نباشیم. مسئولین دولتی باید توجه کنند که به دنبال آمار بالا و نمایش نباشند بلکه سعی کنند کار را با حساب و کتاب و دانش و روش بیاموزند و طبیعتا سرمایه بسیار عظیم جوانان ما ازین طریق می تواند از قوه به فعل برسد.

پس از دکتر محمودی، دکتر پوریا عسکری سخنان خود را آغاز کردند.

بنده ابتدا در صدد صحبت راجع به راهکارهای ملی قطعنامه بودم اما در خلال جلسه بهتر دیدم ابتدا به ذکر نکاتی راجع به قطعنامه پردازم و بعد راهکارهای ملی را ارائه دهم. قبل از هرچیز یک نکته را در نظر بگیرید تا بتوانید به تحلیل قطعنامه پردازید و آن هم اینکه با چه نوع سندی در عرصه بین المللی مواجه هستیم. همه

می‌دانیم که شورای امنیت مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است بنابراین ورود شورا به یک مسأله یک پیام مستتر به‌همراه دارد و آن اینکه آن موضوع با صلح و امنیت بین‌المللی ارتباط دارد یا به عبارت دیگر نپرداختن شورای امنیت به آن موضوع میتواند به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی را به همراه داشته باشد. پس ورود شورای امنیت به مسأله جوانان نشان از دغدغه‌ی آن نسبت به صلح و امنیت دارد. معمولاً شورای امنیت در مورد وضعیت‌ها وارد عمل می‌شود یعنی مواردی که در آنها نقض صلح، تهدید آن و احیاناً جنایت و تجاوز رخ داده است و این عادت جدید شورای امنیت در حدود ۱۵-۲۰ سال اخیر است که در کنار پرداختن به وضعیت‌ها اقدام به صدور نوع دیگری از قطعنامه‌ها با عنوان قطعنامه‌های موضوعی کرده است. قبل از جوانان حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، زنان صلح و امنیت بین‌المللی، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه و تروریسم چهاردهم دسته‌ای بودند که در زمره قطعنامه‌های موضوعی شورای امنیت قرار داشتند، در همه‌ی قطعنامه‌های شورای امنیت صرفاً همین چهار گروه بحث خاص موضوعی دارند بقیه‌ی آنها بحث یک مورد یا شرایط خاص است که شورای امنیت به آن پرداخته است که معمولاً شامل بحث ناآرامی‌ها و مخاصمات در کشورهای مختلف جهان است. به‌رحال این مسأله پیش می‌آید که چه اتفاقی رخ داده که جوانان دغدغه و موضوعی برای شورای امنیت شده‌اند که این شورا باید به آن ورود بکند؟ اصولاً شورای امنیت در ادبیاتی که در قطعنامه‌ها بکار می‌برد معمولاً نسبت به موضوعاتی که می‌خواهد ادامه دهد در آخرین بند روی این مسأله تأکید می‌شود که شورای امنیت نسبت به مسأله‌ی مطروحه به بررسی‌هایش ادامه خواهد داد، در آخر قطعنامه به سایر قدم‌هایی که باید برداشته شود اشاره شده است بنابراین شورای امنیت بیان می‌کند که قرار است به یک موضوع تماتیک بسیار مهم به صورت اکتیو و مستدام پردازد. پس موضوع از نظر شورای امنیت بسیار مهم است.

در متن قطعنامه با توجه دادن به این نکته که ممکن است در فرهنگ‌های مختلف تعریف از جوان متفاوت باشد اما تکلیف قطعنامه با واژه و مفهوم جوان روشن شده است (۱۸-۲۹ سال).

بنابراین در قطعنامه آنجا که از جوانان صحبت می‌کنیم علی‌الظاهر زیر ۱۸ و بالا ۲۹ سال را در نظر نمی‌گیریم که البته من شخصاً دلیل چنین تقسیم‌بندی‌ای را متوجه نمی‌شوم، البته استانداردهای جهانی در این تعریف وجود دارد ولی بنظر می‌رسد قطعنامه یک فرد ۱۷ یا ۳۰ ساله را الزاماً از شمول خودش خارج نمی‌کند. پس مایلیم تأکید کنم علیرغم سن مورد تأکید قطعنامه شاید درست‌تر این باشد که مفهوم ضمنی از جوان را چه در خصوص مینیمم و چه ماکسیمم در مورد هنجارهای مورد استناد در قطعنامه مورد توجه قرار بدهیم تا تفکری مطابق با نوشته قطعنامه در مورد سنین ذکر شده داشته باشیم.

در مجموع قطعنامه دو نکته‌ی بسیار مهم دارد که به ما می‌گوید علت ورود شورای امنیت بعنوان متولی صلح و امنیت از متن آن قابل برداشت است. نکته اول میزان و درصد بالای آسیب‌پذیری جوانان از جنگ است که متأسفانه جوانان بسیاری از منطقه‌ی ما درگیر آن هستند. بنابراین جوانان اعم از زن و مرد بیشترین آسیب‌پذیری را نسبت به جنگ دارند و درین قسمت شاید بتوانیم آمار سنی ۱۸-۲۹ را بعنوان معیار عینی وارد کنیم. پس این نکته یک دلیل ورود شورای امنیت است که در عین حال در مفهوم آسیب‌پذیری شورای امنیت به یک نکته‌ی جالب هم اشاره می‌کند و آن این است که آسیب‌پذیری صرفاً به معنای قربانی جنگ بودن نیست بلکه می‌تواند اشتباه در تشخیص مسیر درست هم باشد و پیوستن به گروه‌ها و تفکراتی باشد که زندگی جوان را تباه می‌سازد. این نگاه ورود شورای امنیت را کاملاً توجیه می‌کند.

اما برای اینکه این قطعنامه ناامید کننده نباشد شورای امنیت در متن به یک نکته مهم دیگر اشاره می‌کند و آن اینکه پرداختن به این معزل که آسیب‌پذیرترین اقشار جوانان هستند توسط خود جوانان امکان‌پذیر است؛ یعنی به عبارتی ظرفیت‌سازی برای قشر جوان این فرصت را فراهم می‌کند که ما با آسیب‌های اجتماعی که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ظاهر می‌شود برخورد کنیم.

قبل از اینکه وارد بحث راهکارهای عملی و اجرایی آن بشویم قطعنامه ۲۲۵۰ یک نکته پایانی بسیار با اهمیت هم دارد و آن توجه دادن به فناوری‌های نوین است. اشاره می‌کند که امروز دنیا تغییر کرده است بنابراین تفکرات درست و نادرست خیلی راحت از طریق فضای مجازی در اختیار همگان قرار می‌گیرد. در همین قطعنامه به شدت روی این موضوع تأکید می‌شود که در خصوص بحث مقابله با تفکرات تند و افراطی باید در خصوص اینترنت چاره‌اندیشی کرد البته با ملاحظه آنچه که در حقوق بین‌الملل بعنوان خط قرمز در حوزه آزادی بیان محسوب می‌شود و این نکته بسیار نکته‌ی درستی است.

در وزارت ارتباطات اشاره کردند که تا پایان سال علی‌الظاهر کلیه روستاها علاوه بر شهرها در شبکه موبایل به اینترنت پر سرعت متصل می‌شوند و این یعنی همه‌ی اقشار جامعه‌ی ما مانند جوامع دیگر مثل جامعه افغانستان، بنگلادش، پاکستان به راحتی می‌توانند توسط گروه‌هایی از قبیل داعش، بوکوحرام، القاعده و... تغذیه شوند و این بسیار می‌تواند خطرناک باشد که مورد توجه قطعنامه ۲۲۵۰ قرار گرفته است.

اما شورای امنیت پنج محور را در قطعنامه بعنوان راه‌های اجرایی مورد توجه قرار می‌دهد که من این محورها را با آنچه که بنظر من در داخل می‌توانیم انجام دهیم ذکر می‌کنم:

اولین محور **participation** است که به مفهوم مشارکت دادن جوانان در روند مبارزه با خشونت و برقراری صلح در قطعنامه در نظر گرفته می‌شود. نگاه قطعنامه نگاهی متمرکز بر کشورهای درگیر ناآرامی‌های

داخلی اعم از مخاصمه مسلحانه یا شورش و خشونت‌ی که به آستانه مخاصمه نزدیک شده باشد. بنابراین شاید اگر این مفهوم توضیحی را در قطعنامه مدنظر قرار دهیم، فکر بکنیم آنچه که بعنوان مشارکت اشاره می شود در جوامعی مثل جامعه ما مصداق ندارد.

یکی از مهمترین دغدغه هایی که در جامعه ما وجود دارد این است که برای اینکه جامعه بتواند حضور جوانان را داشته باشد باید بسترسازی شود و این بسترسازی در دو بعد باید انجام گیرد. یک بعد فرهنگی است که ما پذیرای نظرات جوانان به معنای واقعی کلمه باشیم و دیگری در بعد عملی . در هر دو بعد ما تنها قطعنامه ۲۲۵۰ را بلکه طبق آنچه در سند چشم انداز سال ۱۴۰۴ هم آمده است مدنظر قرار بدهیم.

اقدامات بسیاری هست که وزارت محترم ورزش و جوانان که از متولیان این برنامه هم هستند باید در دستور کار خودشان قرار دهند که مفهوم واقعی مشارکت جوانان که اکنون مورد تأکید شورای امنیت هم قرار گرفته را جامعه عمل ببوشانند.

راهکار دوم پیشنهادی قطعنامه **protection** یا حمایت از جوانان است

حمایت از جوانان در خصوص موارد نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. باز هم مصداق آن شاید بیشتر در شرایط ناآرام سیاسی و مخاصمه باشد. اما واقعیت این است که این قسمت بسیار به ما مربوط می شود از این حیث که متاسفانه ما برای اینکه بخواهیم با نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در محاکم داخلی مقابله بکنیم با مانع عدم وجود قانون ملی مواجهیم. درست است که ما به کنوانسیون های چهارگانه ژنو و به میثاقین ۱۹۶۶ پیوستیم اما قانون ملی درمورد جرم انگاری این موارد را تصویب نکرده ایم. بنابراین در عرصه حمایت نیاز است در کنار وزارت ورزش و جوانان سایر دستگاه ها از جمله قوه قضائیه، ستاد حقوق بشر و مجلس شورای اسلامی فعال باشند. اگر جرم انگاری نشود آنچه که بعنوان بی کیفمانی در متن قطعنامه مورد توجه قرار گرفته محقق خواهد شد، به عبارت دیگر زمانی که نیاز به محاکمه وجود دارد مجازات و محاکمه توسط محاکم ما قابل انجام نیست.

محور سوم محوری بسیار اساسی است تحت عنوان **prevention** به معنای جلوگیری و بازدارندگی است.

در قطعنامه بر آموزش بعنوان مهمترین محوری که میتواند در دستور کار قرار بگیرد تأکید شده است به این دلیل که میزان آسیب پذیری جوانان در همان مفهوم دوگانه که عرض کردم را می تواند به حداقل برساند. واقعیت این است که ما در عرصه دانشگاهی آنچه که بعنوان آموزش مدنظر داریم مثل آموزش مطالعات صلح، آموزش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مفهوم بردباری کارنامه قابل قبولی داریم. در عرصه ی مدارس (اینجا

از تعریف ۱۸ سال عبور می‌کنم) متأسفانه آموزش‌ها به اندازه کافی نیست. می‌توانم مثالی بزنم از برنامه‌ای تحت عنوان کاوش حقوق بشردوستانه که تحت عنوان IHL در دنیا شهرت داشت و چند سالی هم در کشور ما در برخی از مدارس نمونه در تهران و شهرستان‌ها اجرا شد برای آموزش مربیانی که بتوانند حقوق بشردوستانه را به زبانی ساده به دانش‌آموزان منتقل بکنند. پروژه‌ای که توسط نهاد متولی بین‌المللی، کمیته صلیب سرخ به دلیل مسائل بودجه‌ای متوقف شده است. و تعجب اینجاست که در عرصه ملی هم همزمان این پروژه متوقف شده است. در حالیکه در ارزیابی‌هایی که وزارت آموزش و پرورش از برنامه‌ها داشت قرار بر ورود مفاهیم در کتب درسی بود که این اتفاق نیفتاد. بنابراین از نظر بنده ادامه برنامه با حقوق بشردوستانه، به عبارتی وارد کردن مفاهیم کلیدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و صلح دوستی در کتاب‌های درسی به ویژه کتاب‌های درسی دوره دبیرستان باید از اولویت‌های بسیار مهم نهادهای متولی اجرایی کشور باشد که متأسفانه تا اینجا جای آنها به شدت خالی است.

در قضیه بازدارندگی باید به جامعه مدنی توجه بیشتری کنیم آقای دکتر محمودی اشاره خوبی از حیث تفاوت بین اعداد و کارایی داشتند من فکر می‌کنم نهادهای جامعه مدنی ما صرفاً به دلیل آمار دادن تعدادشان زیاد شود اما از لحاظ کیفی شاهد هیچ‌گونه تغییری نباشیم این نهادها چندان مثمر ثمر نیستند. بحث من بطور خاص راجع به سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد است که ما شاهد حضور و تأثیر آنها در جامعه بوده‌ایم در حالیکه نیاز به آموزش و تقویت دارند. اگر ما به دنبال احقاق آنچه در قطعنامه ۲۲۵۰ است می‌باشیم مشارکت جامعه مدنی و بطور خاص سمن‌ها باید حتماً در دستور کارمان قرار گیرد.

محور چهارم از راهکارهای مورد توجه قطعنامه بحث partnership است

که بنده؟ آن را بعنوان "همکاری" ترجمه کردم. در مفهوم همکاری اشاره شده که آنچه که در خصوص قطعنامه ۲۲۵۰ باید اتفاق بیفتد با بسیج عمومی رخ خواهد داد به این معنی که همه ارکان سازمان ملل متحد، همه آژانس‌های تخصصی این سازمان، همه دولت‌ها و همه بازیگران جامعه مدنی موظفند در راستای قطعنامه ۲۲۵۰ عمل بکنند و این نکته بصورت تلویحی در صحبت‌های آقای دکتر محمودی مورد توجه قرار گرفت که ما با یک سند خاص مواجه هستیم. و ازین به بعد باید راجع به موضوعات مطروحه در قطعنامه به شورای امنیت گزارش دهی شود و شورای امنیت راجع به آنچه که اتفاق افتاده از طریق نهادهایی مانند کارگزاری‌های تخصصی مانند یونیسف و غیره باید اظهار نظر بکند.

در قالب داخلی یا آنچه ما باید در عرصه ملی بعنوان همکاری به آن توجه کنیم جدا کردن خودمان از عادت رایجی است که متأسفانه ما در عرصه کار اجرایی داریم و آن هم توجه بیش از حد به موضوعاتی است که مد روز است. همه نهادها شروع به انجام یک کار موازی می‌کنند و مدتی تبلیغات روی آن موضوع و همه با هم

آن را کنار می‌گذارند و گزارش‌های همه آنها نیز شبیه به هم است. ما نیاز به برنامه ریزی داریم، اگر به دنبال مشارکت یا همکاری هستیم باید اقدامات مورد نیاز وزارت علوم، وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش و پرورش، قوانین مورد نیاز برای تصویب و برآورد هزینه‌های مالی مشخص شود. موضوع جوانان نباید تبدیل به موضوعی برای خوشایند مجامع شود. متأسفانه ما در خصوص برخی از قطعنامه‌ها موضوعی سازمان ملل متحد شاهد عدم اقدام جدی برای اجرای آنها هستیم. زیرا که فعالیت محدود به موازی کاری و اقداماتی که ثمره عملی ندارند می‌شود. اینجا هم راهکار وارد کردن سازمان‌های جامعه مدنی است مانند اقداماتی که انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد بعنوان یک بازیگر دلسوز و مثمر ثمر انجام می‌دهد. اگر به دنبال نتیجه هستیم ما نیاز به ورود این بازیگران در عرصه برنامه ریز داریم.

و آخرین نکته‌ای که در راهکارهای عملی قید شده توجه به بازگرداندن آن دسته از جوانانی است که به هر دلیلی از جامعه طرد شده‌اند.

نگاه قطعنامه‌ی ۲۲۵۰، نگاهی است که بیشتر به جوامع تحت تاثیر مخاصمات و ناآرامی‌هاست و بنابراین آنچه که در قطعنامه مورد توجه قرار می‌گیرد بیشتر حوزه‌های مربوط به نیازهای اولیه‌ی جوانانی است در شرایطی که سلاح به زمین گذاشتند و به جامعه برگشتند اما به نظر می‌آید در خصوص جامعه‌ی ما و بسیاری از جوامع دیگر آنچه که باید به آن اهمیت داده شود این است که ما اگر می‌خواهیم برای جوانان برنامه ریزی کنیم سلیقه‌ی جوانان را مد نظر قرار دهیم.

اگر می‌خواهیم وارد بحث ادغام کردن جوانان در جامعه شویم، تفکر غالب ما این است که جوانان باید شبیه جامعه شوند اینطور ادغام صورت می‌گیرد! اما به این فکر نمی‌کنیم که جامعه هم باید خودش را به جوان نزدیک کند و اگر جوانی است که با جامعه‌ی سنتی به هردلیلی تا حدی اختلاف دارد جامعه باید پذیرای او باشد الزاماً میشود جوان. این برداشتی است که می‌توان از قطعنامه‌ی ۲۵۰ داشت، علاوه بر آن نیازهای اولیه مانند صلح و مسکن و از این قبیل که باید باشد.

برای جمع بندی این نکته را مورد تایید قرار می‌گیرد که هرچند به نظر می‌رسد که ورود شورای امنیت به این دلیل است که آسیب پذیر بودن جوانان و موضوع جوانان و ورودشان در مخاصمات مسلحانه به عنوان یک تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی لحاظ شده است اما واقعیت این است که به معنای واقعی کلمه «فرصت» هستند و آن برنامه ریزی موفق است که بتواند از این فرصت حداکثر استفاده را بکند.

پس از آن دکتر فاطمه کیهانلو با موضوع **جوانان پناهنده - صلح و امنیت بین لملی** سخنان خود را آغاز کردند.

در این قسمت به قطعنامه ی ۲۲۵۰ با تمرکز بر دو بندی که در این قطعنامه است و دولت ها را در خصوص جوانان و مشخصا جوانان پناهنده متعهد میکند پرداخته می شود.

البته در مقدمه ی قطعنامه هم اشاره شده است ولی برای جلوگیری از طولانی شدن زمان فقط به همان دوبند در این بخش اکتفا می شود. اما ابتدا باید ببینیم دو بند در ارتباط با جوانان چه توصیه هایی داشته است.

بند ۵ قطعنامه ۲۲۵۰ از دولت ها می خواهد تعهدات کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ را نسبت به جوانان پناهنده اعمال کنند.

کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ تنها اسناد بین المللی هستند که ما در مورد پناهندگان داریم. اسناد منطقه ای در این حوزه وجود دارد ولی اسناد بین المللی همین دو سند هستند.

در بند ۱۴ هم از دولت ها خواسته شده است که از فعالیت های سیاسی - فنی کمیساریای عالی پناهندگان که سازمان بین المللی است که توسط مجمع عمومی برای اینکه امور پناهندگان را سامان دهد ایجاد شد از فعالیت های این سازمان از جمله پناهندگی پشتیبانی کنند.

سوالی که مطرح می شود این است که چرا باید جوانان پناهنده مورد توجه قرار بگیرند؟

آیا قبل از آن در حوزه ی پناهندگی به قضیه ی جوانان پرداخته نشده بود؟

در سال ۲۰۰۳، با این عنوان مطرح شد: جوانان پناهنده و ساختن یک آینده ی بهتر

بعد از آن هم مرتب در اسناد مختلف که توسط کمیسیون اجرایی کمیساریای پناهندگان به تصویب رسیده به پناهندگان اشاره شده است. البته واژه ی جوان که در این اسناد به کار برده شده تا حدی با آنچه در قطعنامه است تفاوت دارد و در واقع اطفالی که ما به عنوان اطفال ممیز می شناسیم هم مدنظر قطعنامه های کمیته های اجرایی کمیته های پناهندگان بوده است.

در مورد جوانان پناهنده آمارها نشان می دهد که به خصوص در سال های اخیر درصد زیادی از جمعیتی که کشور خودشان را ترک می کنند و به عنوان پناهنده به کشورهای دیگر سرازیر می شوند جوان ها بوده اند.

جنگ های داخلی که در منطقه وجود دارد مساله فعالیت های گروه های تروریستی را تشدید کرده است. آماری وجود دارد که نشان می دهد در شش ماهه ی اول سال ۲۰۱۵، ۶۷٪ کسانی که درخواست پناهندگی شان در

اتحادیه اروپا به ثبت رسیده جوانانی بوده اند بین ۱۴ تا ۳۴ سال. همانطور که ذکر شد در قطعنامه ۲۲۵۰ سنی که برای جوانان در نظر گرفته شده ۱۸ تا ۲۹ سال می باشد اگرچه این موضوع در بحث ما تغییر زیادی به وجود نمی آورد. جوانان پناهنده نظر به وضعیت خاصی که دارند هم می توانند تهدیدکننده ی صلح و امنیت بین المللی باشند و هم می توانند عاملی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی باشند.

به نظر می رسد با توجه به فعالیت گسترده ای که گروه های تندروی تروریستی دارند و موفقیت هایی که در جذب جوانان به این گروه ها داشته اند اگر جوانان بتوانند از جذب این گروه ها خارج شوند در واقع به گونه ای امکان مجذوب این گروه ها شدن در موردشان از بین رفته یا حداقل می توانیم بگوییم تا اندازه ای منتفی شده یا در نتیجه از این جهت لاقبل ما به عضوگیری بیشتر این گروه های تروریستی کمک نکرده ایم.

بنابراین از یک باب خروج این جوانان پناهنده از کشور می تواند کمکی باشد به حفظ صلح و امنیت بین المللی اما از طرف دیگر ما مواجه می شویم با سیل افرادی که مدعی پناهندگی هستند و با هجومشان به کشورهای دیگر که مرتب خبرهایشان به گوشمان می رسد تا مرزهای کشورهای اروپایی می روند و آنجا برخی پشت مرز باقی می ماند و برخی اجازه ی ورود بهشان داده می شود و مشکلی که اینجا به وجود می آید این است که اگر داخل کشور بشوند چون جوان هستند و جویای کار و فرهنگشان همراهشان می آید و همچنین نگاه های مذهبی شان را با خودشان می آورند و وقتی حجم گسترده ای داشته باشند این امکان وجود دارد که بتوانند جامعه ی میزبان را تحت تاثیر قرار بدهند و به گونه ای آن ثباتی را که جامعه ی میزبان به خودش دیده متزلزل کنند.

از طرفی اگر اجازه ورود به آن ها داده نشود در مرزها می مانند و به گونه ای دیگر باعث تنش و تشنج می شوند. زیرا به هر حال مرزهای یک کشور ناامن می شود و کشورهای همسایه فشار می آورند و به هر حال حضور این جمعیت پناهنده از این جهت می تواند صلح و امنیت بین المللی را تحت تاثیر قرار دهد.

در اینجا لازم است بپردازیم به این مساله که وقتی ما از پناهنده صحبت می کنیم و جوانان پناهنده ای که قطعنامه ۲۲۵۰ هم بهشان اشاره کرده دقیقا چه کسانی را مدنظر قرار می دهیم و حال اگر این فرد وارد کشور میزبان شد یا در مرزهای کشور میزبان قرار گرفت مطابق توصیه ی قطعنامه ۲۲۵۰ که باید دولت طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگی را اعمال کند آن دولت باید چه کارهایی انجام دهد؟

کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده را مطابق شرایطی که در آن زمان وجود داشت تعریف می کند:

کسی که به علت نژاد، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی یا عضویت در یک گروه اجتماعی مجبور می شود که کشور خودش را ترک کند و به دلیل ترسی که از آزار دارد نمی تواند یا نمی خواهد به آن کشور بازگردد. دوباره برمی گردیم به تعریف: در این تعریف اشاره نشده که پناهنده کسی است که توسط دولت به این عنوان شناخته

شود ولی در عمل تصمیم گیرنده ی نهایی در مورد درخواست های پناهندگی دولت ها هستند. دولتی که از آن درخواست پناهندگی به عمل می آید دولتی است که طبیعتاً باید تصمیم گیری کند در مورد وجاهت آن دعوا یا عدم وجاهت آن دعوا. این چیزی است که در کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ دولت ها طرفدارش بودند و یعنی یک رویکرد حاکمیت محور در تنظیم این اسناد به کار برده شده و بنابراین تصمیم گیرنده ی نهایی در این حوزه دولت هایی هستند که درخواست از آن ها به عمل می آید. انعکاس این مساله را در خود کنوانسیون ۱۹۵۱ هم میبینیم. در این کنوانسیون از دو دسته نام برده شده:

دسته ی اول افرادی هستند که تحت حمایت کنوانسیون قرار گرفته اند.

دسته ی دوم کسانی هستند که به عنوان پناهندگانی شناخته می شوند که قانوناً در کشور میزبان حضور دارند.

وقتی از پناهنده صحبت می شود در واقع منظور همه ی آن کسانی است که احساس می کنند ترسی دارند و بخاطر آن ترس که می تواند ناشی از جنگ باشد، یا ناشی از بلایای طبیعی یا فجایع زیست محیطی کشور خودشان را ترک می کنند و درخواست پناهندگیشان را تحویل مقامات کشور میزبان نداده اند و یا درخواستشان تحویل داده شده ولی هنوز به آن رسیدگی نشده، کنوانسیون ۱۹۵۱ از این افراد با عنوان «پناهنده» نام می برد که البته آن واژه ای که در متون معتبر نوشته می شود واژه ی «پناهجو» است. برای این افراد یکسری حقوق ابتدایی در نظر گرفته شده است از جمله: دسترسی به تحصیلات ابتدایی، دسترسی به دانشگاه ها، ممنوعیت تبعیض، حق دسترسی به دادگاه ها، برخورداری از اوراق هویت و مانند اینها.

فردی که درخواست پناهندگی او توسط مقامات کشور میزبان تحت رسیدگی قرار گرفته باشد و درخواستش پذیرفته شده باشد در کنوانسیون با عنوان فردی شناخته می شود که قانوناً در کشور میزبان اقامت دارد. این شخص علاوه بر آن حقوقی که دسته ی اول از آن برخوردارند به واسطه ی اینکه به حضورش توسط کشور میزبان مشروعیت داده شده و دعوی آن پذیرفته شده حقوق بیشتری هم پیدا می کند. حق اشتغال به کار، حق مسکن، حق تردد آزادانه و امثال این ها.

زمانی که از جمعیت پناهنده صحبت می کنیم طبیعتاً از حالتی صحبت می کنیم که این گروه های افراد که به مرزها رفته اند هنوز وضعیت پناهندگیشان مورد رسیدگی قرار نگرفته یعنی راجع به دسته ی اول صحبت می کنیم همانطور که در خود قطعنامه ۲۲۵۰ هم چنین است. کسانی که به هر دلیلی مدعی ترس هستند و کشورشان را ترک کرده اند. سوال این است که وقتی قطعنامه ۲۲۵۰ دولت ها را دعوت میکند به رعایت موازین کنوانسیون ۱۹۵۱ نسبت به این افراد دقیقاً چه چیز ممکن است از دولت ها بخواهد و دولتها در این حوزه چقدر می توانند متعهد و مکلف شناخته شوند؟

در اینجا به دو ماده از کنوانسیون ۱۹۵۱ اشاره می‌کنیم: مواد ۳۱ و ۳۳ کنوانسیون

ماده ۳۱ در مورد پناهندگانی است که به طور غیرقانونی وارد کشور میزبان میشوند و دو بحث را این ماده مطرح می‌کند: یکی در مورد مجازات ورود غیرقانونی و دیگری بحث ننگه داشتن پناهنده در اردوگاه‌ها و بازداشتگاه‌ها. ماده ۳۱ می‌گوید پناهندگانی که مستقیماً از جایی وارد کشور میزبان می‌شوند که در آن جا حیات یا آزادی‌شان در خطر بوده و بلافاصله بعد از آنکه وارد آن کشور می‌شوند خودشان را به مقامات صالح معرفی کنند به دلیل حضور غیرقانونیشان در کشور میزبان مجازات نخواهند شد.

این ماده اصلاً دولت‌ها را مکلف نمی‌کند که پناهنده را در داخل خاک خودش بپذیرد ولی می‌گوید اگر وارد خاک این کشور هم شد آن دولت باید از مجازات وی خودداری کند. از این جهت در واقع به گونه‌ای یک مصونیتی را به پناهندگان می‌دهد. ولی انتظار هم این است که کسی که در شرایط خطر کشور خودش را ترک می‌کند طبیعتاً نمی‌تواند دنبال این برود که درخواست ویزا کند و معطل ویزا باشد و مدارکش را تهیه کند و امثال اینها. بنابراین طبیعی است که در اولین فرصت اقدام کند و تشریفات ورود را رعایت نکرده باشد. در اینجا دو شرط وجود دارد برای اینکه چنین پناهنده‌ای از مجازات معاف شود:

یکی اینکه به طور مستقیم از کشوری بیاید که حیات یا آزادی‌ش در خطر بوده بنابراین پناهنده‌ای که مثلاً مجارستان را رد میکند و می‌خواهد برسد به خاک آلمان، طبیعتاً نمی‌تواند مشمول این وضعیت قرار بگیرد.

و مساله دوم اینکه خودش را بلافاصله به مقامات صلاحیت دار معرفی کند و علت ورود غیرقانونی را توضیح دهد. اگر تاخیر داشته باشد دلایل قانع کننده‌ای برای تاخیرش ارائه دهد.

بند دوم این ماده جالب است که می‌گوید دولت‌ها می‌توانند رفت و آمد این قبیل پناهندگان را محدود کنند. و این حالت می‌تواند ادامه یابد تا پناهنده تعیین تکلیف شود.

نکته‌ی دیگر اینکه وقتی هجوم گسترده‌ای از پناهندگان صورت بگیرد طبیعتاً رسیدگی تک تک و موردی زمان زیادی را می‌برد و به همین دلیل هم کمیته اجرایی کمیساریا به رسیدگی گروهی توصیه کرده است. یعنی اصل را بر اینکه این‌ها شرایط برخورداری از نیازهای اولیه پناهندگی را دارند قرار دهند. وقتی افراد به طور گروهی به کشوری سرازیر می‌شوند و گروهی هم مورد رسیدگی قرار می‌گیرند در این حالت به آن‌ها گفته می‌شود افرادی که ظاهراً پناهنده هستند تا زمانی که صحت ادعایشان ثابت شود.

وقتی افراد به صورت گروهی سرازیر می‌شوند اگر جدا از داخل خاک کشور میزبان پذیرفته شوند در بازداشتگاه‌ها یا اردوگاه‌ها ننگه داشته می‌شوند. عملی که توسط کشورهای میزبان در این حوزه انجام می‌شود عمل

خلاف حقوق بین الملل نیست. همانطور که بند ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ این اجازه را می دهد و می گوید تا زمانی که ضروری است و این ضرورت را دولت تشخیص می دهد هرچند انتظار می رود حالت ضروری به صورت مضیق تفسیر شود. البته این امکان هم به افراد داده ی شود که شانشان را برای اقامت در کشور دیگر بیازمایند و کشور میزبان مکلف است زمینه را فراهم کند.

ماده ی بعدی ماده ۳۳ است که در مورد « منع اخراج و بازگرداندن اجباری پناهندگان » است. این ماده یکی از مهم ترین مواد کنوانسیون است که طبق این قاعده هیچ پناهنده ای نباید به کشوری برگردانده شود که در آنجا بخاطر نژاد، مذهب و ملیت و موارد دیگر در معرض تهدید قرار می گیرد. این تعهد دولت ها مخصوص زمانی است که وارد خاک یک کشور شده است. حال حضور وی ممکن است موقت یا مشروط باشد و یا مشمول گروه ظاهرا پناهنده قرار بگیرد.

مساله مهمی که وجود دارد این است که می گوئیم پناهنده به کشور محل خطر برگردانده نشود ولی آیا این به این معناست که کشور میزبان حتما باید به این فرد پناهندگی دهد؟

خیر اینطور نیست. همانطور که ماده ۳۱ هم می گوید دولت میزبان می تواند محدودیت آموشد در نظر بگیرد و تا زمان تعیین تکلیف وارد بازداشتگاهشان نماید. بند ۲ ماده ۳۳ هم دوباره به همین قاعده ممنوعیت بازگرداندن اجباری اشاره می کند. دو حالت را مطرح می کند که پناهنده مشمول این قاعده نمی شود: یکی زمانی که حضورش برای امنیت کشور میزبان خطرناک باشد و دوم زمانی که جرمی مرتکب شده باشد که برای کشور میزبان مضر و خطرناک باشد. شاه کلید هردو خطری است که پناهنده ایجاد می کند. از طرف دیگر دولت میزبان درست است که تعهد به بازگرداندن پناهنده دارد ولی تعهد به پذیرش درخواست پناهندگی هم ندارد در اینجا چه باید کرد؟

در این خصوص مفاهیمی در اتحادیه اروپا مطرح شده با عنوان «کشور ثالث امن»، کشوری که در مسیر پناهنده بوده و امن هم بوده است که در اینجا دولت ها می توانند پناهنده را به همان کشور ثالث امن اعزام کنند.

مختصری هم راجع به کمیساریای پناهندگان گفته میشود. چون در بند ۱۴ قطعنامه ۲۲۵۰ ذکر شده که دولت ها از اقدامات کمیساریا پشتیبانی نمایند. کمیساریا سال ۱۹۵۰ ایجاد شد. کمیساریا این حق را برای خود قائل شده که به افراد تحت صلاحیت کمیساریا اضافه کند. و به همین دلیل در طول زمان علاوه بر پناهندگان، افراد بی تابعیت و افرادی که از فجایع زیست محیطی فرار می کنند، آوارگان جنگی، حتی مردان، زنان و کودکان

تحت ماموریت کمیساریا قرار گرفته اند. کمیساریا از طریق تسهیل بازگشت داوطلبانه، کمک به اسکان این افراد در کشور ثالث و یا ادغامشان در کشور میزبان باید برای رساندن آن‌ها به یک وضعیت ثابت تلاش کند.

آخرین نکته این است که پناهندگی بار و فشار سنگینی است که بر کشورهای میزبان تحمیل می‌شود و اگر همه دولت‌ها نباشد برای اینکه به ثبات وضعیت در کشورهای مبدا کمک کنند و خودکشور مبدا هم نتواند این ثبات را فراهم نماید تعهداتی که از آن‌ها صحبت کردیم همیشه بصورت مضیق تر تفسیر می‌شود و آن گروه‌ها در معرض خطرات بیشتری قرار می‌گیرند.

آخرین سخنران میزگرد، دکتر زمانی بودند، که پیرامون **تحریم‌های ورزشی، اهرمی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی** مطالب خود را بیان کردند.

همانطور که می‌دانیم رقابت‌های ورزشی، رقابت‌های بین‌المللی ورزشی، مسابقات بین‌المللی در جهان امروز اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده‌اند. مسابقات جهانی، مسابقات المپیک یا مسابقاتی که در سطح قاره‌ها برگزار می‌شود یا در سطح یک منطقه جغرافیایی خاص این مسابقات پوشش رسانه‌ای داده می‌شود و کم و بیش مخاطبان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. این مسابقات نقش بسیار زیادی را در ایجاد همبستگی بین‌المللی ایفا می‌کنند و ورزشکاران ملی که در این مسابقات شرکت می‌کنند به نوعی سمبل همبستگی و وحدت کشور خودشان هم هستند. در این مسابقات کشورها می‌توانند وجهه و اعتبار بین‌المللی مناسبی را کسب کنند، پرچم ملی کشورشان به احتزاز در می‌آید و سرود ملی آن‌ها پخش می‌شود. گویی همه‌ی این مسابقات و رقابت‌ها ی بین‌المللی عرصه ایست برای به نمایش گذاشتن نمادهای ملی. ورزشکارانی که در قالب تیم‌های ملی خود شرکت می‌کنند نه در ظرفیت انفرادی و خصوصی خودشان اگر کسب افتخاری می‌کنند این افتخار به کشورشان برمی‌گردد. بنابراین تلاش فزاینده‌ای میان کشورها وجود دارد که بتوانند خودشان را به این مسابقات بین‌المللی برسانند و در این عرصه‌ی بسیار مهم حضور داشته باشند. تلاش شده که این مسابقات بین‌المللی از مسائل و ملاحظات سیاسی دور باقی بماند. ورزش با مسائل سیاسی درگیر نشود. همانطور که می‌دانیم در حوزه‌ی ورزش یکسری اسناد بین‌المللی وجود دارد که چندان فرصتی برای پرداختن به آن‌ها را نداریم مثل کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه آپارتاید در ورزش یا کنوانسیون‌ها یا معاهدات منطقه‌ای که به تصویب شورای اروپا رسیده در مورد مبارزه با دوپینگ یا مبارزه با آشوبگری در ورزش. اما نکته‌ای که به آن پرداخته می‌شود این است که آیا جدای از اینکه مسابقات ورزشی عامل بسیار مهمی در تحکیم پایه‌های صلح برای گسترش دوستی و تفاهم میان ملت‌ها و میان کشورها هستند آیا می‌توانیم تحریم‌های ورزشی را تجویز کنیم؟

ورزشکاران یک کشور را از شرکت در مسابقات بین‌المللی محروم کنیم یا یک کشور را از میزبانی مسابقات بین‌المللی محروم نماییم؟

در راستای حفظ صلح و امنیت جهانی ماده‌ی کلیدی که در مورد تحریم‌های سازمان ملل متحد مورد استفاده قرار می‌گیرد ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد است که به اقدامات غیرقهرآمیز شورای امنیت اختصاص پیدا می‌کند. با اینکه تحریم‌های ورزشی در زمره تحریم‌هایی نیست که در ماده ۴۱ منشور ملل متحد در کنار تحریم‌های اقتصادی، ارتباطی، تلگراف، تلفن، راه آهن، قطع روابط سیاسی مورد توجه قرار نگرفته و مورد تصریح قرار نگرفته اما تحریم‌های موضوع ماده ۴۱ منشور ملل متحد جنبه تمثیلی دارند نه جنبه حصری. یعنی شورای امنیت میتواند کشوری را که به زعم شورا صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند یا نقض کرده یا مرتکب اعمال تجاوزکارانه شده حتی مورد تحریم‌های ورزشی قرار بدهد. نمونه‌های متعددی از این تحریم‌های ورزشی داریم که جوانانی را که در قطعنامه ۲۲۵۰ مورد اشاره قرار گرفت جوانان بین ۱۸ تا ۲۹ سال را از حضور در صحنه‌های بین‌المللی محروم کرده به واسطه‌ی سیاست‌های کشور خودشان. مثلاً دولت آفریقای جنوبی به علت سیاست آپارتایدی که سال‌ها در پیش گرفته بود مورد تحریم‌های ورزشی شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفت یا جمهوری فدرال یوگسلاوی، صربستان و مونته‌نگرو از رهگذر قطعنامه ۷۵۷ شورای امنیت مورخ ۳۰ می ۱۹۹۲ با این عبارت مورد تحریم ورزشی قرار گرفت که دولت‌های عضو ملل متحد ملزمند تا با رد حضور ورزشکاران و تیم‌های صربستان و مونته‌نگرو در مسابقاتی که در قلمرو آن‌ها برگزار می‌شود چنین تحریمی را در نظام‌های حقوقی داخلی خود تضمین و اعمال نمایند. یا در مورد نیجریه جدای از سازمان ملل متحد، شورای امنیت تحریم‌های ورزشی مختلفی را علیه برخی از دولت‌ها وضع و اعمال کرده است. سازمان‌های منطقه‌ای هم در این مورد دست به اقداماتی زده‌اند. کافیسیت به مصوبات اتحادیه اروپا در این زمینه توجه کنیم در ۴ دسامبر ۱۹۹۵ شورای وزرای خارجه‌ی اتحادیه اروپا موضع مشترکی را مورد پذیرش قرار داد که از جمله همه روابط ورزشی با کشور نیجریه را از رهگذر رد صدور ویزا برای نمایندگان رسمی و تیم‌های ملی این کشور مورد تحریم قرار داد که این روابط باید قطع بشود. در حوزه‌ی تحریم‌های ورزشی جدای از تحریم‌هایی که شورای امنیت اعمال کرده تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا وضع و اعمال کرده، شاهد تحریم‌های یکجانبه‌ی دولت‌ها علیه یکدیگر هم هستیم. وقتی در سال ۱۹۸۰ قرار بود که بازی‌های المپیک در مسکو برگزار شود به علت حمله‌ی اتحادیه جماهیر شوروی به افغانستان برخی از کشورها بازی‌های المپیک مسکو را مورد تحریم قرار دادند و از جمله در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰ جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سخنرانی خودش خطاب به کمیته‌ی المپیک آمریکا تاکید کرد که ریاست کمیته‌ی المپیک آمریکا باید طی مکاتبه‌ای با کمیته بین‌المللی المپیک پیشنهاد کند که بخاطر تجاوز اتحادیه جماهیر شوروی به افغانستان بازی‌های المپیک یا از مسکو به شهر دیگری در کشور دیگری انتقال داده شود یا بازی

ها به تعویق بیفتند یا لغو بشود مگر اینکه شوروی نیروهایش را ظرف یک ماه از افغانستان خارج کند. کمیته بین المللی المپیک این درخواست آمریکا را مورد پذیرش قرار نداد اما ایالات متحده آمریکا و شماری از کشورهای هم پیمان آن بازی های المپیک مسکو را به علت تجاوز اتحادیه جماهیر شوروی به افغانستان مورد تحریم قرار دادند. در این میان همراهی کمیته بین المللی المپیک به خصوص با قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد قابل توجه است. در قرارداد مدل و نمونه ای که کمیته بین المللی المپیک با کشورهای میزبان منعقد می کند (کشورهایی که میزبان بازی های المپیک هستند) تصریح شده که کمیته در شرایط زیر حق دارد به قرارداد منعقد خاتمه بخشد و و میزبانی را از شهری که محل برگزاری بازی های المپیک در نظر گرفته شده است مسترد نماید. اگر در هر زمان کشور میزبان در وضعیت جنگی قرار بگیرد و یا توسط جامعه بین المللی که منظورشان شورای امنیت سازمان ملل متحد است مورد تحریم قرار بگیرد. بنابراین به نظر می رسد که تحریم های ورزشی بارها به عنوان ابزاری جهت اعمال فشار بر کشورهای ذیربط جهت دست کشیدن از سیاست خودشان یا تغییر منش رفتارشان مورد استفاده قرار گرفتند. و با استقبال بین المللی نیز مواجه شدند. در یک نتیجه گیری کوتاه می توان گفت مسابقات ورزشی برخلاف مسابقات تسلیحاتی نقش بسیار مهمی در ایجاد تحکیم و حی اعاده صلح و امنیت جهانی ایفا می کنند. غیرسیاسی بودن رقابت های ورزشی که در کمیته بین المللی المپیک و سایر نهادهای متصدی امور ورزش مورد تاکید قرار گرفته ایجاب می کند که حتی دولت های متخاصم که در صحنه نبرد با هم در حال جنگ هستند رقابت در صحنه های ورزشی را ترک نکنند. از سوی دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر و نظام بین المللی حقوق بشر مسابقات و رقابت های ورزشی را در قالب حق های رفاهی و یا در قالب حقوق همبستگی، شاید در قالب حق بر صلح به نحوی مورد تایید قرار داده است. در عصر جهانی شدن که اغلب رویدادهای ورزشی به صورت لحظه ای به تمام جهان مخابره می شود و از طریق سایت های اینترنتی انعکاس داده میشود محروم ساختن کشورها از رقابت های بین المللی ورزشی آنها را درازنوا قرار می دهد و فشار افکار عمومی را متوجه آن ها می کند. تحریم های ورزشی به ویژه در قالبی که در فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد یا در سازمان های منطقه ای مثل اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا و غیره بصورت هماهنگ اعمال بشود تاثیر بسیار زیادی رابر افکار عمومی دارد. محرومیت از میزبانی رقابت های ورزشی، عدم صدور ویزا برای ورزشکاران کشور تحریم شده، عدم اعزام ورزشکاران خویش به کشور مورد تحریم، تعلیق عضویت یک کشور در فدراسیون های بین المللی ورزشی نمونه هایی از تحریم های ورزشی هستند. تحریم های ورزشی می توانند از طریق افکار عمومی ملی و بین المللی کشورها را نسبت به رفتارهای ناقض حقوق بشری خویش یا اقدام علیه صلح و امنیت جهانی تحت فشار قرار دهند. علاوه بر ای تحریم های ورزشی می توانند قهرمانان کشورهای تحت تحریم را به تغییر تابعیت خویش و مهاجرت به کشورهای دیگر مجاب کند. این تحریم ها در حالی که در مقایسه با تحریم های اقتصادی و سایر تحریم ها منعطف

ترین تحریم‌ها قلمداد می‌شوند اما در عین حال یکی از موثرترین تحریم‌ها و اعمال فشار از داخل به حاکمیت‌ها برای تغییر سیاست‌ها و روش‌هایشان قلمداد میشوند.

پس از پایان سخنان اساتید، سیوالاتی از طرف مشارکت‌کنندگان در نشست، مطرح و بحث و تبادل نظر انجام شد.

نشست تخصصی «کودتا در حقوق بین‌الملل»

تهیه و تنظیم: اعظم‌پازدار

نشست «کودتا در حقوق بین‌الملل» با سخنرانی اساتید گرانقدر آقایان دکتر داود هرمیداس باوند، دکتر محسن عبدالهی و دکتر ستار عزیزی روز گذشته ۱۳ مرداد ماه توسط انجمن مطالعات سازمان ملل در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدا خانم دکتر نسرین مصفا رییس محترم انجمن، ضمن خوش‌آمدگویی به حضار، پرداختن به موضوعات روز دنیا را از جمله فعالیت‌های مهم انجمن دانستند. ایشان در توضیح مختصری در خصوص عنوان نشست بیان داشتند پس از جنگ جهانی دوم شاهد رخداد کودتاهای بسیاری بودیم که اکثراً با نیت فرآیند دموکراتیزاسیون صورت گرفته است. لغت کودتا ریشه‌ی فرانسوی دارد و در ادبیات علوم سیاسی به عنوان یکی از جلوه‌های انواع خشونت در کنار اعتصاب و شورش و انقلاب قرار می‌گیرد. کودتاگران می‌بایست سهمی در قدرت داشته باشند مانند افسران نزدیک به رییس‌جمهور یا پادشاه، تا از لوازم قدرت برای نیل به کودتا استفاده کنند.

ایشان در ادامه از همراهی هیات مدیره انجمن و اساتید همکار تشکر نموده و از سخنرانان نشست برای حضور در جایگاه دعوت نمودند.

در ذیل مباحث مطرح شده در نشست را مشاهده می‌نمایید.

- دکتر داوود هرمیداس باوند

تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه دید مثبتی در مورد انقلاب نبود. اغلب به عنوان شورش از آن یاد میکردند. اما پس از آن دید مثبتی در جهان شکل گرفت اما در مورد کودتا هنوز به طور کلی دید منفی نسبت به آن حاکم است.

فرآیند کودتا در کشورهای آمریکایی و آسیایی آفریقایی اندکی تفاوت دارد.

در کشورهای آمریکایی فرآیند این گونه است که شرایط را سازگار با منطق و ارزش‌های روز کنند.

در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم چند کودتا داشتیم. برای مثال کودتای چکسلواکی که از کشوری لیبرال به چپگرا تغییر رویه داد.

پارلمان شوراهای اروپا و جامعه اقتصادی اروپا برای عضویت اعضا شروط اساسی دارند. یکی از آنها رعایت دموکراسی و حقوق بشر و حقوق قانونیست.

گاهی کودتا برای استقرار یک نظام دموکراتیک است مثل پرتغال. که کودتا کردند تا حکومتی با رعایت دموکراسی و حقوق بشر داشته باشند که در نهایت پیروز شده و دو سال بعد هم به جامعه اقتصادی اروپا وارد شدند.

در بررسی وضعیت کودتا در پاکستان، بعد از ۱۹۴۷ بر سر قضیه کشمیر وارد درگیری با هندوستان شد. از آن تاریخ به دلیل رویارویی حالت جنگی میان هند و پاکستان ایجاد شد. ارتش پاکستان از ابتدا حس می‌کرد در مسایل سیاسی به خاطر این تنش باید درگیر باشد. ز همین روی کودتاهای مکرری در پاکستان رخ داد. کودتای اول توسط اسکندر میزرا، و بعد توسط ایوب خان و بعد یحیی خان و بعد یعقوب خان اتفاق افتاد، که همگی ارتشی بودند.

در خصوص ترکیه، با سیاست‌های آتاتورک ترکیه از استعمار نجات پیدا کرد، بعد از او دو رسالت بر عهده ارتش بود:

۱. حفظ سکولاریسم

۲. حفظ جمهوری ترکیه

بعد از جنگ جهانی دوم ارتش هر گاه حس میکرد ازین دو هدف عدول میشود وارد میشد.

ترکیه قبل از کودتا در جایگاه خوبی قرار داشت. کودتای آن شاید در دید کوتاه مدت، نشان دهنده ی استحکام و قدرت دولت موجود باشد اما در دید بلند مدت، متوجه میشوند که اشتباه بزرگی در ترکیه رخ داده.

دکتر ستار عزیزی

کودتا عبارت است از ساقط کردن حکومت به شیوه قهر آمیز و معمولاً با استفاده از نیروی نظامی که مغایر قانون اساسی دولت مربوط باشد.

کودتا یکی از ابزار نیل به قدرت و تاسیس دولت جدید است. این سوال پیش می‌آید که آیا حقوق بین‌الملل نسبت به نحوه شکل‌گیری و تاسیس حکومت و یا تغییر شیوه‌ی آن حکم و موضعی دارد؟ پاسخ این سوال را در دو دوره تقسیم بندی میکنیم.

۱. دوره ی جنگ سرد

۲. دوره پس از جنگ سرد

دوره ی جنگ سرد :

بر اساس رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ی نیکاراگوئه دیوان صراحتاً اعلام میدارد نظام حقوق بین‌الملل فاقد قواعدی در مورد تعیین شکل داخلی حکومت هاست. منشور هم دخالت سازمان ملل را در امور داخلی کشورهای عضو ممنوع میدارد. همچنین توسل به زور را در روابط بین‌الملل منع میکند.

رهیافت سنتی شناسایی حکومت ۴ معیار را برمی‌شمرد که جوهره اصلی آن "موثر بودن" است. اینکه حکومت کنترل موثری داشته باشد و ثبات، دوام و تمایل انجام تعهدات را داشته باشد بسیار مهم است.

کودتاهای اخیر نشان میدهد همین کنترل موثر موجب شده تا حکومت جدید مورد شناسایی قرار گیرد. مثل کودتای ۱۹۷۱ اوگاندا.

در اجلاس شانزدهم سازمان وحدت آفریقا هیات‌های نمایندگی حکومت جدید و قدیم اوگاندا شرکت نمودند و هر دو مدعی جلوس بر جایگاه نمایندگی شدند! جالب اینکه استدلال رژیم قبل این بود که رژیم جدید کنترل موثر بر کشور ندارد!

ما در این دوران دکترینی داریم به اسم "استرادا" که بیان میکند هر حکومت جدیدی باید در هر اوضاع و احوالی به رسمیت شناخته شود و دولت‌های دیگر از قضاوت در مورد ارزیابی مشروعیت حکومت جدید منع شده‌اند. و نیازی هم به اثبات خواست مردم نیست. هر دولتی توانست مستقر شود مشروع است.

دکترینی دیگر به اسم "توبار" به ویژه در آمریکای لاتین مطرح شد که برخی کشورها دور هم جمع می‌شوند و توافقی میکنند از شناسایی حکومت‌های جدیدی که بر اثر انقلاب یا کودتا سر کار می‌آیند خودداری کنند. یک استثناء هم وضع میکنند که اگر حکومت جدید توسط مردم و بدون ترس و اجبار بود شناسایی شود.

نتیجه دوره اول: به نظر میرسد هیچ قاعده عرفی یا قراردادی نداریم که کودتا را مغایر حقوق بین‌الملل بدانند.



دوره پس از جنگ سرد: دوره ی دموکراتیزاسیون

پس از پایان جنگ سرد کشورهای اروپای شرقی و اکثر کشورهای دیگر وارد دموکراتیک شدن میشوند. یکی از نظریه پردازان آمریکایی معتقد است نظام لیبرال دموکراسی بهترین نظام است و سرنوشت بشر محکوم است که به این نظام رو بیاورد.

آیا قاعده ی قراردادی یا عرفی در نظام بین الملل داریم که انجام کودتا را علیه حکومت های دموکراتیک نامشروع بدانند؟

فرآیند دموکراتیزاسیون تاثیر زیادی در برخی سازمان های منطقه گذاشته. در بررسی عملکرد سازمان کشورهای آمریکایی و معاهده امنیت دموکراتیک در کشورهای آمریکای لاتین و نظر کمیته عالی مسئول بررسی اصلاح ساختار سازمان ملل در سال ۲۰۰۴، این تاثیر مشهود است.

برای مثال ماده ۹ منشور سازمان کشورهای آمریکایی تغییر می کند و امکان تعلیق عضویت هر یک از دول عضو پیش بینی می شود که حکومت منتخب دموکراتیک آنها به واسطه کودتا سرنگون می شود.

همچنین ماده ۸ معاهده امنیت دموکراتیک در کشورهای آمریکایی لاتین که یک معاهده چند جانبه بین کشورهای گوآتمالا و هندوراس و ... است. که دول عضو متعهد می شوند که بر گروه های شورشی و نظامی و سیاسی که حکومت دموکراتیک را می خواهند از بین ببرند هیچ گونه کمک و حمایتی نکنند.

کمیته مسئول بررسی اصلاح ساختار سازمان ملل هم در سال ۲۰۰۴ یک ساز و کاری را پیشنهاد می دهد با مضمون حمایت از حقوق دموکراتیک در برابر کودتاها، که این اقدام بزرگیست.

این ها یک سری مقررات قراردادی وضع نمودند اما این قواعد نتوانسته حقوق بین الملل عرفی را تغییر دهد.

برای اینکه یک قاعده عرفی را مدعی باشیم بایستی عناصر مادی و معنوی در شکل گیری آن قاعده ی عرفی دخیل باشد تا قاعده ی عرفی را از آرزو ها و آرمان های صرف تمییز دهیم.

کمیسیون حقوق بین الملل برای شناسایی یک قاعده عرفی و اوصاف رویه ی آن ۴ ویژگی را عنوان کرده:

۱. علنی بودن

۲. منسجم بودن

۳. عمومیت داشتن

۴. پیوستگی

به نظر میرسد دلیل عرفی نشدن این قواعد منسجم بودن و عمومیت نداشتن این قواعدست.

منسجم بودن: دولت ها نباید در مورد موضوع مشخص رویه های مختلفی را در پی گیرند.

عمومیت داشتن: رویه ی بین المللی بایستی عمومیت داشته باشد و به اندازه کافی گسترده باشد.

اما در برخی مناطق جغرافیایی خاص، رویه ها منسجم نبوده و عمومیت ندارند. مانند واکنش متناقض دولت ها نسبت به کودتای مصر و پاکستان.

برخی از کودتاها هم به گونه ای بوده که ممدوح واقع شده. مثل کودتای پرتغال. اما به طور کلی رویه نشان داده که کودتا به عنوان یک ابزار برای تغییر حکومت فی نفسه مشروع نیست.

• دکتر محسن عبدالهی

بحث کودتا در حقوق بین الملل را در سه قسمت بررسی می کنیم:

۱. ماهیت کودتا

۲. رویه دولت ها و سازمان های بین المللی

۳. نقد و ارزیابی مشروعیت کودتا

۱. ماهیت کودتا:

اساسا کودتا یک اقدام سیاسی است. سندی وجود ندارد که کودتا را تعریف کرده باشد تا ما بتوانیم وارد مباحث حقوقی شویم. تعاریف موجود به طور کلی از دکتترین گرفته شده است.

کودتا عبارت است از اقدامی نظامی یا با حمایت نظامیان به منظور سرنگونی حکومت قانونی وقت.

سوالی که مطرح میشود: آیا کودتای غیر نظامی هم داریم؟ مثل کودتای فرهنگی. حداقل در دکتترین چنین ایده ای مورد حمایت قرار نمی گیرد.

در توضیح حکومت قانونی باید گفت آیا این حکومت قانونی لزوما حکومتی دموکراتیک خواهد بود؟ می توان گفت تا دهه نود و حتی تا به امروز حکومت دموکراتیک، یک قاعده و یا یک ارزش مسلط بین المللی شناخته نشده. بنا براین من به حکومت قانونی استناد میکنم. این حکومت قانونی میتواند سوسیالیستی یا توام با خلافت اسلامی مثل عربستان باشد. یعنی حتی اقدام به سرنگونی حکومت کشورهای غیر دموکراتیک هم کودتا محسوب می شود.

انواع کودتا:

الف) کودتا برای سرنگونی حکومت های جبار

ب) کودتای دموکراتیک

۲. رویه دولت ها:

تا زمان جنگ سرد کودتاها ضمن اینکه محکوم میشدند مورد حمایت هم قرار می گرفتند. پیشتر در سایه ی جنگ سرد دولت ها در بلوک های غربی از کودتاها در بلوک مقابل حمایت می کردند. این باعث میشد ما شاهد محکومیت سراسری نسبت به یک کودتا نباشیم.

اما پس از جنگ سرد رقابت ها از میان رفت. به ویژه با پیشروی نظریه ی توماس فرانک بحث مشروعیت دموکراتیک مطرح شد ولی با این وجود بنده باز بر این نظر هستم که رویه روشنی در مورد محکومیت کودتا نداریم.

اگر دقت کنید کودتای پاکستان محکوم نمی شود ولی در مورد هائیتی کار به مداخله نظامی می کشد. یعنی این رویه متغیر است. این محکومیت یک عمل سیاسی یک جانبه است. و دولت ها هیچ الزامی به این کار ندارند و حسب منافع سیاسی خود تصمیم می گیرند کودتایی را محکوم یا حمایت کنند. معاهده سال ۱۹۰۷ الحاقی به معاهده صلح منعقد در کنفرانس آمریکای مرکزی مجازات هایی را برای کودتاچیان در نظر گرفته است.

در محکمه اختصاصی سیرالئون دادستان در کیفرخواست ادعا میکند کودتا به عنوان یک جنایت بین المللی است. این ادعا صحیح نبوده و توسط دیوان رد میشود.

اسنادی هم چون اسناد اتحادیه آفریقا و سازمان کشورهای آمریکایی هیچیک کودتا را منع نمی کنند یا نامشروع تلقی نمی کنند. در تمامی این اسناد سلسله تکالیفی برای سایر دولت ها در عدم مساعدت به کودتا و کودتاچیان پیش بینی شده است.

در نتیجه رویه دولت ها عمومیت ندارد. و به سختی میتوانیم به ممنوعیت کودتا برسیم.

رویه ی سازمان های دولتی:

مجمع عمومی در خصوص کودتا ادبیات ملون و گوناگونی دارد. ابتدا با تحولاتی که در دهه ۹۰ در محکومیت کودتاها به وجود آمده مخالفت می کند. اما سپس در کودتای سال ۲۰۰۹ هندوراس، که به سرنگونی مانوئل زلایا منتهی شد، مجمع عمومی به طور اجماعی این کودتا را محکوم می کند و خواهان حکومت دموکراتیک زلایا می شود. و از دولت ها می خواهد حکومتی جز حکومت زلایا را مورد شناسایی قرار ندهند.

در شورای امنیت وضعیت متفاوتی را شاهدیم. شورای امنیت کودتاهای هائیتی و سیرالئون را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی میداند. نظرشان را به این نکته جلب میکنم، اینکه امری در موردی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی باشد، لزوماً به معنای غیرقانونی یا نامشروع بودن آن عمل نیست.

۳. مشروعیت بین‌المللی کودتا

بایستی بررسی نمود آیا کودتا نقض حق یا یک تعهد بین‌المللی است؟ تعیین نوع حکومت اساساً یک امر داخلی در حقوق بین‌الملل شناخته شده. حق تعیین سرنوشت در مواد یک مشترک میثاقین به مردمان کشور به نوعی واگذار شده است.

عصاره‌ی نظریه‌ی توماس فرانک این است که مشروعیت بین‌المللی یک دولت نباید صرفاً بر اساس استانداردهای مالی سنجیده شود. باید بر اساس یک شاخص بین‌المللی که نامش را دموکراسی می‌گذارد سنجیده گردد. در خصوص حاکمیت، آیا مشروعیت یک حاکمیت، امری داخلیست؟ آیا حاکمیت یک امر ذاتیست؟

عده‌ای معتقدند مشروعیت امر ذاتی دولت هاست. بنده معتقدم مشروعیت به مثابه اهلیت تمتع برای دولتهاست. یعنی دولت به محض تولد، حاکمیت از آن خود را دارد.

اما آقای فرانک معتقد است حاکمیت یک امر اعطایی است. به دولت اعطا میشود و امر اعطایی قابل سنجش و ارزیابیست. یعنی اگر صلاحیت کاری را به کسی می‌دهید قدرت ارزیابی آن را هم می‌دهید.

نظرات مختلفی در خصوص شناسایی مشروعیت دولت‌ها وجود دارد. یک نظر این است که حاکمیتی مشروع است که برآمده از اراده مشروع باشد. کاری ندارد حاکمیت چگونه شکل گرفته، مهم اینست که رفتار آن

(الف) در دفاع از مردم در برابر تعرضات داخلی

(ب) دفاع از دولت در برابر حملات خارجی چگونه است.

در نتیجه به سختی میتوان از وجود یک حق یا تعهد به حکومت دموکراتیک در حقوق بین‌الملل برسیم. به تبع چنین چیزی نمی‌توان کودتا را بر اساس سندی ممنوع دانست. به قولی مکروه است، یعنی ممنوع نیست ولی خوشایند هم نیست. البته باید به این نکته توجه نمود که کوتا ممنوع نیست ولی کمک و حمایت آن ممنوع است. زیرا با اصل منع مداخله در امور کشورها در تعارض است.

جلسه‌های مقدماتی مسابقه شبیه‌سازی شورای امنیت برای انتخاب دبیرکل

تهیه و تنظیم: منا کربلایی امینی

برگزاری مسابقات شبیه‌سازی قدمی در جهت‌آشنایی دانشجویان حقوق و علاقه‌مندان این عرصه به روند عملی و فرآیند تشکیل و مدیریت جلسات و همچنین افزایش مهارت ایشان در ارایه نظر و استدلال و افزایش مهارت‌های عملی می‌باشد.

یکی از مهمترین اتفاقات پیش رو در عرصه بین‌الملل، انتخاب دبیرکل جدید سازمان ملل در پاییز ۲۰۱۶ میلادی می‌باشد. بدین روی و جهت برگزاری جلسه شبیه‌سازی شورای امنیت برای انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تاریخ ۷ مهر ماه ۱۳۹۵ جلسه آموزش و آماده‌سازی داوطلبان شرکت در جلسه شبیه‌سازی را در دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد برگزار نمود.

در این مراسم پس از پخش چند کلیپ که مروری کوتاه بر چگونگی، چرایی و اهمیت انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد داشت خانم دکتر نسرين مصفا رییس انجمن ضمن خوش آمدگویی به داوطلبان و تشکر از حاضرین و هماهنگ‌کنندگان جلسه و ابراز خوشحالی از تشکیل چنین جلسه‌ای؛ به اهمیت و تاثیر جلسات شبیه‌سازی اشاره نمودند و از جناب آقای سفیر اسدی و سرکار خانم قائم مقامی که زحمت آموزش داوطلبان را تقبل نمودند تشکر و قدردانی ویژه به عمل آوردند. سپس خانم ماریا دوتسنکو رییس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران نیز پس از خوش آمدگویی به حاضران، مراتب خرسندی خود را از برگزاری چنین جلسه‌ای ابراز نمودند و اهمیت تشکیل چنین برنامه‌هایی در ایران و تاثیر آن بر آینده علمی و کاری دانشجویان حقوق و علاقه‌مندان مرتبط با این حوزه پرداختند و همچنین بیان نمودند آقای بان کی مون دبیرکل کنونی سازمان ملل متحد نیز در زمان دانشجویی خویش در چنین جلساتی حضور داشته‌اند فلذا اهمیت و تاثیر این شبیه‌سازیها در افزایش مهاجرت کاربردی و علمی علاقه‌مندان و دانشجویان به سزا خواهد بود.

در ادامه؛ این جلسه در دو پنل برگزار شد. در پنل اول جناب آقای باقر اسدی دیپلمات سابق و برجسته کشورمان، ضمن ابراز خوشحالی از برگزاری این جلسه در ارتباط با شیوه برگزاری مسابقه توضیحاتی ارایه فرمودند و افزودند در این مسابقات، هر یک از شرکت‌کنندگان به عنوان نماینده یکی از اعضا شورای امنیت حاضر خواهند شد و باید با توجه به دانش حقوقی خود و اطلاعاتی که در خصوص هر یک از نامزدها و برنامه‌ها و مهارت‌های ایشان و مواضع کشوری که نماینده آن هستند، نامزد مورد نظر خود را انتخاب و با استدلال قوی خود در جهت انتخاب نهایی وی کوشش نمایند. ایشان همچنین به بیان توضیحاتی کاربردی در خصوص آیین و اداب برگزاری چنین جلساتی پرداختند و با تشریح قطعنامه‌هایی نظیر قطعنامه ۳۲۱/۶۹A/Res و اهمیت وجودی "نامه مشترک" اطلاعات مفیدی را در اختیار داوطلبان قرار دادند.

در پنل دوم سرکار خانم قائم مقامی، مسئول کتابخانه دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد به ارایه توضیحاتی در خصوص اطلاعات و اسناد مرتبط با انتخاب دبیرکل، اهمیت جلسات شبیه‌سازی، چگونگی دستیابی به اطلاعات موجود در سایت

سازمان ملل متحد و سایتهای مربوطه پرداختند و با پخش کلیپ‌هایی مفید داوطلبان را در دستیابی به اطلاعات مورد نیازشان جهت حضور در جلسه شبیه‌سازی یاری نمودند. شایان ذکر است، با توجه به اینکه جلسات شورای امنیت برای توصیه دبیر کل سازمان ملل متحد بموجب ماده ۹۷ منشور ملل متحد، به صورت بسیار محرمانه برگزار می‌شوند لذا دستیابی به اطلاعات و پیشینه مذاکرات در دوره‌های سابق انتخاب دبیر کل‌ها میسر نمی‌باشد و از این رو داوطلبان کار دشواری را در پیش خواهند داشت.



گزارش جلسه نهایی "شبیه‌سازی شورای امنیت با موضوع انتخاب دبیر کل آینده سازمان ملل متحد"

تهیه و تنظیم: منا کربلایی امینی

به منظور افزایش توانمندی علاقه‌مندان و دانشجویان و آماده‌سازی آنها جهت حضور مؤثر در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد؛ در روز ۲۸ مهر ماه ۱۳۹۵ شمسی جلسه شبیه‌سازی شورای امنیت برای انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد را با حضور شرکت‌کنندگان، در محل دفتر اطلاعات سازمان ملل در تهران و به زبان انگلیسی برگزار نمود.

در ابتدا خانم ماریا دوتسنکو رییس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران ضمن تشکر از انجمن، از داوطلبان استقبال نمودند و مراتب خرسندی خود را از برگزاری جلسه شبیه سازی با چنین موضوعی بیان نمودند و برای شرکت کنندگان آرزوی موفقیت کردند. سپس جناب آقای باقر اسدی، دیپلمات بازنشسته و سفیر پیشین اقتصادی و اجتماعی ایران در سازمان ملل متحد، ریاست جلسه را به عنوان سفیر روسیه (رئیس دوره ای شورای امنیت در اکتبر ۲۰۱۶ میلادی) بر عهده گرفتند و این جلسه را به عنوان جلسه شماره ۹۹۷۳ آغاز نمودند و از نمایندگان کشورها خواستند تا برگه‌ی اعلام موضع کشور خود را در حمایت از نامزد مورد نظرشان قرائت نمایند. لازم به ذکر است در این برگه معمولاً عواملی که برای هر کشور دارای بیشترین اهمیت در انتخاب دبیر کل است، ذکر می‌شود و معمولاً هر کشور به صورت غیر مستقیم از نامزد مورد نظر خود حمایت میکند (گرچه اعلام نام نامزد مورد نظر به صورت مستقیم هم بلا مانع میباشد) و بر آنچه که بیشتر برای کشورش حائز اهمیت است تأکید می‌نماید.

در این بخش نمایندگان هر کشور با أخذ اجازه قبلی و به ترتیب مواضع خود را قرائت نمودند و پس از اتمام آن، ریاست محترم وقت را در اختیار نمایندگان قرار دادند تا به صورت شفاهی به ابراز نظر، استدلال و مذاکره بپردازند و در این مرحله تقریباً تمامی اعضا شورای امنیت نام نامزد مورد نظرشان را صراحتاً اعلام نمودند و با توجه به اینکه نامزد مورد حمایت کشور روسیه خانم ایرینا بوکووا و کشور نیوزلند خانم هلن کلارک بودند؛ این موضوع باعث بالاگرفتن بحث بین نمایندگان گرمتر شدن جلسه شد. اما در نهایت و از طریق کنسانسوس و بدون مخالفت یا وتوی اعضای دائم، آقای آنتونیو گوترش از کشور پرتغال به عنوان نهمین دبیر کل سازمان ملل متحد انتخاب و قطعنامه مربوطه صادر و قرائت گردید و سپس ریاست محترم، ختم جلسه را اعلام نمودند.

در پایان و پس از صدور قطعنامه خانم دکتر نسرين مصفا رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ضمن تقدیر و تشکر از جناب آقای سفیر اسدی، خانم ماریا دوتسنکو و خانم نازنین قائم مقامی به دلیل همکاری ایشان در برگزاری این جلسه و زحماتی که تقبل نمودند؛ به بیان این نکته پرداختند که هدف از برگزاری چنین جلساتی ظرفیت سازی انسانی و افزایش مهارت و قدرت استدلال جوانان جهت حضور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی میباشد. ایشان اضافه نمودند که با گذشت ۱۶ سال از آغاز فعالیت انجمن، این اولین تجربه شبیه سازی انجمن در این قالب بوده است و ضمن تشکر از داوطلبان حاضر در جلسه و ابراز خوشحالی خویش از دیدن توانمندیها و پتانسیل‌های موجود در جوانان کشور، از حاضرین تقاضا نمودند تا با ارائه انتقادات و پیشنهادات انجمن را در برگزاری هر چه با شکوه‌تر چنین جلساتی در آینده، یاری فرمایند. همچنین اعلام کردند که از مشارکت کنندگان در همایش سالانه انجمن تقدیر به عمل خواهد آمد.

در ادامه تعدادی از عکسهای منتخب و همچنین برگه‌های اعلام موضع برخی از کشورها جهت استفاده علاقه مندان در اختیار قرار میگیرد

گزارش نشست تخصصی «اعلامیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حمایت از پناهندگان و مهاجرین و مسئولیت دولت‌ها سپتامبر ۲۰۱۶»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد نشست تخصصی را با عنوان «اعلامیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حمایت از پناهندگان و مهاجرین و مسئولیت دولت‌ها سپتامبر ۲۰۱۶» با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران در روز چهارشنبه ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ برگزار نمود.

در این نشست خانم دکتر صفی ناز جدلی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - به عنوان سخنران حضور داشتند.

در ابتدا دکتر نسربین مصفا ضمن عرض سلام و خیر مقدم از شرکت کنندگانی که در این برنامه حضور پیدا کردند تشکر کرده و همچنین از حضور آقای دکتر سعید محمودی استاد شهیر حقوق بین الملل در این نشست سپاسگزاری کردند.

ایشان در ادامه به معرفی اجمالی سخنران برنامه پرداختند و گفتند: «سرکار خانم دکتر صفی ناز جدلی استاد جوان، متخصص مسائل مهاجرت و پناهندگان و دارای دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه استراسبورگ هستند، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه پناهندگان و مهاجرت دارند و در حال حاضر نیز در کمیساری عالی پناهندگان در تهران مشغول به فعالیت هستند.»

ایشان همچنین به بیان این موضوع پرداختند که معمولاً انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد نسبت به رویدادهای روز بین المللی در حد توان خود عکس العمل نشان داده است و نشست‌ها، سمینارها و گردهمایی‌هایی را برگزار کرده است و جلسه امروز هم در راستای این توجه انجمن نسبت به موضوعات روز می باشد.

رئیس انجمن در بخش بعدی سخنان خود به اهمیت موضوع پناهندگان و مهاجران و تصویب اعلامیه‌ای در این خصوص در سپتامبر ۲۰۱۶ اشاره کردند و گفتند: «در حقیقت ما فکر میکنیم شاید یکی از دلایل انتخاب دبیر کل جدید سازمان ملل متحد آن هم به این سرعت سابقه کار ایشان در کمیساری عالی پناهندگان و وقوفش نسبت به این موضوع پراهمیت بود، زیرا در بعضی از نوشته جاتی که ما می بینیم توجه به تجربه ایشان در کمیساری عالی پناهندگان در نظر گرفته شده بود. اما مشخص نیست دبیرکل جدید ملل متحد تا چه حد می تواند با توانایی های خودش در این موضوع آن هم در دنیای امروز که عوامل زیاد دیگری برای تاثیر گذاری وجود دارند، موفق بشود.»

پس از خانم دکتر مصفا، خانم ماریا دوتسنکو - رئیس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - سخنان خود را ارائه نمودند که شرح کامل آن در ادامه آمده است:

خانم ماریا دوتسنگو: خوش آمد و عصر بخیر می گویم خدمت همه حضار و از طرف سازمان ملل متحد خدمت شما خیرمقدم عرض می کنم. از آقای دکتر محمودی و خانم دکتر جدلی برای شرکت در این نشست بسیار سپاسگزارم. امیدوار هستم که این موضوع پس از جلسه امروز بتواند مورد مطالعه برای مقاله یا پایان نامه های شما قرار بگیرد.

من با خانم دکتر مصفا در این موضوع که شاید دبیرکل جدید بتواند مشکل بزرگی که پناهندگان و مهاجران در دنیا ایجاد کرده اند را حل بکند، موافق هستم. همین که مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفته است در مورد مسئله پناهندگان و مهاجران به بحث بشیند نشان دهنده اهمیت این موضوع است. من بخشهایی از اعلامیه ای که در نیویورک به تصویب رسیده است را برای شما قرائت میکنم. ما این اعلامیه را به صورت ترجمه می خوانیم اما متن کامل اعلامیه به فارسی را در وب سایت خودمان قرار خواهیم داد.

از زمان ابتداء بشریت در حال حرکت بوده است، تعدادی از مردم برای پیدا کردن فرصتهای بهتر اقتصادی به جاهای دیگری حرکت می کنند، برخی برای فرار از درگیرهای مسلحانه، فقر، عدم امنیت غذایی، تعقیب حقوقی، تروریسم، نقض حقوق بشر، سوء رفتار و... از مکانی که دارند تصمیم به جابه جایی می گیرند. بعضی دیگر نیز بخاطر اثرات تغییر اقلیم و همچنین بلایای طبیعی یا سایر فاکتورهای زیست محیطی جابه جا می شوند. همچنین تعدادی از مردم بخاطر مجموعه ای از این فاکتورها مهاجرت می کنند.

ما در جهان امروز سطح گسترده ای از جابه جایی انسانی را مشاهده می کنیم. مهاجران تقریباً در تمام کشورهای دنیا وجود دارند، بسیاری از آنها بدون اینکه درگیری داشته باشند جابه جا می شوند. در سال ۲۰۱۵ تعداد افرادی که جابه جا شدند ۲۴۴ میلیون نفر بوده است که نشان دهنده رشد فزاینده آن نسبت به جمعیت جهانی است. در عین حال از این تعداد ۷۵ میلیون نفر افرادی بودند که مجبور به ترک مکان زندگی خود بودند. این شامل ۲۱ پناهنده، ۳ میلیون پناهجو و حدود ۴۰ میلیون افراد آواره هستند.

ما زمانی که دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار را در سال گذشته تصویب می کردیم، کمکهای مثبتی که مهاجران می توانند به رشد فراگیر و توسعه پایدار بدهند را به رسمیت شناختیم و با کمکهای آنها جهان بهتری خواهیم داشت. منافع و فرصتهایی که مهاجران ارائه می کنند معمولاً در نظر گرفته نمی شود. معمولاً جابه جایی هایی که با اجبار و بی قاعده هستند موجب ایجاد چالشهای پیچیده ای می شوند. رفتاری که با پناهندگان می شود معمولاً در چهارچوبهای قانونی قوانین پناهندگان و مهاجران صورت نمی گیرد.

در اینجا صحبت‌های خودم را پایان می دهم ولی مایل هستم یادآوری کنم ایران یکی از کشورهایی است که دومین یا سومین کشور جهان از نظر حضور پناهندگان و مهاجران می باشد. امور پناهندگان ملل متحد UNCR و سازمان بین المللی مهاجرت AUM با دولت ایران همکاری تنگاتنگ دارند که به این پناهندگان کمک کنند.

در بخش اصلی برنامه خانم دکتر جدلی به بیان صحبت‌های خود پرداختند و پس از عرض سلام و ابراز خوشحالی از حضور دکتر سعیدی در این جلسه، از انجمن بابت تشکیل این نشست تشکر کردند.

ایشان مطالبشان را در سه بخش ارائه نمودند. بخش اول مبحث مقدماتی و شرایط تصویب اعلامیه را تشریح کردند، سپس به صحبت در مورد محتوای اعلامیه پرداختند و در بخش سوم نیز در مورد اقدامات آتی که قرار است پیرو تصویب این اعلامیه انجام شود توضیحاتی ارائه دادند.

برای دریافت فایل پاورپوینت این نشست علمی که توسط دکتر جدلی تهیه و ارائه گردیده است، لطفاً << اینجا >> کلیک نمایید.

پس از اتمام صحبت‌های خانم دکتر جدلی، دکتر نسرین مصفا ضمن سپاسگزاری از ایشان از آقای دکتر سعید محمودی استاد برجسته حقوق بین‌الملل خواستند که در رابطه با موضوع بحث صحبتی داشته باشند.



دکتر محمودی: ضمن عرض سلام و احترام حضور شرکت‌کنندگان عزیز در ابتدا از دوستانی که این فرصت را در اختیار من قرار دادند بسیار ممنون و سپاسگزارم. از مطالب خانم دکتر جدلی نیز بسیار استفاده کردم و از ایشان تشکر می‌کنم.

بحث حقوق بین الملل در مورد پناهنجویان، پناهندگان، مهاجران و آوارگان به موضوع بسیار وسیعی تبدیل شده است. من خاطر می‌کنم که کتابهای درسی حقوق بین الملل تا حدود ۲۰-۱۵ سال پیش که به این مطلب می‌پرداخت بخش بسیار کوچکی را به خود اختصاص داده بود اما الان یک بخش مجزایی را به خود اختصاص داده چرا که مسئله بسیار وسیع شده است. متأسفانه ابعادی که خود مشکل پیدا کرده است مطابق با توسعه همزمان حقوق بین الملل نبوده است، یعنی حقوق بین الملل هنوز حقوق بین الملل ۵۰ سال پیش است که کشورها به آن عمل می‌کنند درحالی که مسائل و مشکلات خیلی وسیع تر شده و قوانین و نحوه اجرای این سه بخش عمده یعنی علل مهاجرت، نحوه مهاجرت و حقوق پناهندگان در حقوق بین الملل بسیار دستخوش تغییر شده است.

هرچند این بحث از حیثه تخصص من خارج است اما چند مطلب در این رابطه به نظرم می‌رسد که خدمتان عرض می‌کنم. یکی در مورد بخش اول یعنی علل جدا شدن افراد از کشور خود، که عرض کردم بسیار دچار تغییر شده و دیگر مسئله کنوانسیون ۱۹۵۱ نیست و امروز مسائل بسیار متفاوت است و جان انسانها به خاطر عواملی در خطر است که قبلاً اینگونه نبوده است. الان حدود ۶ سال است که گروه جدیدی به این مسئله پیوستند و در فرانسه و سوئد دادگاهها به آن رای داده اند که این هم می‌تواند یک مبنای تازه ای برای پناهندگی باشد و آن پناهندگان محیط زیستی هستند یعنی کسانی که در کشورشان آبی برای خوردن وجود ندارد مثل شمال آفریقا که آب در آن وجود ندارد یا آنقدر گران است که افراد توان دسترسی به آن را ندارند و برای اینکه نمیرند باید به جای دیگری بروند و یا محل زندگی شان آنقدر سرد است که امکان زندگی برای افراد باقی نمی‌ماند و این یکی از عواملی است که از سوی پاره ای از کشورها و دادگاه ها پذیرفته شده است که نشان دهنده گسترش این مسئله است.

مطلب دیگری که طی ده سال گذشته خیلی مهم شده است مسئله تعریف محل امن از نظر حقوقی است و علت اینکه این سوال پیش آمده این است که خیلی از پناهنجویانی که از آفریقا یا کشورهای در حال جنگ مثل سوریه، عراق و حتی افغانستان و... خودشان را به ترکیه یا یونان می‌رسانند و از طریق قایق به هر ترتیبی که شده می‌خواهند خودشان را به مالت یا ایتالیا برسانند و هر سال تعداد زیادی از اینها غرق می‌شوند، یک مشکل اساسی در این رابطه این است که قایق های نجاتی که می‌روند تا اینها را نجات بدهند آنها را به کجا باید ببرند؟ صرف نظر از اینکه تابعیت خود آن قایق مال کجاست. چرا که بسیاری از افراد بودند که به صورت خصوصی قایق های بزرگ کرایه کرده بودند و برای نجات مردم رفته بودند و خیلی ها را هم نجات دادند و با خودشان به سوئد یا جاهای دیگر بردند. مسئله حقوقی که در این باره پیش می‌آید این است که پس از اینکه این افراد توسط قایقهای نجات شخصی به جایی برده شدند تکلیفشان چه می‌شود؟ آیا اولین کشوری که به آنجا می‌روند در قبال اینها مسئول است یا نزدیکترین کشور، کشوری که تعداد پناهندگان کمتری دارد یا کشوری که امکان بیشتری برای پذیرش آنها دارد، و این موضوعی است که الان در اتحادیه اروپا مورد بحث است و همه به دنبال این هستند که یک تعریف جامعی از محل امن ارائه دهند تا کشورها تکلیف خود را بدانند.

مطلب دیگری که می‌خواهم بگویم در رابطه با مشکل سوم یعنی زمانی است که افراد وارد یک کشوری شدند و به هر ترتیبی پناهندگی گرفتند. در این زمان ما بیشتر به وظایف کشور پذیرنده فکر میکنیم چرا که احتیاج به کمک دارند و باید به آنها رسیدگی شود، ولی در واقع و در عمل وقتی شما با این گروهها مواجه می‌شوید متوجه می‌شوید که تفاوت‌ها بسیار زیاد است که این پناهندگان اهل کجا هستند؟ سوریه، آفریقا، افغانستان یا کشور دیگری، همه اینها سعی می‌کنند خودشان را با شرایط جدید انطباق بدهند و در واقع جزئی از جامعه بشوند. در واقع عده‌ای از اینها به دنبال انطباق خود با محل جدید هستند و عده‌ای دیگر به صورت ارادی عکس این عمل را انجام می‌دهند که این مشکل سومالیایی‌ها در اکثر کشورهای اروپایی است که این افراد در هر جامعه‌ای گروهی را به صورت یک دهکده کوچک تشکیل داده‌اند و به شدت خودشان را حفظ کرده‌اند که با افراد آن جامعه یکی نشوند و بچه‌های آنها هم باید مانند خودشان رفتار کنند و سایر کارهای دیگری که انجام می‌دهند و نتیجه آن بعد از بیست سال این می‌شود که آن بچه‌ها خودشان را در آن کشور تبعه درجه سه‌ای می‌بینند که هیچ کاری نمی‌توانند بکنند، نمی‌توانند کار پیدا کنند، با کسی رقابت کنند و... که البته علت آن برای خودشان هم مشخص نیست. بنابراین علت اصلی و مشکل جدی این است که در واقع یک عده زیادی احتیاج به پناهجو شدن دارند تا جانشان را نجات دهند و زندگی بهتری داشته باشند اما از سوی دیگر افرادی هستند که این امکان را پیدا می‌کنند اما از آن به خوبی استفاده نمی‌کنند.

با این بحث می‌خواستم خدمتتان عرض کنم که مسئله حقوق پناهندگان یک مسئله بسیار پیچیده‌ای است. خواسته‌های پناهندگان، امکانات کشورها و...، کشورهایی هستند مانند سوئد که واقعا صمیمانه سعی در پذیرش پناهندگان دارند و حتی بیشتر از ظرفیتشان هم آنها را پذیرش کرده‌اند اما در شرایطی افتاده‌اند که بسیار خسته شدند و احساسات ضد خارجی شدیدی در کشورشان ایجاد شده است. در پایان باید برای سازمان ملل متحد آرزوی موفقیت کرد که به طریقی این مشکل را حل کند که هم متقاضیان واقعی پناهندگی بتوانند پناه بگیرند و هم به هر ترتیبی که لازم است پناهجویان متوجه اهمیت این مسئله بشوند که باید خودشان را با جامعه جدید وفق بدهند و سعی کنند از امکانات آن جامعه استفاده کنند.

در انتها کلمه‌ای در رابطه با موضوع جلسه پخش شد و جلسه پس از پرسش و پاسخ به پایان رسید.

گزارش نشست تخصصی «روندهای اخیر در قضاوت بین‌المللی و حل اختلافات بین‌المللی در آسیا»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی نشست تخصصی با عنوان «روندهای اخیر در قضاوت بین‌المللی و حل اختلافات بین‌المللی در آسیا» روز چهارشنبه ۳ آذرماه ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ در سالن خیام برگزار کرد. در این نشست جمعی از اساتید، اعضای انجمن و دانشجویان علاقمند حضور داشتند.

در ابتدای نشست، رییس انجمن، ضمن عرض خیرمقدم، از کسانی که به دعوت انجمن ایرانی سازمان ملل متحد پاسخ داده و در جلسه حضور پیدا کردند سپاسگزاری نمودند.

در بخش اصلی نشست آقای پروفسور پیاک هیون - استاد دانشگاه سئول (کره جنوبی)، رئیس انجمن آسیایی حقوق بین‌الملل و قاضی دیوان بین‌المللی دریاها-سخنان خود را در موضوع روندهای اخیر در قضاوت بین‌المللی و حل اختلافات بین‌المللی در آسیا ایراد نمودند. ایشان طی سخنان خود به بیان برخی اختلافات حقوقی میان کشورهای آسیایی، رابطه میان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل و تکثر نهادهای قضایی در دنیا پرداختند.

پس از ایشان آقای دکتر ممتاز نیز پیرامون این موضوع مطالبی ارائه نمودند و سؤالی در ارتباط با تعریف جزایر و همچنین گفتگوی حقوق دانان بین‌المللی در سال گذشته در آلمان درباره حل و فصل اختلافات در دریاها و اقیانوسها مطرح نمودند.

در پایان نشان انجمن به آقای پروفسور پیاک هیون اهدا شد و بر اساس گفتگوهای انجام شده مقرر گردید در آینده همکاریهای بیشتری میان انجمن آسیایی حقوق بین‌الملل و انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد صورت گیرد.

در نهایت این جلسه پس از پاسخ دادن آقای پروفسور هیون به پرسشهای مطرح شده از سوی شرکت کنندگان و علاقمندان به پایان رسید.



گزارش مجمع عمومی نوبت اول انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

پیرو آگهی مندرج در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۵، جلسه مجمع عمومی نوبت اول انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در خانه اندیشمندان علوم انسانی و تحت نظارت نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خانم آموزگار برگزار گردید.

بر اساس اساسنامه و رسمیت یافتن مجمع، در ابتدا اعضای هیئت ریسه برگزاری مجمع عمومی، آقای سفیرباقر اسدی، آقای دکتر جمشید ممتاز، خانم نازنین قائم مقامی و آقای دکتر حسین شریفی طراز کوهی جهت اداره جلسه و انجام فرآیند انتخابات در جایگاه خود مستقر شدند و پس از آن طبق دستور کار مجمع، رییس هیئت مدیره انجمن دکتر نسرين مصفا ضمن عرض سلام و خیرمقدم حضور اساتید و اعضای محترم پیوسته انجمن، به بیان گزارش عملکرد هیات مدیره انجمن از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ پرداختند. ایشان همچنین به این موضوع اشاره داشتند که از سال ۱۳۹۲ گزارش فعالیت‌های انجمن به صورت سالانه تهیه شده است و امسال نیز گزارش فعالیت‌های سال ۱۳۹۴ آماده و منتشر گردیده و همچنین بر روی سایت انجمن قرار می‌گیرد. سپس آقای دکتر ضیایی بیگدلی -بازرس انجمن- گزارشی از مجموع فعالیت‌ها و عملکرد هیئت مدیره در چارچوب اساسنامه و رعایت مقررات توسط هیات مدیره ارائه نمودند. بعد از ایشان نیز خزانه دار انجمن، دکتر

حسن سواری به بیان گزارش مالی انجمن طی این سه سال پرداختند که در نهایت این گزارشها به تصویب مجمع عمومی رسید.

در ادامه و با آغاز انتخابات هیئت مدیره، ۱۳ نفر از اساتید و اعضای پیوسته انجمن جهت کاندیداتوری هیئت مدیره و بازرسین اعلام آمادگی نمودند. در نهایت و پس از انجام فرآیند رأی گیری و شمارش آرا توسط اعضای هیئت ریسه مستقر، نتیجه انتخابات به ترتیب زیر اعلام گردید:

اعضای هیئت مدیره:

خانم دکتر نسرین مصفا (۳۸ رأی)

آقای دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی (۳۵ رأی)

آقای دکتر ابراهیم بیگ زاده (۳۴ رأی)

آقای دکتر پوریاعسگری (۲۵ رأی)

آقای دکتر بهرام مستقیمی (۲۴ رأی)

آقای دکتر محسن عبدالهی (۱۸ رأی) عضو علی البدل

آقای دکتر حسن سواری (۱۳ رأی) عضو علی البدل

بازرسین:

آقای دکتر سید قاسم زمانی (۲۷ رأی)

خانم دکتر هیلدا رضایی (۱۷ رأی) بازرس علی البدل

در پایان صورت جلسه تنظیم شد، تا فرایند قانونی آن طی گردد.

نشست تخصصی ارزیابی یک دهه فعالیت شورای حقوق بشر ۲۰۱۶-۲۰۰۶

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی نشست تخصصی با عنوان «**ارزیابی یک دهه فعالیت شورای حقوق بشر ۲۰۱۶-۲۰۰۶**» در تاریخ ۱ دیماه ۱۳۹۵ در سالن خیام خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار نمود.

این جلسه که با استقبال فراوانی از سوی علاقمندان روبه رو شده بود با عرض خیر مقدم و خوشامدگویی رییس انجمن - دکتر نسرين مصفا- به حضار محترم و تشکر ایشان از تشریف فرمایی اساتید ارجمند جهت سخنرانی در این نشست آغاز گردید. ایشان همچنین ضمن بیان مقدمه ای در رابطه با شورای حقوق بشر و ارائه معرفی مختصری از سخنرانان جلسه، از آنها دعوت کردند تا به بیان مطالب خود بپردازند. سخنرانان جلسه هر سه نفر از صاحب نظران حقوق بشر در ایران بودند. دکتر شریفی طراز کوهی استاد دانشگاه، با سابقه تالیفات متعدد و معتبر و آموزش دروس حقوق بشر، آقای حسین رضوانی، رییس اسبق اداره حقوق بشر وزارت امور خارجه و تجربیات گسترده در مشارکت در مجامع بین المللی حقوق بشر و دکتر محمودرضا گلشن پژوهشگر و مدرس و پژوهشگر موضوعات حقوق بشر به ویژه در سازمانهای غیردولتی که مکرر در جلسات شورای حقوق بشر مشارکت داشته اند.

دکتر شریفی طراز کوهی به عنوان اولین سخنران با این مقدمه بحث خود را آغاز کردند که هرگونه تامل و تدبیر در حوزه حقوق بشر باید در پرتو واقعیتهای تاریخی باشد که در آن فضا، شورای حقوق بشر ایجاد شده است. اگر آن زمینه ایجاد شورای حقوق بشر را نبینیم شاید یک توقع بیش از حد خوشبینانه ای ایجاد شود که شورای حقوق بشر قرار است به وجود بیاید تا تمام مشکلات اجرایی یا سیاسی حقوق بشر را حل کند. ایشان سخنان خود را اینگونه ادامه دادند: «من حقوق بشر را در قالب سه گفتمان می بینم. گفتمان اول فلسفی نظری است، گفتمان دوم قانونی و گفتمان سوم سیاسی اجرایی است. بر این موضوع تاکید دارم که در چهارچوب گفتمان سوم است که باید شورای حقوق بشر را تحلیل کرد، اما روند بررسی شورای حقوق بشر را که مورد توجه قرار می دهیم می بینیم که به این سه گفتمان توأمان توجه دارد. به عبارتی ارتباط این سه گفتمان را ما در فرآیند بررسی شورای حقوق بشر می بینیم. درک اینکه به چه علت در گفتمان سیاسی اجرایی به ضرورت وجود یک تغییر در نظارت رسیدیم شاید به یک مقدمه شبه تئوریک ارتباط پیدا کند که به اجمال آن را بیان میکنم. در حقوق بین الملل دو پارادایم داریم. یک پارادایم یا مکتب فکری منسوب به گرسیوس است که حاکمیت محور است و مطلب دوم به مکتب کانتی معروف است. نظارت در اعمال و اجرای حقوق بشر در چارچوب گفتمان گرسیوسی یا مکتب کانتی حقوق بین الملل بنا بر شواهد تاریخی همیشه با دومانع عمده مواجه بوده است. یک مانع نقش دولت ها است. بنابر نظریات بسیاری از حقوقدانان و تجربه موجود در حوزه اعمال و اجرای حقوق بشر دولت ها نوعا به عنوان مانع ظاهر شده اند. خصوصا در

کشورهای جهان سوم این مانع بودن بیشتر مشاهده میشود. مانع دوم برخلاف مانع اول که ساختاری است، یک مانع روانی یا ذهنی می باشد. به عبارتی متغیرهایی در اعمال اجرا که ما را به نوعی نسبی گرایسی رهنمون می کنند که یک جنبه فرهنگی، یک جنبه تاریخی، قومی و نژادی دارد شاید خیلی با هنجارهای حقوق بشر که در مقوله هایی تاکید می کند که نوعی اجتناب در آنها قابل توجه است، مقاومت می کردند لذا شما دو نوع نظام نظارتی را که ما در سیستم حقوق بین الملل مشاهده می کنیم که یک سیستم مبتنی به خود منشور ملل متحد است و یک سیستم که مبتنی بر معاهدات بین المللی است، هر دو عامل یعنی هم عامل دولتی و هم ذهنی روانی واقعا در طول تاریخ قبل از حقوق بشر نقش بی بدیل منفی ای را ایفا کرده است.»

دکتر شریفی همچنین به ارائه توضیحاتی در رابطه با اساس حقوق بین الملل پرداخته و دکترین حکمرانی مطلوب و دکترین امنیت انسانی را در همین چارچوب تحلیل کردند.

ایشان در بخش بعدی صحبت های خود در خصوص وجوه تمایز نظام های نظارتی شورای حقوق بشر نکاتی را ارائه نمودند: «اولین وجه تمایز یوپی ار (گزارش ادواری دولتها به شورای حقوق بشر) این است که برخلاف نظام های قبلی، دولت را لزوما در مقابل خودش قرار نمی دهد و در این چارچوب دولت ها نقش مشارکتی دارند یعنی یوپی آر به نوعی دولت ها را وادار به مشارکت می کند. ویژگی دوم به رسمیت شناختن نهادهای جامعه مدنی است و معروف است که این نهادها حلقه واسط میان مردم و حکومت هستند، یا برخی معتقدند که این نهادها ترجمان افکار عمومی هستند. آنچه که در تاریخ دولت محوری در نگاه وستفالیایی مشاهده می شود این است که این نهادها همیشه با مانع مواجه بوده اند و حتی در برخی از کشورها این نهادها در حکم نهادهای جاسوس تلقی می شوند. خصوصا زمانی که سازمان های حقوق بشری به برخی از این نهادها نقش مشورتی می دادند مسئولیت آنها را بیشتر می کردند. در یوپی آر نقشی به این نهادها داده شده است که دولت ها مجبور به تعامل با آنها هستند. در توصیه نامه ای که در دور سوم یوپی آر منتشر شده است بر این موضوع تاکید می شود که در فاصله گزارش های دور دوم تا سوم دولت ها باید با نهادهای جامعه مدنی ارتباط داشته باشند. در واقع آنقدر این نقش این نهادها برای ارزیابی و سنجش داده ها در گزارش ملی اهمیت دارد که مرکز تخصصی مربوطه در این خصوص سیستمی را به نام پیش جلسه طراحی کرده است که بر اساس آن سازمان های غیر دولتی در قالب این برنامه می توانند در تهیه گزارش ملی کشور خود دخالت کنند و اظهار نظر نمایند و متقیم راجع به کشورشان صحبت کنند. در واقع در این زمان است که دولت ها متوجه می شوند که باید با این نهادها رابطه تنگاتنگی داشته باشند، به عبارت دیگر این نهادها در چارچوب یوپی آر به رسمیت شناخته شده اند، یعنی آن نقش مانع بودن در اینجا با کمک خود دولت ها که در این سیستم در حال فعالیت هستند نقش بی بدیلی به این نهادها می دهند که از نظر من این سازمان های غیردولتی که قبول کنند فقط نقش مدنی داشته باشند، نهادهایی که نقش خود از حوزه مدنی به بخش سیاسی ببرند به این فرآیند لطمه می زنند و آن نقش حل مسئله ای که از آنها انتظار می رود از بین می رود. ویژگی دیگر یوپی آر همان توصیه ها می باشد. این توصیه ها انواعی دارد اما موضوعی که اهمیت دارد این است که این توصیه ها از بطن گزارش ملی بیرون می آیند، فراتر از گزارش ملی نیستند. در

اصول حاکم بر بررسی گزارشات بسیار تاکید شده است و شورای حقوق بشر باید به وضعیت خاص دولتها تاکید کند و در واقع اگر توصیه هم می‌کند متوجه است که آن کشور از نظر جغرافیا در کدام منطقه قرار گرفته است، شاخص‌های توسعه آن چیست و سایر موارد دیگر. آن چیزی که از اهمیت برخوردار است این است که واکنش دولت‌ها به این توصیه‌ها چیست. مثلاً در دور اول به کشور مالزی ۱۰۳ توصیه شده است که مالزی پس از بررسی ۶۲ مورد از آنها را پذیرفته است به این معنی که امکان عمل به این توصیه‌ها وجود دارد. در دور دوم که مباحث جزئی‌تر می‌شوند ۲۳۵ توصیه به مالزی می‌شود که همه آنها جنبه ارتقا و حمایت از حقوق بشر را دارند، بنابراین این توصیه‌ها به این معنا است که کشورها می‌پذیرند که به کارشان نظارت شود.»

دکتر شریفی طراز کوهی در نهایت با اشاره به این نکته که ارزیابی، توصیه‌ها و راهکارهای ارائه شده در زمینه حقوق بشر باید بسیار تخصصی و کارشناسانه باشند و ورود کشورها بر این مبحث بر اساس نگاه سیاسی صورت نگیرد چرا که موجب لطمه به نقش اصلی این نهاد می‌شود به سخنان خود پایان دادند.

پس از آقای دکتر شریفی آقای رضوانی-مدیر گروه حقوقی و بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی-به بیان صحبت‌های خود پرداختند. ایشان بحث خود را با عبور از گفتمان‌های نظری، تاریخی، حقوقی و سیاسی شروع کرده و بیشتر بحث خود را متمرکز بر گفتمان ساختاری و شبکه‌های پیچیده نظارتی نهادهای متولی حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه دادند و افزودند: «نکته‌ای که در ارزیابی شورا یا کمیسیون حقوق بشر باید مدنظر باشد این است که بدانیم در رابطه با یک موجودیت بین‌الدولی همراه با تمام خصوصیات که دارد صحبت می‌کنیم. محور اصلی بحث بررسی رویکرد کلان نهادهای متولی صیانت از حقوق بشر است که از ابتدا معطوف به رویکردی است که از آن به عنوان حمایتی نام برده می‌شود. قطعنامه‌ای که من در خلال مدت زمانی که در نیویورک بودم طرح کردم و پیش بردم که نهایتاً تصویب شد تحت عنوان قطعنامه حقوق بشر و توسعه همکاری‌های بین‌المللی بود. در واقع منای توجیه و دلیل ایجاد این قطعنامه ناظر بر تفکیک این دو رویکرد بود. یعنی یکی رویکرد ترویجی با ویژگی‌های همکاری، گفتمان، تقویت ظرفیت‌های ملی و تعلق به سیستم‌های پیشرو که بالطبع سازندگی خوبی هم در آن مشاهده می‌شود. رویکرد دیگر حمایتی است که از جمله ویژگی‌هایش می‌توان به سیستم نظارت یا تقویت سیستم نظارت بر موارد نقض اشاره کرد که برای انجام این نظارت به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود.»

آقای رضوانی همچنین بیان داشتند که: «حاصل دغدغه‌های جامعه بین‌المللی و نقد و انتقادات به ادامه روش کمیسیون حقوق بشر در فضای سازمان ملل باعث ایجاد جریان فکری شد که توانست یک فرآیندی را در گروه کشورهای غیرمتعهد به وجود آورد و آنها با پیگیری مستمرشان در هر مناسبت این جریان را به اینجا رساندند که کمیسیون با توجه به این رویکردی که دارد دیگر نمی‌تواند منشأ خدماتی که در منشور سازمان ملل برایش تعریف شده، باشد. چرا که حالت سیاسی شدن و گرایش‌های سوء استفاده‌های سیاسی با توسل به این شاخص‌ها یعنی استانداردهای دوگانه، برخوردهای انتخاب

گرایانه، به کارگیری اهرم‌های مختلف سیاسی اعم از دوجانبه یا چند جانبه، استفاده سوء از ضعف‌ها و کاستی‌های آئین نامه ای هم در کمیسیون و هم کمیته سوم مجمع عمومی ایجاد شده بود. به طور کل حاصل همه نقدها به اینجا انجامید که با انحلال کمیسیون، شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ و قطعنامه تأسیس ایجاد گردید که در این قطعنامه بسیاری از دغدغه‌های کشورهای که عامل این تحول بوده اند آمده است. از جمله آن ملاحظات و ادبیات مکتوب این است که کشورها بایستی از توسل جستن به معیارهای دوگانه و برخوردهای غیرشفاف پرهیز کنند و بر عینی‌گرایی، شفافیت و بحث برخورد یکسان با مقوله حقوق بشر بدون هیچ تبعیضی تأکید شده است.»



ایشان در پایان به تشریح ابعاد رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر پرداختند و به این نکته تأکید کردند که اگر قرار است به بررسی عملکرد و سازوکارهای نظارتی حقوق بشر بپردازیم باید از زاویه دغدغه‌ها، مصالح و منافع ایران باشد.

سخنران سوم این نشست آقای دکتر محمود رضا گلشن پژوه-پژوهشگر ارشد حقوق بشر-بودند که مطالب خود را با عنوان «دلایل شکل‌گیری شورای حقوق بشر» در قالب پاورپوینت ارائه نمودند.

جهت دسترسی به فایل پاورپوینت دکتر گلشن پژوه که جهت ارائه در این جلسه توسط ایشان تهیه شده است به سایت انجمن مراجعه نمایید.

همچنین جهت دسترسی به فایل صوتی این نشست به سایت انجمن مراجعه نمایید.

گزارش همایش تخصصی «موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر پرونده‌های جزایر مارشال علیه قدرت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای»

تهیه و تنظیم: دکتر هیلدا رضائی

دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، همایش ملی را با عنوان «موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر پرونده‌های جزایر مارشال علیه قدرت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای» در روز شنبه مورخ ۴ دیماه ۱۳۹۵ در دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، سالن علامه جعفری برگزار نمود.

این نشست با خیرمقدم از شرکت‌کنندگانی که در این برنامه حضور پیدا کردند آغاز گردید، سپس جناب آقای دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، به عنوان اولین سخنران در پنل اول به موضوع دیوان و سلاح‌های هسته‌ای، مصلحت‌اندیشی یا عدالت‌گستری پرداختند. سپس به اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری از آغاز فعالیت خود تاکنون در سه مورد در قضیه سلاح‌های هسته‌ای ورود پیدا کرده است، اشاره نمودند. اول - قضیه آزمایشات هسته‌ای در دعوای استرالیا علیه فرانسه و دعوای همزمان نیوزلند علیه فرانسه در سال ۱۹۷۳ که منجر به صدور آراء در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۴ شد. دوم - نظریه مشورتی ۸ ژوئیه سال ۱۹۹۶ در موضوع قانون بودن تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای و سوم - تعهد به مذاکره برای توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای یا خلع سلاح هسته‌ای، دعوای جزایر مارشال که ابتدا علیه ۹ کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای که بهد به ۳ کشور محدود شد و در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ آراء آن صادر شد. سپس ایشان به تحلیل موارد مذکور پرداختند.

پس از دکتر ضیایی بیگدلی جناب آقای دکتر ابراهیم بیگ زاده در ارتباط با اینکه آیا در حقوق بین‌الملل، ممنوعیت یا عدم ممنوعیتی در خصوص سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد یا خیر سخنان خود را ارائه نمودند و در ادامه حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل عرفی، تنوع سلاح‌های هسته‌ای و معاهدات دو جانبه را مورد بررسی قرار دادند.

در پنل دوم جناب آقای دکتر محسن محبی به عنوان اولین سخنران، آراء مخالف برخی قضات را در پرونده‌های جزایر مارشال مورد بررسی قرار دادند و به این موضوع اشاره داشتند که رأی جزایر مارشال، تحول مهمی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و یکی از مقطع‌هایی به شمار می‌رود که تاریخ حیات دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌توان به کمک آن رقم زد. ایشان همچنین جایگاه رأی و اهمیت آن را متذکر شدند.

در ادامه جناب آقای دکتر حسن سواری به عنوان دومین سخنران در این پنل سخنان خود را با موضوع «آغاز رویکرد فرمالیسم دیوان بین‌المللی دادگستری در تنافی با رسالت این نهاد بین‌المللی» ارائه نمودند. ایشان این موضوع را در سه بخش مورد بررسی قرار دادند: بخش اول - اصل حل و فصل اختلافات حقوقی و غیرحقوقی به عنوان مطلوب اولویت دار در جامعه بین‌المللی، بخش دوم - بحث رسالت دیوان بین‌المللی دادگستری که چرا رویکرد شکلی افراطی با رسالت این نهاد

بین المللی منافات دارد و بخش سوم-تزلزل دیوان(بی ثباتی رویکردی که دیوان بین المللی دادگستری در این مدت اتخاذ کرده است و رجحان رویکرد رئالیستی و شکلی).

جناب آقای دکتر حسین سادات میدانی به عنوان آخرین سخنران در این پنل به بحث تعهد به مذاکره و نظر مشورتی سال ۱۹۹۶ و اینکه چگونه تعهد به مذاکره می تواند به عنوان راه حلی جهت خلع سلاح هسته ای به کار رود پرداختند.

در پنل سوم جناب آقای دکتر پوریا عسکری به بحث حقوق بشر و سلاح های هسته ای پرداختند. بحث ایشان در دو فصل ارائه و تشریح گردید یکی مباحث کاملاً فنی حقوق بشر و اینکه آیا اصولاً می شود در حوزه مربوط به تسلیحات هسته ای از حقوق بشر هم یاری گرفت یا خیر؟ دوم به لحاظ نظری آیا می شود از گفتمان حقوق بشر کمک گرفت و رویکرد متفاوتی نسبت به این بحث داشت یا خیر.

پس از ایشان سرکار خانم دکتر حسینی به عنوان آخرین سخنران با تأکید بر مباحث دکتر عسکری به بحث حقوق بشر دوستانه و سلاح های هسته ای پرداختند.

در نهایت این همایش با مراسم تقدیر از تیم موت کورت دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس پایان پذیرفت.



نشست تخصصی «منع برده داری نوین»

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد نشستی تخصصی با عنوان «منع برده داری نوین» در روز پنجم دی ماه ۱۳۹۵ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

در این نشست ابتدا آقای دکتر اردبیلی، برده داری نوین را از بُعد حقوق کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند.

سپس آقای دکتر عباسی قاچاق انسان در عصر کنونی و آقای دکتر رنجبر استعمار کودکان کار را به عنوان مصادیقی از برده داری نوین مورد بحث قرار دادند.

در ادامه آقای دکتر ویژه منع کار اجباری و حق انتخاب آزادانه شغل توسط شهروندان را بررسی نمود، خانم زهرا صدیق کارشناس اداره بین‌الملل امور زنان وزارت امور خارجه، گزارش و آماری از استعمار جنسی زنان در سالهای اخیر ارائه کردند.

در انتها خانم دکتر مصفا رییس انجمن، ضمن جمع‌بندی مباحث فوق از سخنرانان تقدیر بعمل آوردند.

جهت دسترسی به فایل صوتی این نشست لطفاً به سایت انجمن نمایید.



نشست تخصصی «بررسی فعالیت کمیته حقوقی اجلاس سال ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد نشست تخصصی با عنوان «بررسی فعالیت کمیته حقوقی اجلاس سال ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد» در روز چهارشنبه ۸ دی ماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

این نشست با خوش آمد گویی رییس انجمن خانم دکتر نسرین مصفا آغاز گردید.

آقای دکتر جمشید ممتاز سخنران ابتدایی این جلسه بودند که اینگونه سخنان خود را آغاز نمودند:

به عنوان مقدمه لازم است بیان شود تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل مورد توجه تدوین کنندگان منشور ملل متحد بوده است و بند ۱ ماده ۱۳ این مهم را بیان کرده است. این مسئولیت از طرف مجمع عمومی به کمیته ششم یا کمیته حقوقی واگذار شده است.

از طرفی دو سال بعد از شروع فعالیت مجمع، دول شرکت کننده به این نتیجه رسیدند که باید تفکیکی میان اموری که جنبه سیاسی آن قوی تر است از اموری که جنبه حقوقی قوی تری دارد تفکیک قائل شد و موضوعاتی که اصالتاً جنبه حقوقی بیشتری دارند به کمیسیون حقوق بین الملل محول می شود. تا حدود ۱۶ سال پیش این تفکیک مدنظر بوده است، اما از ۱۶ سال پیش شاهد بررسی یک دسته از موضوعات توسط کمیته ششم هستیم. یعنی موضوعاتی که در دستور کار کمیسیون بوده و فعالیت کمیسیون به اتمام رسیده و طرح هایی را تهیه و به کمیته ششم و نهایتاً به مجمع عرضه داشته است، ولی وضعیت حقوقی این اسناد و فعالیت های کمیسیون معلق باقی مانده است. و این سبب شده که عده ای این نظر را ارائه دهند که خروجی کمیسیون به حداقل رسیده است و نقشی در تدوین و توسعه حقوق بین الملل ندارد. در صورتی که این سیاست کمیسیون است که خروجی قراردادی نداشته باشد.

به طور کلی تحولات جدیدی در مبنا و گستره ی "حقوق سازی" در حال شکل گیری است. حقوق بین الملل دیگر صرفاً از طریق انعقاد معاهدات بین الدولی توسعه نمی یابد. بلکه در کنار این روش، نهادهایی همچون کمیسیون حقوق بین الملل و کمیته حقوقی سازمان ملل متحد به صورت تدریجی در پی ساخت و پرداخت حقوق بین الملل از طریق تولید حقوق نرم هستند. رویه کمیسیون حقوق بین الملل نشان داده است که در

بسیاری از موارد طرح‌هایی که در قالب معاهده به دولت‌ها عرضه کرده است، یا هرگز لازم‌الاجرا نشده‌اند، یا سال‌ها طول کشیده تا لازم‌الاجرا شوند و یا با اصلاحات محتوایی و گاهی مبنایی دولت‌ها مواجه شده است. این درحالی است که رویه کمیسیون در سال‌های اخیر این بوده که توسعه تدریجی حقوق را با روش‌های دیگری پی‌بگیرد. اوج این رویکرد را در تدوین طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها سال ۲۰۰۱ می‌بینیم که به طور مثال، رویه قضایی بین‌المللی تنها ۳ سال بعد در نظر مشورتی خود درباره مشروعیت تهدید و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به اصولی از آن استناد کرده است.

در مجموع نقش کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته حقوقی سازمان ملل متحد و همچنین قضاوت در حقوق‌سازی، متحول شده است و این تحول به معنای انفعال این نهادها نیست، بلکه به معنای تغییر رویکرد و تحول در منابع حقوق بین‌الملل است به نحوی که دیگر نمی‌توان دکترین و رویه قضایی را لزوماً منابع فرعی حقوق بین‌الملل تلقی کرد.

سپس آقای سید علی موسوی در خصوص مسائلی که فی‌نفسه در دستور کار کمیته ششم هست مطالبی را بیان کردند:

فضای کاری این کمیته، به گونه‌ایست که هر ساله مجموعه‌ای از افکارسازی‌های حقوقی شکل می‌گیرد. ایده تولید می‌شود و به تبع آن قواعد حقوقی شکل می‌گیرد.

کمیته ششم هر ساله فرصتی است برای فعالان حقوق بین‌الملل تا نظرات خود را ارائه کنند؛ چه در قالب دولتی و چه غیر دولتی.

در اجلاس امسال فضای فعالانه تری شکل گرفته بود که بیشتر به دلیل انتخابات کمیسیون بود.

مباحثی که در اجلاس امسال کمیته ششم مطرح شد:

- اقدام برای امحاء تروریسم بین‌المللی

- حاکمیت قانون در عرصه ملی و بین‌المللی

- مسئولیت کیفری مقامات و کارشناسان ملل متحد در محل مأموریت

- مسئولیت دولت‌ها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی

حمایت دیپلماتیک

- وضعیت پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو
 - بررسی اقدامات موثر برای ارتقاء ایمنی و امنیت نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی
 - اجرای عدالت در سیستم ملل متحد
 - صلاحیت جهانی و حدود و ثغور آن
 - درخواست‌های اعطاء مقام ناظر به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.
- ایشان به بحث حاکمیت قانون به طور مفصل پرداختند.
- با استناد به معادل فرانسوی حاکمیت قانون به این نتیجه خواهیم رسید که حکومت قانون بسته به حکومت حقوق است که مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را شامل می‌شود. اما عناصر آن چیست؟
- اولین گزارش مربوط به آقای کوفی عنان در سال ۲۰۰۴ است. در این گزارش به مباحث متعددی اشاره شده است و زمینه ساز پاراگرافی شد که در گزارش ایشان در سال ۲۰۰۵ انعکاس پیدا کرد.
- پاراگراف ۱۳۴ به موضوع حکومت قانون پرداخته است.
- برآمد اجلاس ۲۰۰۵ که به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس سازمان ملل بود نیز این موضوع مطرح شد و در اجلاس شصت و یکم به عنوان قطعنامه‌های ده‌گانه مجمع عمومی ارائه شد.
- از اجلاس شصت و یکم تا بحال، مجمع عمومی در قالب کمیته ششم هر ساله به این موضوع پرداخته است.
- نقطه ضعف این گزارش‌ها تکراری بودن آن است و مجموعه‌ای از قواعد را لزوماً در بر نگرفته است.
- مباحث مطرح شده به دو دسته کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باز می‌گردد.
- کشورهای در حال توسعه تأکید بر رعایت قانون برآمده از حقوق بین‌الملل در عرصه بین‌المللی می‌کنند.
- کشورهای توسعه یافته مدعی هستند حقوق بشر باید در کشورهای دیگر رعایت شود تا مورد اول محقق شود.
- در اجلاس امسال دو موضوع در این خصوص مطرح شد:

۱. کشورها، رویه‌های موفقیت آمیزی که در اجرای قواعد بین‌المللی داشتند ارائه کنند.

۲. کشورها اقدامات خوب خود را در خصوص چگونگی دسترسی آسان گروه‌های آسیب پذیر نسبت به فرآیند دادرسی عادلانه بیان کنند.

نتیجه:

ما در روند بررسی این مفهوم در ابتدای کار هستیم و جامعه بین‌المللی همچنان بنا را بر این ندارد که این مفهوم را در عرصه بین‌المللی بپذیرند و باید اقدامات مثبت بیشتری در این خصوص انجام شود.

در ادامه آقای علی گرشاسبی مطالب خود را در سه بخش بیان کردند:

در ابتدا مقدمه‌ای در مورد موضوعات دستور کار کمیسیون ارائه دادند.

سپس موضوعاتی که در حال حاضر در کمیسیون مطرح هستند و پس از آن نمونه‌هایی را در این خصوص ذکر کردند.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سالنامه خود در سال ۱۹۹۷ در پاراگراف ۲۳۸ سه شرط را برای موضوعی که باید در دستور کار کمیسیون قرار گیرد بیان کرده است:

۱. این موضوع باید انعکاس دهنده نیازهای دولت‌ها و نیازهای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و در نهایت تدوین آن باشد.

۲. باید رویه دولتها و یا طرز عمل آنها در خصوص آن موضوع خاص به درجه‌ای از پیشرفت قابل قبول رسیده باشد.

۳. موضوع باید ملموس باشد و عینیت داشته باشد و صرفاً یک موضوع تئوریک و فلسفی نباشد.

در حال حاضر ۹ موضوع در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار دارد.

اولین موضوعی که در دستور کار بوده و در حال حاضر مراحل آخر خود را طی می‌کند، موضوع حمایت از افراد در بلایای طبیعی است که آقای اوسپینا از کلمبیا گزارشگر ویژه این موضوع است که تا به امروز ۸ گزارش ارائه داده‌اند.

موضوع دوم: مصونیت مقامات دولتی در برابر صلاحیت کیفری خارجی است که از سال ۲۰۰۷ در دستور کار هست.

موضوع سوم: توافق بعدی و طرز عمل بعدی در ارتباط با تفسیر معاهدات است.

چهارم: شناسایی حقوق بین الملل عرفی.

پنجم: اجرای موقت معاهدات.

ششم: حمایت از اتمسفر.

هفتم: حمایت از محیط زیست در ارتباط با مخاصمات مسلحانه.

هشتم: جنایت علیه بشریت.

نهم: قواعد آمره.

دو موضوع دیگر که گزارش مقدماتی آن ارائه شده است در خصوص اختلافات بین المللی که سازمانهای بین المللی طرف آن هستند، و جانشینی دولت‌ها در مسئولیت بین المللی احتمال دارد در دستور کار قرار بگیرد.

حال سوال اصلی این است که کار کمیسیون در توسعه حقوق بین الملل چیست؟ آیا جنبه تئوریک دارد یا کاربرد عملی هم دارد؟

حقوق معاهدات ملموس ترین مثال است. طرز عمل بعدی دولت‌ها در تفسیر معاهدات که در حال حاضر در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است.

در این خصوص ۴ خلاء مهم در کنوانسیون وین وجود دارد:

۱. سکوت و تفسیر آن در رویه بعدی: آیا سکوت به منزله پذیرش تعهدات جدید است؟

در گزارش دهم، بند دوم اعلام میکند که سکوت می تواند به معنای پذیرش رویه بعدی دولت باشد زمانی که اوضاع و احوال نیازمند عدم سکوت است.

۲. هنگامی که کنفرانسی در ارتباط با اجرای یک معاهده تشکیل می شود اگر تصمیمی گرفته شود آیا آن تصمیم به منزله تفسیر معاهده است؟

مواد ۳۱ و ۳۲ به این مسأله پاسخ دقیقی نداده است.

۳. سند موسس یک سازمان هنگامی که به تصویب دولت‌ها می‌رسد آیا اقدام بعدی آن سازمان به منزله رویه بعدی است و تعهدآور است؟ گزارش دوازدهم به این مسأله پرداخته است.

۴. نظرات Expert Bodies. افرادی که در ظرفیت شخصی علمی خود نظری در خصوص اجرای یک کنوانسیون می‌دهند آیا تأثیری بر تفسیر کنوانسیون می‌تواند داشته باشد؟



نتیجه:

یکی از کارهای اصلی کمیسیون حقوق بین‌الملل برای ایفای نقش به عنوان نهادی که مسئول توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل است، تکمیل تعهداتی است که شاید سال‌های قبل از طریق کنوانسیون پذیرفته شده است. اما در کنار این کارکرد کمیسیون، باید اشاره کرد معاهداتی هستند که شاید دولت‌ها نپذیرفته باشند اما فعالیت‌های کمیسیون خصوصاً در حیطة عرف، باعث می‌شود تعهدات جدیدی برای دولت‌ها شکل بگیرد که حتی اگر دولت‌ها با اعلام رضایت صریح نپذیرفته باشند باز هم برای آنها ایجاد الزام خواهد کرد.

جهت دسترسی به فایل صوتی این نشست به سایت انجمن مراجعه کنید.

همایش «نقش شورای اقتصادی اجتماعی در تحقق اهداف منشور ملل متحد»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد همایش سالانه خود را با عنوان نقش شورای اقتصادی اجتماعی در تحقق اهداف منشور ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران و خانه اندیشمندان علوم انسانی در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۵ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار نمود.

این مراسم با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و سرود جمهوری اسلامی ایران رسماً آغاز گردید.

در بخش نخست و افتتاحیه این همایش که با حضور جمعی از اساتید و دانش پژوهان برگزار گردید، آقای دکتر عسکری-دبیرکل منتخب انجمن، ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان و تشریح برنامه همایش برای حضار، به بیان اهمیت و دلایل ضرورت برگزاری این همایش پرداختند و همچنین بیان فرمودند که با توجه به اینکه رویکرد انجمن شناساندن هرچه بیشتر ارکان اصلی است، همایش درباره شورای اقتصادی اجتماعی در دستور کار انجمن قرار گرفته است.

سپس آقای رجایی مقدم-معاون مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد-توضیحاتی کلی در خصوص وظایف، عملکرد و جایگاه شورای اقتصادی اجتماعی در سازمان ملل متحد ارائه دادند.

پس از ایشان دکتر نسرین مصفا-رئیس انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد-به بیان مطالب خود پیرامون برگزاری و موضوع همایش پرداختند. ایشان به این موضوع اشاره داشتند که انجمن امسال نهمین همایش خود را برگزار می کند و همواره سعی داشته است که این همایش ها علاوه بر طرح موضوعات علمی در دستور کار ملل متحد و مورد علاقه جهانی، محفلی جهت تجدید دیدار و ارتباط دوستانه انجمن با علاقمندان به فعالیت های علمی باشد.

رئیس انجمن در ادامه ضمن بیان اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع شورای اقتصادی اجتماعی، به این موضوع اشاره داشتند که یکی از ویژگی های این همایش فراهم آمدن فرصت برای اساتید جوان است تا مقالات و صحبت های خود را در ارتباط با موضوع مورد نظر همایش ارائه نمایند. همچنین برای اولین بار است که انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد در راستای اهداف اساسنامه خود، از یک شخصیت بین المللی یعنی دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، حقوقدان برجسته آقای پطرس غالی، تقدیر می کند. ایشان همچنین افزودند: «با توجه به ارتباط و توجهی که پطروس غالی به موضوعات در دستور کار شورای اقتصادی اجتماعی داشتند، تصمیم بر این شد که از این دبیرکل فقید در این همایش یادبودی صورت بگیرد، و چه چیزی بهتر از این که استاد برجسته و مسلم حقوق بین الملل ایران و جهان دکتر جمشید ممتاز که سابقه دوستی و مروت با ایشان داشتند، این مهم را انجام بدهند.»

در ادامه اولین بخش از همایش تحت عنوان "یادبود پطرس غالی دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد" با سخنرانی دکتر جمشید ممتاز و موضوع میراث ثلاثه پطرس غالی: صلح، توسعه، دموکراسی شروع شد و ایشان صحبت‌های خود را اینگونه آغاز نمودند: «۱۹ فوریه سالروز فوت آقای پطروس غالی ششمین دبیرکل ملل متحد است. بعد از فوت ایشان ما شاهد انعکاس گسترده‌ای در جهان بودیم و در خیلی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله ملل متحد و یونسکو برنامه‌هایی به این مناسبت ترتیب داده شد و جا داشت که در ایران هم ما برنامه‌ای در این مورد داشته باشیم و مراسم یادبودی به خاطر از دست دادن این حقوقدان بزرگ برگزار کنیم. طبق صحبت‌هایی که با رییس انجمن مطالعات ملل متحد داشتیم بنابر این شد که در این همایش به این مسئله پرداخته شود. من فکر می‌کنم که انتخاب اینجانب برای به عهده گرفتن این مسئولیت به این دلیل بوده که در طول سیزده سال گذشته بنده این افتخار نصیبم شد که در جلسات متعدد آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه در خدمت آقای پطروس غالی باشم. همانطور که مستحضر هستید آقای پطروس غالی از سیزده سال پیش تا سال گذشته ریاست هیئت امنای آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه را برعهده داشتند و در طول این جلسات من از نزدیک با شخصیت والای این مرد بزرگ آشنا شدم و فرصت‌های متعددی وجود داشت که توانستم با ایشان در مورد مسائل مختلف حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد صحبت‌هایی داشته باشم. بنده اگر بخواهم به صورت خیلی خلاصه ویژگی‌ها و خصوصیات این مرد بزرگ را عرض کنم می‌توانم بگویم که ایشان اهل فکر بود و متفکر بزرگی بود، جسارت و استقلال ایشان هم قابل ستایش بود و این دو ویژگی محورهای ادامه بحث‌های من خواهد بود و کوشش خواهم کرد در قالب این دومحور شخصیت ایشان را به شما معرفی کنم.»

پس از ایشان آقای دکتر حسن سواری به موضوع نقش پطرس غالی در نظام مندرکدن اقدامات قهری مبتنی بر ماده ۴۱ منشور پرداختند. دکتر سواری در ابتدا به بیان نکاتی در مورد شخصیت آقای پطروس غالی پرداختند: «آقای غالی شخصیتی جامع‌الاطراف بود. در عین حال که یک شخصیت دانشگاهی بود، یک دولت‌مرد هم بودند و مشاغل اجرایی متعددی چه در سطح ملی و در کشور مصر و چه در سطح بین‌المللی به عنوان دبیرکل یا مسئولیت‌های دیگری داشتند. ایشان انصافاً خدمات بسیار گرانبغی به حقوق بین‌الملل عرضه داشته‌اند؛ عضویت در نهادهای مختلف، در کمیسیون حقوق بین‌الملل از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱، عضویت در انجمن حقوق بین‌الملل، عضویت در هیئت امنای آکادمی لاهه که آقای دکتر ممتاز اشاره فرمودند، یکی دیگر از خدمات ایشان که به حقوق بین‌الملل و به خصوص به محققین این رشته بود.» دکتر سواری پس از بیان این مقدمه مبحث تعدیل نظام امنیت جمعی را ارائه نمودند.

پنل ابتدایی به سخنان آقای سفیر باقر اسدی (سفیر اسبق اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی نزد نمایندگی نیویورک، و رییس گروه ۷۷ و عضو پانل نخبگان جامعه مدنی دبیرکل ملل متحد) در ارتباط با شناخت، شرح جایگاه، ساختار و مسئولیت‌ها و چالش‌های پیش‌روی شورای اقتصادی اجتماعی مطالبی ارائه نمودند: «شورای اقتصادی اجتماعی طیف وسیعی از وظایف و مسئولیت‌ها را برعهده دارد و آن مسئولیت‌ها در کنار نقش اساسی که شورا برای ایجاد نقش هماهنگی در درون نظام ملل متحد در حوزه اقتصادی و اجتماعی برعهده دارد، قرار می‌گیرند. این نقش هماهنگی شامل هماهنگی درون مجموعه

شورا و بین آنها و طیف وسیع نهادهای ملل متحد، بخش عمده‌ای از تحولات بعدی مربوط به شورا را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. یک وجهی از کارهای شورا شبیه به مجمع عمومی است هرچند که مجمع عمومی نهادی جهانی شمول است و شورا تنها ۵۴ عضو دارد، و آن این است که تصمیمات شورا غیر الزام آور است درست در مقابل و متفاوت از تصمیمات شورای امنیت که ترکیب کوچکتري هم دارد. اما لطف شورا از ابتدا تا کنون تلاش مستمر برای فراهم کردن یک مجمعی برای بحث و گفتگو و هنجارسازی است. ایجاد ارتباط و هماهنگ سازی نهادهای مرتبط حول محورهای موضوعات گسترده تحت صلاحیت شورا بوده است.»

در بخش بعدی از برگزیدگان جلسه شبیه سازی شورای امنیت برای انتخاب دبیرکل که در مهرماه سال ۹۵ از سوی انجمن برگزار شده بود، و همچنین مسابقات موت کورت سال ۲۰۱۶ با حضور دبیر کمیته ملی حقوق بشر دوستانه بین المللی و رییس نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران تقدیر و تشکر به عمل آمد.

در بخش بعدی این همایش و قبل از برگزاری پنل دوم از شرکت کنندگان محترم دعوت شد تا به بازدید از نمایشگاهی که به مناسبت بزرگداشت پطروس غالی و با عنوان جلوه های تلاش برای صلح، توسعه و دموکراسی، ترتیب داده شده بود بپردازند.



پنل دوم این همایش با سخنان آقای دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی به عنوان رئیس جلسه و با موضوع کمیسیون‌های کارکردی اکوسوک و تحقق منشور ملل متحد آغاز گردید و در آن پنج نفر از اساتید و کارشناسان مرتبط، سخنان خود ارائه نمودند.

پنل سوم نیز با موضوعات نقش موسسات تخصصی در تحقق منشور ملل متحد و اکوسوک و سازمان‌های مردم‌نهاد پیگیری شد. ریاست این جلسه به عهده خانم نازنین قائم‌مقامی قرار داشت و در این بخش چهار نفر از اساتید و کارشناسان مرتبط مطالب خود را بیان نمودند.

پنل پایانی این همایش که به گرامیداشت شادروان استاد دکتر ناصر قربان نیا اختصاص داشت با سخنان آقای دکتر قاسم زمانی و درود و سلام ایشان به روان پاک مرحوم قربان نیا آغاز شد. ایشان در ادامه به بیان پیامد هجرت زود هنگام آن مرحوم پرداختند.

پس از بیانات دکتر زمانی به عنوان رئیس پنل چهارم، دکتر محمد حبیبی مجنده در مقام همکار، دکتر ستار عزیزی در مقام همکلاسی و دکتر آرامش شهیازی در مقام شاگرد مرحوم دکتر قربان نیا، ضمن بیان ویژگی‌ها و محاسن اخلاقی و علمی و خاطرات آن مرحوم، مطالب خود را ارائه نمودند.

در انتها و در بخش اختتامیه همایش «نقش شورای اقتصادی اجتماعی در تحقق اهداف منشور ملل متحد» دکتر ابراهیم بیگ زاده به جمع بندی علمی از مطالب ارائه شده در این همایش پرداختند و نکاتی را در خصوص عملکرد شورا در سال‌های اخیر ذکر نمودند. دکتر بیگ زاده صحبت خود را اینگونه آغاز کردند: «تجربه بشری نشان داده است که به میزانی که سازمان‌ها سیاسی یا حقوقی محض می‌شوند مدت عمرشان به مراتب کمتر خواهد شد نسبت به سازمان‌هایی که تا حدودی از این قلمروها فاصله دارند. شکست سازمان‌های سیاسی در قرن هجدهم از جمله کنسرت اروپایی و... نشان داد که صرف نگاه محض سیاسی و حقوقی نمی‌تواند آرمان ابدی و متعالی را که انسان از زمان هبوط آدم بر روی زمین به دنبال آن بوده است، یعنی صلح را به همراه بیاورد. در نهایت به این نتیجه رسیدند که با حقوق و سیاست نمی‌شود صلح را به ارمغان آورد. شاید ابتدا می‌بایست با قلمروهای دیگر آغاز کرد، به همین علت شما مستحضر هستید که قرن نوزدهم قرن شکوفایی سازمان‌های فنی و بعضاً اقتصادی است. ولی متأسفانه در تشکیل اولین تجربه جامعه بین‌المللی در زمینه سازمان‌های جهانی باصلاحیت عام، این نگاه به فراموشی سپرده شد و نتیجه اش آن شد که همگان می‌دانند. همین سبب شد که اندیشه فونکسیونالیسم و یا همان کارکردگرایی و مقداری دوری‌گزیدن از مسئله سیاست مجدداً مورد توجه دکتربین حقوقی و نظرات سیاستمداران قرار بگیرد و به همین علت است که در زمان تشکیل سازمان ملل متحد در کنار ارکان سیاسی و حقوقی به بُعد دیگر زندگی بین‌المللی یعنی بُعد اقتصادی و اجتماعی هم صورت گرفت. در واقع سازمان ملل متحد در قالب شورای اقتصادی و اجتماعی توانست شاید مهمترین رهاوردها را در مقام مقایسه با دیگر ارکان این سازمان ارائه دهد، اگرچه در همه موارد هم موفق نبوده و بعضاً انتقاداتی هم برانگیخته است.»

ایشان همچنین ضمن گرمی داشتن یاد و بیان خاطراتی از مرحوم دکتر ناصر قربان نیا از حضار خواستند که جهت ادای احترام به ایشان یک دقیقه سکوت کرده و فاتحه ای قرائت کنند.

در پایان رییس انجمن ضمن سپاسگزاری ویژه از جمع بندی عالمانه و فاضلانه آقای دکتر بیگ زاده با بیان خاطره ای از شادروان دکتر قربان نیا یاد ایشان را گرمی داشتند.

ایشان در ادامه افزودند که برای انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد موجب افتخار است که اولین همایش پیرامون شورای اقتصادی و اجتماعی را به شکل یکپارچه در ایران برگزار نموده است.

دکتر مصفا در نهایت از تمامی همکاران و اساتیدی که در طول این همایش مطالبی را ارائه داشتند تشکر نمودند و همچنین از نهادهای همکار، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد و خانه اندیشمندان علوم انسانی و همکاران در دبیرخانه و کمیته دانشجویی انجمن سپاسگزاری کردند.

اسامی برگزیدگان جلسه شبیه سازی شورای امنیت:

بهترین پژوهش: خانم فاطمه صیاد سیجانی (تیم فرانسه)

بهترین ارائه: خانم نگار کرمی نیا و آقای نیما عبدالله زاده (تیم اوکراین)

مقام دوم ارائه: خانم پریا دانایی و آقای سینا مستاجران (تیم نیوزلند)

بهترین ابتکار: آقای امیرحسین نوربخش (تیم اسپانیا)

اسامی اعضای تیم های موت کورت:

تیم تربیت مدرس: نایب قهرمان مسابقات منطقه ای ۲۰۱۶ نپال

خانم فرناز دزفولی اصل

خانم مریم کندی داینی

آقای نوید ملایی کهنه سرا

مربی: آقای اسماعیل تاور

تیم دانشکده روابط بین الملل:

آقای مرتضی نادری: برنده جایزه بهترین پژوهشگر در مسابقات منطقه ای نپال ۲۰۱۶

آقای محمدصادق طالبی زاده سرداری

آقای علیرضا یآوری

مربی: آقای سید محمدعلی عبداللهی



همایش «گرامیداشت شهدای بمباران شیمیایی حلبچه»

شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دانشگاه کردستان شامگاه دوشنبه (۱۷ اسفند) مراسمی با عنوان گرامیداشت شهدای بمباران شیمیایی حلبچه در دانشگاه کردستان برگزار نمود و اساتیدی از دانشگاه‌های عراق نیز در این مراسم حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم، رئیس دانشگاه کردستان ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای حلبچه، اظهار کرد: باید همیشه یاد و خاطره این شهیدان که با فداکاری و ایثار خود موجب تداوم زندگی یک ملت شدند، زنده نگه داشته شود.

«فریدین اخلاقیان» بمباران شیمیایی حلبچه را ظلم آشکار حکومت بعث نسبت به کردها دانست و افزود: این حکومت جنایت و خشونت را از افتخارات خود می‌دانست که همین عامل موجب نابودی‌اش شد.

رئیس دانشگاه کردستان با اشاره به اینکه تنها راه پایداری حکومت‌های دنیا عدالت است، عنوان کرد: رژیم بعث با اهداف شوم خود به پایان رسید اما نام و یاد شهیدان حلبچه که قربانی تمامیت خواهی این رژیم شدند، تا همیشه زنده خواهد ماند.

وی با تاکید بر نقش دانشگاه‌ها در بررسی علمی این واقعه، عنوان کرد: وظیفه ما در دانشگاه‌ها این است که این مسائل را در قالب علمی تحلیل کرده و به جامعه ارائه دهیم چراکه به دلیل فضای علمی حاکم بر دانشگاه‌ها، از سوی جامعه بیشتر مورد قبول واقع می‌شود.

در ادامه این مراسم، دکتر ستار عزیززی دانشیار حقوق بین الملل اظهار کرد: در سال ۱۹۲۵ برای اولین بار کنوانسیون منع استفاده از سلاح شیمیایی، استفاده از این سلاح را در جنگ‌های بین المللی منع کرد اما ممنوعیتی برای استفاده از آن در جنگ‌های داخلی اعمال نکرد.

وی افزود: پس از اینکه صدام در سال ۱۹۸۸ از این سلاح برای کشتار کردها استفاده کرد و این واقعه توسط رسانه‌های جهان به تصویر کشیده شد و دنیا از آن آگاه شد، تلنگری به افکار عمومی دنیا زده شد تا این مهم مطرح شود که استفاده از سلاح شیمیایی چرا در جنگ‌های داخلی ممنوع نیست در حالی که برای دشمنان خارجی ممنوع است.

عزیزی عنوان کرد: بر این اساس و در پی واقعه حلبچه، در ماده ۱ کنوانسیون «منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها مصوب ۱۹۹۳» مقرر گردید که دول عضو کنوانسیون متعهد می‌گردند که هرگز تحت هیچ شرایطی دست به استفاده از سلاح شیمیایی نزنند و در این ارتباط هیچ گونه تمایزی میان مخاصمات بین المللی و داخلی وجود ندارد. لازم به ذکر است که تاکنون ۱۸۸ دولت به عضویت این کنوانسیون درآمده اند و نسبت به مفاد این معاهده بین المللی، تعهد قراردادی دارند. وی ادامه داد: بمباران شیمیایی حلبچه نقطه عطفی در تاریخ است که از طریق آن دنیا بداند که چه بر سر کردها آمده و بدانند که از سلاح‌های شیمیایی برای ارتکاب ژینوسید (نسل کشی) علیه کردها استفاده شده است.

استاد حقوق دانشگاه بوعلی سینای همدان به کشتار بیش از ۸۰ هزار نفر در بمباران هیروشیما اشاره کرد و گفت: گرچه بمباران هیروشیما قبل از حلبچه و با کشتار بیشتری همراه بود، اما به دلیل اینکه در بمباران حلبچه هدف اصلی نسل کشی کردها بود، اهمیت بیشتری در دنیا دارد.

وی با اشاره به اینکه تنها ۴ کشور در جهان بمباران شیمیایی حلبچه را به عنوان جنایت ژینوسید شناخته‌اند، بیان کرد: ژینوسید مهمترین جنایتی است که در دنیا روی می‌دهد و جامعه بین‌المللی باید بمباران شیمیایی حلبچه را به عنوان ژینوسید بشناسد که دانشگاه‌ها در این راستا رسالت سنگینی بر عهده دارند.

«نریمان عبدالله علی»، از اساتید دانشگاه حلبچه نیز در این مراسم اظهار کرد: بمباران شیمیایی حلبچه به چهار دلیل مذهبی، جغرافیایی، سیاسی و مطرح بودن این شهر به عنوان منشا جنبش استقلال طلبی کردها بوده است.

وی هدف اساسی در این فاجعه را از بین بردن حلبچه و نسل کشی کردها دانست و افزود: مسئله دینی و مذهبی در حلبچه در این مقطع زمانی بحثی بوده که اگر کنترل نمی‌شد، پیامدهای ناگواری برای رژیم بعثی داشت بنابراین یکی از دلایل مهم این حمله را می‌توان به وضعیت دینی این مقطع نسبت داد.

عبدالله علی به وضعیت استراتژیک شهر حلبچه اشاره کرد و موقعیت جغرافیایی آن را از دیگر دلایل هدف قرار دادن این شهر اعلام کرد.

وی به نقش حاکمیت تفکر بعثیسم در بمباران حلبچه اشاره کرد و گفت: حکومت عراق با این تفکر در تلاش بود تا حلبچه را از نقشه پاک کند و این درحالیست که نام حلبچه و ۵ هزار شهید آن تا همیشه زنده خواهد ماند.

«عبدالصمد احمد» از دیگر اساتید دانشگاه‌های عراق که در این مراسم حضور داشت، اظهار کرد: برای درک عمق فاجعه حلبچه باید ابتدا رژیم بعث و تفکر بعثیسم را شناخت.

وی با اشاره به اینکه کردها قربانیان سیاست بعثی هستند، افزود: کردها از ابتدا با سیاست‌های رژیم بعثی مخالف بودند و به همین دلیل مورد هدف حمله‌های این رژیم قرار گرفتند.

عبدالصمد احمد کرد بودن را از دیدگاه بعثی‌ها یک گناه دانست و افزود: با این دیدگاه بعثی‌ها زخمی بر تن کردها زدند که هرگز ترمیم نخواهد شد اما عمق این فاجعه و اهمیت آن نسل به نسل برای فرزندان آنها تکرار خواهد شد تا واقعه‌ای را که توسط رژیم ناکارآمد بر آنها روا داشته شد را فراموش نکنند.

آقای دکتر بختیار سجادی از اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان نیز در ادامه عنوان کرد: واقعه حلبچه چنان رمزآلود و معما گونه است که نمی‌توان آن را به راحتی درک کرد و به عمق آن به عنوان فاجعه‌ای انسانی پی برد.

وی افزود: درک کردن رنج و آزار جنگی که ۵ هزار نفر در آن کشته شده‌اند، آسان نیست و برای معرفی و بزرگداشت یاد این فاجعه نباید آن را خلاصه کرد و ساده جلوه داد و از آن استفاده ابزاری کرد.

سجادی عنوان کرد: خلق هر اثر هنری و ادبی در رابطه با این فاجعه که احساسی و سنتی و ساده نوشته شود، فاجعه‌ای دیگر را رقم می‌زند و زمینه را برای فاجعه‌ای عمیق تر فراهم می‌کند.

وی یادآور شد: تنها راه چاره این است که به شیوه‌ای رادیکال با واقعه روبرو شویم در غیر این صورت با واقعه احساسی برخورد کرده‌ایم که نتایج منفی زیادی در پی خواه داشت.

جلسه ژورنال کلاب: حملات سایبری به عنوان زور مندرج در (بند ۴ ماده ۲) منشور سازمان ملل متحد
تهیه و تنظیم: دکتر هیلدا رضائی

Cyber Attacks as "Force" under UN Charter Article 2(4)

Matthew C. Waxman (Associate Professor of Law, Columbia Law school.)

International Law Studies - Volume 87

International Law and the Changing Character of War

Raul A. "Pete" Pedrozo and Daria P. Wollschlaeger (Editors)

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز عالی مطالعات بین‌المللی با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم و در ایام سال یاد دکتر هوشنگ مقتدر جلسه بحث و بررسی پیرامون مقاله ژورنال کلاب را در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ برگزار نمود.

آقای دکتر سادات اخوی پس از خیرمقدم در خصوص اینکه دولت‌ها در روابطشان نمی‌توانند از تهدید به زور استفاده کنند و منظور از force نیروی نظامی می‌باشد و تحریم‌های اقتصادی مصداق تهدید یا توسل به زور نیست، مطالبی را بیان فرمودند و به این نکته اشاره کردند که در سال‌های اخیر، این مسئله که آثار حملات سایبری با آثار جنگ‌های کلاسیک برابری می‌کند و حتی می‌تواند با مختل کردن مبادلات تجاری و سیستم‌های بانکی آن کشور، صدماتی به بار آورد که به مراتب بیشتر از جنگ‌های کلاسیک است، دو سوال اصلی را محور بحث قرار دادند:

۱- مساله انتساب در حملات سایبری؛ یا اینکه چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که حملات سایبری مربوط به یک کشور خاص می‌باشد؟

۲- هک یا اختلال را از نظر جغرافیایی به کدام کشور می‌توان منتسب کرد؟

و اینکه در صورت مثبت بودن پاسخ هر دو سوال، چگونه می‌توان اثبات کرد که عامل هک اشخاص خصوصی بوده‌اند یا عوامل دولتی؟

پس از طرح این سوالات جلسه به صورت گفتگو و تبادل نظر میان شرکت‌کنندگان که دو نفر از آنها کارشناس در زمینه رایانه بودند، پایان یافت.

اولین جلسه کرسی آزاد اندیشی

تهیه و تنظیم: دکتر پوریا عسکری

اولین جلسه کرسی آزاد اندیشی با حضور دکتر افتخاری، استاد برجسته روابط بین الملل دانشگاه تهران در تاریخ شنبه بیست و یکم اسفندماه ۱۳۹۵ و با حضور جمعی از اعضای هیات مدیره در محل شورای انجمن‌های علمی ایران برگزار شد که گزارش مختصری از آن به شرح ذیل ارائه می‌شود:

دکتر افتخاری ضمن استقبال از طرح انجمن جهت برگزاری جلسات بحث و بررسی در خصوص منشور ملل متحد، برای همکاری با انجمن اعلام آمادگی کردند و بیان داشتند که از نظر ایشان، امروز همه موضوعات جهانی به گونه‌ای به سازمان ملل متحد ارتباط دارند و لذا این جلسات می‌تواند با محوریت موضوعات مختلف در دستور کار ملل متحد برگزار شود. اعضای حاضر در جلسه ضمن تایید این مهم، مصوب نمودند که مشروح گفتگوهای صورت گرفته در قالب گزارش‌های مطول به صورت کتاب منتشر شود.

دکتر افتخاری به چالش‌های دنیای امروز از جمله تروریسم و دگرگونی مفهوم مرزها اشاره نمودند و تاکید داشتند که مباحثی از این دست، در زمان تدوین منشور چندان موضوعیت نداشته و از اینرو اگر بناست که اعضای ملل متحد از جمله دولت ایران، به موضوعات مبتلابه کنونی وارد شوند، پیش شرط آن کشف معایب ملل متحد و تلاش در جهت مرتفع نمودن آنان جهت مواجهه با پدیده‌های پیش‌گفته است. ایشان، پیش شرط برگزاری جلسات هم‌اندیشی از این دست را پذیرش این واقعیت قلمداد کردند که انسان بر مبنای معلومات زمان حال خود، تاسیسات و نهادهایی از قبیل سازمان ملل متحد را بنا نموده که از آنجا که این معلومات همواره ناقص و در حال تکامل است، سازمان‌ها و نهادها نیز باید اینچنین باشند و شان این جلسات اقتضا می‌کند که آسیب‌ها و کاستی‌ها مورد بحث و توجه قرار گیرد.

جناب آقای دکتر افتخاری به مقوله امنیت در منشور ملل متحد توجه دادند و تاکید کردند که سیر تحولی این مفهوم بعد از جنگ‌های جهانی و هم‌زمان با تاسیس سازمان ملل، از امنیت ملی به سمت امنیت بین‌المللی بوده و گرایش کنونی نیل به امنیت انسانی است. همین موضوع به عنوان مبحث نخست جلسات هم‌اندیشی در نظر گرفته شد که در ماه‌های آینده به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

فراخوان عضویت - کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در سال تحصیلی ۹۶ - ۱۳۹۵

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، برای سال تحصیلی ۹۶ - ۱۳۹۵، از میان دانشجویان متعهد و علاقه مند به فعالیت های داوطلبانه، برای عضویت در کمیته دانشجویی انجمن دعوت به عمل آورد. انجمن از علاقمندان خواست تا با ارسال (۱) رزومه علمی، (۲) برنامه ها و فعالیت های پیشنهادی، (۳) حوزه مورد علاقه فعالیت و (۴) انگیزه عضویت در کمیته مذکور، درخواست خود را به آدرس ایمیل انجمن ارسال نمایند.

انجمن نیز پس از دریافت رزومه بیش از سی نفر از داوطلبان بر اساس مدارک ارسال شده، هفت نفر را به عنوان اعضای اصلی کمیته اجرایی انتخاب کرد که عبارتند از:

خانم سحر تفرشی

خانم نفیسه اسدپور

خانم منا کربلایی امینی

آقای حسن عباسی

آقای سهیل گلچین

آقای صدرا نجفی نژاد

آقای هوشنگ شیخی

هدف اصلی از تأسیس کمیته دانشجویی، استفاده از توانایی های دانشجویان در برگزاری برنامه های علمی و بهره مند شدن از اندیشه های ایشان در سیاستگذاری های کلی انجمن و بازتاب نظرات دانشجویان در قبال فعالیت های انجمن است.

بخش دوم:

کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی

سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، از سلسله کارگاه‌های آموزشی «آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد»، یک کارگاه آموزشی را در ۱۴ بهمن ۱۳۹۵ با تدریس سرکار خانم نازنین قائم مقامی (کتابدار محترم مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران) برگزار کرد.

در این کارگاه ضمن آشنایی با سازمان ملل متحد، به طور جداگانه به «آشنایی با اسناد سازمان ملل متحد با تاکید بر صلح و امنیت بین‌المللی» پرداخته شد.

در پایان این کارگاه، شرکت‌کنندگان از کتابخانه تخصصی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران بازدید به عمل آوردند و خانم قائم مقامی توضیحاتی را پیرامون کتابخانه و منابع موجود در آن ارائه کردند.

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران کارگاه آموزشی «شناخت ادبیات قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد» را با تدریس دکتر حسین سادات میدانی (عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه) و آقای اسماعیل بقایی (دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران) و با حضور جمعی از پژوهشگران، دانشجویان و علاقمندان به ملل متحد در تاریخ ۰۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ برگزار نمود. در ذیل خلاصه ای از مباحث طرح شده را ملاحظه می نمایید:

برای فهم شورای امنیت، فهم سه دسته از موضوعات لازم است:

۱- شورای امنیت کیست؟ تولیدات شورای امنیت چیست؟ اختیارات شورای امنیت تا کجاست؟

۲- ادبیات شورای امنیت

۳- استفاده از برداشت ها و رویه های قبلی شورا

فهم صحیح مفاد قطعنامه های شورا خود می تواند به حفظ صلح و امنیت بین المللی کمک نماید.

رویه های «کوزوو»، «عراق» و «لیبی» از جمله مواردیست که منجر به شکاف در جامعه بین المللی شد و نکته ای که باید به آن توجه داشت آنکه تعهد به اجرای قطعنامه های شورای امنیت مطلق است.

تا دهه ۹۰ میلادی مخاطب شورا همواره دولت ها بودند اما پس از آن به سبب شکل گیری گروه هایی چون طالبان و القاعده و ... شاهد مخاطب قرار گرفتن این گروه ها نیز هستیم و قطعنامه ۱۳۷۳ در خصوص مبارزه با تروریسم یک نقطه عطف است. در دهه ۹۰ و پس از آن شورا به مقوله های مختلفی چون مسائل زنان و صلح و امنیت و ... ورود کرده اما در برخی حوزه ها چون حقوق بشر هنوز ورود چندانی نداشته است.

دو سوال در اینجا مطرح می شود، اول آنکه آیا قطعنامه های شورای امنیت می توانند غیرقانونی باشند یا خیر؟ و آیا وضعیت موجود نظام بین المللی برای ارزیابی کار شورای امنیت کفایت می کند؟

در پاسخ باید گفت ماهیت شورا این است که اساساً نمیتواند کار غیرقانونی کند چون اختیارات آن به قدری گسترده است که همه اقدامات در صلاحیت آن قرار می گیرد.

دیوان بین المللی دادگستری نیز فراقانونی بودن شورای امنیت را رد کرده است.

بحث مهم دیگر بحث تفسیر مفاد قطعنامه هاست.

در نظام فعلی حقوق بین الملل، نظام متحدالشکلی برای تفسیر نداریم و قواعد چندگانه در این حوزه وجود دارد. قواعدی برای تفسیر معاهدات (مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات) و قواعدی برای تفسیر عرف بین المللی و

در نظر مشورتی نامیبیا، دیوان تفسیر هر قطعنامه را مستقل از قطعنامه دیگر می داند. اوضاع و احوال و نتایج و موارد دیگری در این خصوص مهم است.

در سال ۲۰۱۰ دیوان نظر می دهد که نمی توان مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین را مبنای تفسیر قطعنامه های شورای امنیت قرار داد و از جمله دیگر ابزار تفسیر آنها رویه خود شورا و رویه کشورهای متاثر از قطعنامه است.

در اینجا باید به گونه شناسی قطعنامه های شورای امنیت بپردازیم:

- ۱- قطعنامه های وضعیت محور که به بررسی یک وضعیت خاص می پردازد (مانند برنامه هسته ای ایران)
- ۲- قطعنامه های سیاست گذار. گویای برخورد شورا با برخی وضعیت ها است. (مانند وضعیت زنان و کودکان و صلح و امنیت بین المللی)
- ۳- قطعنامه های شبه قانونگذار. قواعدی را برای برخورد با شرایطی مغایر با قواعد قابل اعمال اعلام می کند. (مانند برخورد دزدی دریایی در سواحل سومالی)
- ۴- قطعنامه های شبه قضایی. مواردی که شورا نسبت به امور حکمی یا موضوعی مورد اختلاف دولت ها رسیدگی می کند و تعیین تکلیف قانونی می کند.
- ۵- قطعنامه های قانون ساز: به طور انتزاعی، بدون مخاطب، حق و تکلیف ایجاد می کند و به بیانی تجویزات عامی را طرح می کند.

مورد بعدی که باید مورد توجه قرار داد، بخش های مختلف قطعنامه های شورای امنیت است که به شرح زیر است:

- ۱- بندهای مقدماتی: در این بخش معمولاً مواردی که شورا مایل به تجویز مستقیم آن نیست بلکه تمایل به تجویز آن از سوی دیگر بازیگران بین المللی دارد می آید و همچنین احراز وضعیت ها در مقدمه ذکر می شود که مبنای مرزبندی قطعنامه هاست.

- ۲- مبنای قانونی اقدام

۳- بندهای اجرایی

۴- یافته های شورا

۵- تاکیدات بر مواضع یا یافته های قبلی

۶- تحکم قانونی

۷- تقاضای سیاسی

۸- تضمین اجرای قطعنامه ها

۹- تفویض و تجویز قانونی به دول عضو

۱۰- اقدامات مراقبتی

۱۱- تخلفات از دستورات شورا

۱۲- تحفصات شورا

۱۳- نقشه راه

اینکه آیا می توان نسبت به قطعنامه حق رزرو قایل شویم یا خیر باید گفت خود شورا بعضا شروطی را تعیین می کند که می توان حق رزرو دانست.

و در پایان نکته مهم در بند نهایی قطعنامه آن است که چه زمانی قطعنامه پایان می یابد که چنین پیش بینی ای معمولا صورت نمی گیرد مگر در قطعنامه ۲۲۳۱.

دوره آموزشی «حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

«حق تعیین سرنوشت» یکی از اصول و قواعد مهم حقوق بین الملل معاصر است که دیوان بین المللی دادگستری و کمیسیون حقوق بین الملل از آن به عنوان قواعد امره یاد کرده اند. با این وجود، حدود و ثغور و معنای دقیق این نهاد، برای بسیاری از دانشجویان حقوق بین الملل، روشن و مشخص نیست.

مذاکرات مقدماتی منشور ملل متحد، حاکی از این واقعیت است که حق تعیین سرنوشت داخلی به معنای حق مردم به برخورداری از حکومت دموکراتیک، و حق جدایی برای گروه‌های مختلف قومی و ملی از دولت‌های مستقل نیز به رسمیت شناخته نشده است. منشور همچنین حق استقلال را برای مردمان ساکن در سرزمین‌های مستعمره شناسایی نکرده بود اما با تلاش کشورهای جهان سوم، بلوک سوسیالیستی و دولت‌های تازه رها شده از بند استعمار، حق استقلال مستعمرات در دهه ۱۹۶۰ میلادی به رسمیت شناخته شده و به زودی به سطح قواعد آمره ارتقاء یافت. دهه ۱۹۹۰ میلادی و رویدادهای دو دهه بعد، نقطه عطفی در احیاء مفهوم حق تعیین سرنوشت در نظام حقوق بین‌الملل بود. روند پرشتاب دموکراتیزاسیون در بسیاری از مناطق جهان و همچنین تلاش گروه‌های قومی در برخی مناطق جهان برای جدایی از دولت‌های متبوع و تشکیل دولت جدید، موضوع حق تعیین سرنوشت داخلی و حق تعیین سرنوشت خارجی در حوزه غیر استعماری را از اهمیت خاصی برخوردار کرد و محاکم ملی و منطقه‌ای آرای را در این ارتباط صادر کردند و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اقدام به صدور رای مشورتی در قضیه کوزوو نمود.

تبیین و توضیح این نهاد در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، هدف اصلی برگزاری این دوره آموزشی بود که به همت انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد و با همکاری مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری در ماه‌های مهر و آبان ماه ۱۳۹۵ برگزار گردیده است.

دکتر ستار عزیزی-دانشیار حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا- مدرس این دوره در جلسه اول ضمن بیان مقدمه و ارائه تعریف حق تعیین سرنوشت به توضیح و تبیین تحولات تاریخی حق تعیین سرنوشت پرداختند.

جلسه دوم این دوره آموزشی به بررسی جایگاه حق تعیین سرنوشت در منشور ملل متحد اختصاص پیدا کرد.

دکتر عزیزی در جلسه سوم و آخر به بیان توضیحات پیرامون حق تعیین سرنوشت خارجی در حوزه غیر استعماری و همچنین حق تعیین سرنوشت داخلی پرداختند.

همچنین در جلسه آخر از این دوره دکتر نسرین مصفا ضمن تقدیر و تشکر فراوان از آقای دکتر عزیزی که زحمت تدریس در این دوره را تقبل نمودند از شرکت‌کنندگان این دوره نیز سپاسگزاری ویژه به عمل آوردند. شرکت‌کنندگان نیز از برگزاری چنین دوره‌هایی ابراز خرسندی کرده و خواهان ادامه این قبیل کارگاهها و دوره‌های آموزشی از سوی انجمن شدند. در پایان گواهی شرکت در این دوره توسط رییس انجمن و آقای دکتر عزیزی به شرکت‌کنندگان اعطا گردید و به رسم یادبود هدیه‌ای از طرف انجمن به دکتر ستار عزیزی تقدیم شد.



دوره آموزشی « حقوق بین الملل و فضای سایبر »

حقوق بین الملل را حقوق حاکم بر روابط بین المللی می خوانند که از دیرباز مناسبات میان کنشگران بین المللی و خاصه دولت ها در خصوص حاکمیت بر سرزمین و منابع طبیعی آنها و یا قلمرو دریایی و هوایی آنان را مشخص می کرده است؛ رفته رفته، پیشرفت علوم و فنون باعث شده تا حقوق بین الملل علاوه بر فضای زمین و دریا و هوا به فضای جو و حتی ماورای جو نیز نظر افکند و قوانین و مقرراتی را برای ساماندهی به امور جاری در این مناطق نیز طراحی و جاری نماید. فضای سایبر را باید فضایی متفاوت از همه قلمروهای سابق دانست که البته مختصاتی به غایت متفاوت از فضاهای فیزیکی دارد و شاید به معنای واقعی کلمه، فضای سایبر را باید فضای بی حد و مرزی در نظر گرفت که هر کاربر می تواند با ورود به آن به کلیت این فضا دسترسی داشته باشد. بنابراین بدیهی است که حقوق بین الملل باید نسبت به فضای سایبر نیز

حساس بوده و زوایای مختلف روابط و کنش‌های موجود در این فضا اعم از کنش‌های دوستانه یا خصمانه را مطمح نظر قرار دهد.



با عنایت به اهمیت موضوع، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای اهداف اساسنامه خود توجه به آموزش حقوق بین‌الملل، دوره آموزشی سال ۱۳۹۵، خود را با عنوان "حقوق بین‌الملل و فضای سایبر" برگزار نمود. در این دوره‌ی آموزشی مختصات و ویژگی‌های خاص فضای سایبر، جایگاه حقوق بین‌الملل در ساماندهی به مراودات اقسام کنشگران بین‌المللی در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.



بخش سوم:

بازدیدها

بازدید علمی از دفتر کمیسیون ملی یونسکو در تهران

تهیه و تنظیم: دکتر هیلدا رضائی

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دفتر ملی یونسکو در تهران بازدید علمی از این نهاد در تاریخ ۱ اسفندماه ۱۳۹۵ برگزار نمود.

در ابتدای این بازدید آقای دکتر نصیری قیداری (رئیس کمیسیون ملی یونسکو) پس از عرض خیر مقدم، در خصوص فضای سازمان یونسکو که آموزشی، علمی و فرهنگی می باشد و ارکان اصلی این سازمان و زمینه های فعالیت آن سخن گفتند. سپس در مورد کمیسیون ملی یونسکو که رابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان یونسکو می باشد، مولفه های چهارگانه برای حضور موثرتر جمهوری اسلامی ایران در یونسکو، ارکان کمیسیون ملی یونسکو در ایران، گروه های تخصصی و کمیته های ملی یونسکو و برخی دستاوردها و کنوانسیون های یونسکو در حوزه فرهنگ مطالبی را بیان نمودند.

در بخش دوم سرکار خانم دکتر محدثه محب حسینی (مدیر گروه آموزش کمیسیون ملی یونسکو) در خصوص معرفی و جایگاه آموزش در برنامه های یونسکو و چارچوب و جایگاه برنامه ای، محورهای عمل برنامه آموزش یونسکو، بخش آموزش یونسکو، موسسات آموزشی یونسکو و شبکه های مربوط به آموزش یونسکو صحبت کردند.

سپس خانم دکتر مهین گزانی (مدیر گروه علوم طبیعی کمیسیون ملی یونسکو) در مورد روند شکل گیری یونسکو به لحاظ تاریخی سخن گفتند، سپس در خصوص برنامه بین المللی علوم پایه و مهندسی، موسسه آموزش آب یونسکو، حوزه فعالیت های علوم پایه، مرکز ملی اقیانوس شناسی، مرکز قنات و سازه های آبی، مرکز آب شناسی، مرکز منطقه ای پارک های علم و فناوری، مرکز منطقه ای آب شهری، برنامه بین المللی علوم زمین و ژئوپارک مطالبی را بیان داشتند.

بعد از ایشان آقای دکتر اعتمادی در مورد استراتژی میان مدت یونسکو در بخش ارتباطات و اطلاعات، ماموریت سازمان یونسکو، اهداف اصلی و محورهای عملیاتی برنامه و بودجه یونسکو در حوزه ارتباطات و اطلاعات مطالبی را ارائه نمودند.

در قسمت بعد آقای دکتر مستکین (مدیر بخش فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو) در مورد ثبت جهانی میراث مادی (ملموس) از جمله آثار طبیعی و ثبت میراث ناملموس فرهنگی (معنوی) و مشاهیر ایرانی صحبت کردند.

در انتها خانم دکتر مهنم در خصوص وظیفه مشورتی یونسکو، مدیریت دگرگونی های اجتماعی، بحران مدیریت شهری، مهاجرت، مسئولیت های اجتماعی سازمان ها و مشارکت جوانان مطالبی را بیان نمودند.

تعداد شرکت کنندگان در این جلسه ۳۰ نفر بود و خانم دکتر هیلدا رضائی از سوی هیئت مدیره انجمن و خانم اعظم پازدار از دبیرخانه انجمن در این بازدید علمی حضور داشتند.

این جلسه در نهایت با پرسش و پاسخ از سوی شرکت کنندگان پایان یافت.



بازدید علمی از کمیساریای عالی پناهندگان در تهران

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با توجه به اهمیت شناخت و افزایش آگاهی‌های علمی و شناخت عملی درباره سازمان ملل متحد، مؤسسات تخصصی و ارکان فرعی آن و جهت آشنایی با فعالیت‌ها و اقدامات کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در عرصه بین‌المللی بازدید علمی از این نهاد را در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۵ برگزار نمود. برگزاری این بازدید با هماهنگی‌های خانم دکتر صفی‌ناز جدلی صورت پذیرفت.

در ابتدای این بازدید آقای سیوان کا دانا پالا رئیس دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در تهران ضمن عرض خیر مقدم، از حضور و تمایل دانشجویان و علاقمندان جهت شناخت هرچه بیشتر کمیساریا و فعالیت های آن ابراز خوشحالی نمودند.

ایشان در ادامه به بیان مشکلات و چالشهایی که کمیساریا با آن روبه رو است پرداختند و افزودند نکته مهم این است که چگونه می توان در فضای پرچالش امروز فعالیت های صحیحی داشت.

آقای دانا پالا همچنین به صورت کلی به زمینه های فعالیت کمیساریا اشاره داشتند و تغییرات آب و هوایی را یکی از موضوعاتی خواندند که شاید مستقیماً به کنوانسیون ۱۹۵۱ مرتبط نباشد، اما امروزه در دستور کار کمیساریا قرار گرفته و باید از بُعد حقوقی بررسی شود. ایشان در انتها ابراز امیدواری نمودند که بتوانند در آینده همکاری های بیشتری با انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد داشته باشند.

پس از ایشان سایر مسئولان کمیساریا در سه بخش به ارائه مطالب خود در رابطه با معرفی قسمت های مختلف کمیساریا پرداختند.

در قسمت نخست-خانم دکتر صفی ناز جدلی-از بخش حمایتی حقوقی به ارائه توضیحاتی در رابطه با تأسیس و نحوه تصویب اساسنامه کمیساریا پرداختند. سپس ساختار، فعالیت ها و ماموریت های مختلف کمیساریا را در چارچوب حقوقی تشریح کردند.

در بخش دوم-آقای فرشید فرزین-از بخش عملیاتی مطالب خود را بیان کردند. ایشان در رابطه با تاریخ تأسیس دفتر کمیساریا در تهران و سایر شهرهای دیگر توضیحاتی ارائه کردند. همچنین ضمن تشریح ساختار این دفاتر به موضوعاتی همچون پراکندگی پناهندگان در ایران، نحوه الحاق ایران به کنوانسیون، نحوه همکاری با اداره اتباع و مهاجرین داخلی پرداختند. ایشان همچنین فعالیتهای بخش عملیاتی همچون صدور کارت آمایش برای پناهندگان، نحوه جابه جایی پناهندگان در داخل کشور، مناطق ممنوعه ورود پناهندگان، توانمند سازی پناهندگان و راه حل های ماندگار برای حل موضوع پناهندگان را تبیین و تشریح نمودند.

در بخش انتهایی-آقای هومن مرندي-از بخش حقوق حمایتی جامعه محور سخنان خود را بیان کردند. ایشان ضمن تشریح حمایت جامعه محور که وظیفه اصلی کمیساریا محسوب می شود، به تغییری که به صورت عمومی در رویکرد سازمان ملل متحد و آژانس های وابسته آن ایجاد شده اشاره کردند و گفتند نحوه حمایت از شکل سنتی به شکل جدید یعنی رویکرد حق محور تبدیل شده است. آقای مرندي در ادامه به بیان مطالبی در در رابطه

با مفاهیم حمایت مبتنی بر جامعه، رویکرد جامعه محور و رویکرد EGD یا همان رویکرد لحاظ کردن گروه‌های جنسیتی، سنی و قشرهای مختلف پرداختند.

در نهایت از قسمت عملیاتی کمیساریای عالی پناهندگان نیز بازدید به عمل آمد و بخش عمده‌ای از این بازدید به پرسش و پاسخ از سوی شرکت‌کنندگان و مسئولان کمیساریا اختصاص یافت.



بخش چهارم:

مشارکت‌ها

مشارکت در برگزاری هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

تحقق عدالت و مبارزه با بی کیفری (Impunity) مهمترین هدف حقوق بین الملل کیفری است که برای دست یابی به آن تلاش های مستمر و فراوانی در سطح جامعه بین المللی صورت گرفته است. برگزاری مسابقه های شبیه سازی دیوان بین المللی کیفری و آشنا کردن دانشجویان حقوق با چگونگی رسیدگی در دیوان به صورت عملی (Clinical) ، اقدامی اساسی است در راستای رسیدن به این هدف.

امسال نیز دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات محاکمه دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان را در روز پنج شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۵ در محل سالن اجتماعات مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر در تهران برگزار کردند.

مراسم با قرائت آیاتی از قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران شروع شد. پس از آن دکتر پوریا عسکری (مشاور حقوقی اسبق کمیته بین المللی صلیب سرخ) ضمن سلام و خوش آمدگویی و ابراز خوشحالی نسبت به سطح علمی بالای شرکت کنندگان، در ارتباط با شیوه برگزاری مسابقات توضیحاتی ارائه دادند و افزودند در این مسابقات، یک پرونده فرضی مربوط به حقوق بین المللی کیفری در اختیار تیم های شرکت کننده قرار گرفته است. این تیم ها در مقابل تیم قضات که از استادان برجسته حقوق کشور هستند، یک بار در مقام دادستانی و یک بار دیگر در مقام وکیل مدافع متهمان فرضی قرار می گیرند. دانش و معلومات حقوقی در کنار نحوه ارائه و نیز نوآوری ها و مسائل روان شناختی چون اعتماد به نفس و نیز مهارت بر زبان انگلیسی برای موفقیت در چنین شبیه سازی ضروری است و هر کدام از این موارد دارای نمره هستند. مسابقات این دوره با حضور ۱۲ تیم متشکل از گروه های سه نفره، از دانشگاه های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، دانشگاه مفید قم، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، دانشگاه مازندران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و دو تیم متشکل از دانشگاه های مختلف، برگزار شد. این تیم ها در مقابل دو محکمه، یکی در محل سالن همایش و دیگری در سالن موزه مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر به رقابت پرداختند.

دکتر رضا موسی زاده (استاد دانشکده روابط بین الملل)، دکتر سیدمحمدقاری سید فاطمی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر هاجر سیاه رستمی (استاد دانشکده هلال احمر)، دکتر بشیریه (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، به عنوان هیأت قضات دادگاه اول حضور داشتند.

دکتر حسن سواری (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر علی خالقی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر محمدجعفر ساعد (دانشگاه آزاد اسلامی-تهران مرکز)، دکتر کتایون حسین نژاد (رئیس پیشین دپارتمان ارتباطات و همکاریها در کمیته بین المللی صلیب سرخ در دفتر تهران) هیأت قضات دادگاه دوم را تشکیل می دادند.

مراسم اختتامیه این دوره از مسابقات با سخنرانی خانم دکتر مصفا همراه بود، ایشان در بخش پایانی همکاری با نهادهای برگزار کننده این مسابقات را موجب افتخار انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد دانسته و گفتند به این نکته معتقد هستند که در حال حاضر موت کورت بخشی از زندگی جامعه حقوقی ما تبدیل شده است. همچنین ایشان از افزایش روحیه همکاری میان دانشجویان ابراز خوشحالی نمودند و گفتند رقابت و همکاری هر دو شیرین هستند اما ممکن است در رقابت نتیجه دلخواه به دست نیاید اما همکاری همیشه دارای نتیجه است و نتیجه آن هم افزایش توانمندی و روحیه مدارا می باشد.

خانم دکتر مصفا در پایان از همه برگزار کنندگان و دنبال کنندگان، دانشجویان و اساتید بخاطر حضور در این مسابقات تشکر و سپاسگزاری ویژه کردند.

پس از ایشان نیز آقای مهرداد اشراقی رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه و همچنین خانم به نمایندگی از آقای الیویه مارتین رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ سخنان پایانی خود را ارائه نمودند.

در پایان نیز از کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد که چهار نفر از اعضای خود را به عنوان منشی برای این دوره از مسابقات معرفی کرده بود تقدیر و تشکر به عمل آمد، و به خانمها پریناز توفیقی و شهرزاد رئیسی به عنوان منشی های دادگاه اول و خانمها شیوا خاکپور و نفیسه اسدزاده به عنوان منشی های دادگاه دوم گواهی شرکت در مسابقه و تندیس مسابقات اهدا گردید.

در نهایت این مسابقات با معرفی ۴ تیم برتر با اهدای جوایز و دریافت گواهی شرکت در این مسابقات به شرکت کنندگان به پایان رسید. تیم اول با ترکیبی مختلف از دانشگاهها، تیم دوم از دانشگاه شهید بهشتی، تیم سوم از دانشگاه علامه طباطبائی، تیم چهارم نیز ترکیبی مختلف از دانشگاهها بودند.

آقای سید محسن سید احمدی به عنوان بهترین پژوهشگر (**Researcher**) و سرکار خانم سوگل سودبر به عنوان بهترین ارائه دهنده (**Mooter**) انتخاب شدند. همچنین عنوان بهترین لایحه و کیفر خواست به تیم شماره ۸ اختصاص یافت.

در ادامه می توانید تصاویر منتخب مربوط به این دور از مسابقات را مشاهده فرمایید.



مشارکت در برگزاری هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان (دورنهایی)

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

تحقق عدالت و مبارزه با بی کیفری مهمترین هدف حقوق بین الملل کیفری است که برای دستیابی به آن تلاش‌های مستمر و فراوانی در سطح جامعه بین المللی صورت گرفته است. برگزاری مسابقه‌های شبیه سازی دیوان بین المللی کیفری و آشنا کردن دانشجویان حقوق با چگونگی رسیدگی در دیوان به صورت عملی، اقدامی است در راستای رسیدن به این هدف.

امسال نیز دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، مرحله نهایی از هشتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات محاکمه دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان را در روز پنجشنبه ۱ مهرماه ۱۳۹۵ در محل سالن اجتماعات مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر در تهران برگزار کردند.

این مسابقه با حضور ۴ تیم متشکل از گروه‌های سه نفره، از دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. این تیم‌ها در محل سالن همایش به رقابت پرداختند.

دکتر علیرضا کاظمی ابدی (معاون وزارت دادگستری)، دکتر سیدعلی کاظمی (از قوه قضاییه)، دکتر کامران هاشمی (از وزارت امور خارجه) و دکتر محمد حبیبی مجنده (استاد دانشگاه مفید قم) به عنوان هیأت قضاات در این دوره حضور داشتند.

در پایان خانم ستاره ساعدی مشاور حقوقی دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران ضمن تشکر و تقدیر از نهادهای همکار، قضاات محترم و منشی‌های دادگاه اسامی تیم‌های برنده را اعلام و از منشی‌ها خانم ریحانه بیگدلی و آقای علی عبدالله پور از کمیته دانشجویی انجمن تقدیر و تشکر به عمل آوردند. در نهایت این مسابقات با معرفی ۲ تیم برتر به پایان رسید. تیم اول از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و تیم دوم از دانشگاه تربیت مدرس انتخاب شدند.

تیم‌های برتر این دوره به مسابقات منطقه‌ای جنوب شرقی آسیا در دهلی نو که در دسامبر ۲۰۱۶ برگزار خواهد شد راه یافتند.

مشارکت در برگزاری کنفرانس ملی برجام و اقتصاد مقاومتی

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

کنفرانس ملی برجام و اقتصاد مقاومتی با هدف بررسی دستاوردهای برجام و فرصت‌های پیش‌رو در افق اقتصاد مقاومتی از روز ۱۰ تا ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۵ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد.

دبیر این کنفرانس در تشریح برنامه‌های این کنفرانس اظهار داشت: در این کنفرانس که به همت دبیرخانه کنفرانس و با همکاری انجمن ایرانی روابط بین‌الملل و شماری از نهادهای علمی و پژوهشی کشور برگزار شد، تلاش ما بر این بود تا با بررسی علمی و تحلیل منصفانه به چند سوال اساسی پاسخ بدهیم که کشور قبل از برجام در چه وضعیتی قرار داشته و اگر در همان روند قبل از توافق هسته‌ای بودیم اکنون در چه وضعیتی ممکن بود قرار داشته باشیم.

مشارکت در برگزاری همایش تخصصی «موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر پرونده‌های جزایر مارشال علیه قدرت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای»

تهیه و تنظیم: دکتر هیلدا رضائی

دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، همایش ملی را با عنوان «موضع دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر پرونده‌های جزایر مارشال علیه قدرت‌های

دارای سلاح‌های هسته‌ای» در روز شنبه مورخ ۴ دیماه ۱۳۹۵ در دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی، سالن علامه جعفری برگزار نمود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید در بخش رویدادهای عمومی مطالعه نمایید.

مشارکت در هفته ترویج علم

انجمن ترویج علم ایران، انجمنی علمی است که تحت پوشش کمیسیون انجمن‌های علمی کشور فعالیت می‌کند. این انجمن مفتخر است که در سال ۱۳۹۵ برای شانزدهمین دوره متوالی «جایزه ترویج علم ایران» را به بهترین و خلاقانه‌ترین کوشش‌هایی که از سوی معلمان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران، مروجان علم، برنامه‌سازان و فعالان رسانه‌ای، فعالان زیست‌محیطی، دانشجویان، استادان دانشگاه، سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و حامیان مالی، رسانه‌ها، مدارس، نهادها، ناشران، مراکز علمی، سایت‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، انجمن‌های علمی، فرهنگ‌سراها، نشریات، سازمان‌های مردم‌نهاد و همه افراد حقیقی و حقوقی دیگر، اعم از انتفاعی، غیرانتفاعی، دولتی و غیر دولتی، در راه ترویج علم صورت گرفته، اهداء کند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد یکی از همکاران انجمن ترویج علم ایران در برگزاری هفته ترویج علم

بود.

حامین هفته ترویج علم



بخش پنجم:

نمایندگان

نمایشگاه بزرگداشت پطروس غالی با عنوان «جلوه‌های تلاش برای صلح، توسعه و دموکراسی»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در خلال همایش سالانه خود با عنوان «نقش شورای اقتصادی اجتماعی در تحقق اهداف منشور ملل متحد» که با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران و خانه اندیشمندان علوم انسانی در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۵ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرده بود، نمایشگاهی به مناسبت بزرگداشت پطروس غالی و با عنوان جلوه‌های تلاش برای صلح، توسعه و دموکراسی برپانمود.





نمایشگاه عکس شهدای حلبچه

شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دانشگاه کردستان شامگاه دوشنبه (۱۷ اسفند) مراسمی با عنوان گرامیداشت شهدای بمباران شیمیایی حلبچه همراه با نمایشگاه عکس در دانشگاه کردستان برگزار کرد.





بخش ششم:

بزرگداشت یادبودها

آیین نکوداشت استاد عراقی در عصرگاه روز دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۵ با نام " در ستایش داد، مهر و فرزاندگی " با هدف بزرگداشت مقام علمی و به پاس پنجاه سال خدمات این استاد بزرگ از سوی دانشگاه تهران و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این آیین، خانواده استاد، استادان پیش کسوت دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه ها، حجت الاسلام و المسلمین انصاری معاون حقوقی ریاست جمهوری و همچنین شمار بسیاری از استادان و دانشجویان حقوق از سراسر کشور حضور داشتند.

در آغاز برنامه، خانم دکتر مصفا -رییس انجمن و معاون اداری و مالی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ضمن خوشامد به حاضران، با سخنانی کوتاه به جایگاه معنوی و علمی استاد عراقی پرداخت و علاوه بر توضیح مختصر در باره برنامه ریزی این آیین و قدردانی از مشارکت خانه اندیشمندان علوم انسانی و همچنین سازمان سمت، انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد و انجمن حقوق شناسی برای مشارکت در این برنامه، به همزمانی روز برنامه با چندین مناسبت علمی و حقوقی در سطح ملی و بین المللی از جمله هفته پژوهش و سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره کرد.

در دنباله، آقایان دکتر صفایی، دکتر درودیان، دکتر هاشمی و دکتر افتخار جهرمی از استادان پیش کسوت حقوق و همکاران قدیمی استاد عراقی، به بیان سابقه دوستی دیرین و خاطرات دوران همکاری و ویژگی های شخصیتی و اخلاقی ایشان همچون عدالتخواهی، مهربانی، علم دوستی و خستگی ناپذیری پرداختند و از خدمات اجرایی و علمی بسیار مهم و بی مانند ایشان یاد کردند.

آنگاه، خانم دکتر آزاده طاهری از شاگردان استاد، نوشته ای دلنشین با عنوان " نامه ای به استاد " را با شور و حالی خاص خواند و تحسین حاضران را برانگیخت.

سخنران بعدی آقای دکتر تخشید رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی بود که با توجه به جایگاه بلند علمی استاد عراقی و با یادآوری خدمات ارزنده ایشان و دیگر استادان قدیمی دانشکده، از دوران حضور شماری از بزرگان و مفاخر این رشته مانند ایشان همچون دوره زرین دانشکده یاد کرد.

آقای دکتر جلالی دبیر خانه حقوق خانه اندیشمندان علوم انسانی، با یادآوری برنامه های این خانه برای بزرگداشت مفاخر حقوق از چند سال پیش، به این نکته اشاره کرد که از آغاز این رشته برنامه ها، دست اندرکاران خانه تلاش داشتند تا مراسمی در خور جایگاه و منزلت استاد عراقی نزد جامعه دانشگاهی کشور برگزار کنند و اکنون جای خوشحالی است که استاد اجازه برگزاری چنین آیینی را به دوستان و شاگردان خود دادند. این برنامه، با اجرای موسیقی سنتی دو تن از هنرمندان ادامه یافت.



سپس معاون حقوقی ریاست جمهوری به سخنرانی پرداخت و ضمن اشاره به نکوداشت دانشمندان به منظور تقویت علم و عالمان در جامعه، استاد عراقی را حقوقدانی دردمند برای مسایل جامعه و یکی از سرمایه‌های بزرگ کشور دانست که نور علم را با نور اخلاق در بالاترین حد در هم آمیخته است.

گفتنی است که در این برنامه سه تن از شاگردان استاد عراقی نیز در فرصت‌های کوتاه لابالای برنامه، به شعرخوانی و ستایش صفات والای استاد عراقی پرداختند.

در بخش بعدی برنامه، متن لوح تقدیر رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی خطاب به استاد عراقی خوانده شد. سپس این لوح به همراه تقدیرنامه رئیس دانشگاه تهران و هدایای گوناگون دانشکده، دستگاهها، نهادهای علمی و اجرایی و شاگردان استاد به حضور ایشان تقدیم شد.

پیش از سخنرانی استاد، دکتر رنجبریان دبیر علمی و اجرایی آیین نکوداشت، در سخنانی کوتاه با قدردانی از حضور همه مهمانان، با اشاره به بایستگی برگزاری چنین برنامه‌هایی برای بزرگداشت بزرگان دانشگاه، اعتبار علمی و اعتماد جامعه به دانشگاه را و امدار تلاش دلسوزانه و خالصانه استادانی همچون استاد عراقی دانست که در وضعیت‌های دشوار شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکردند و با از خودگذشتگی، خدمات علمی ارزشمند خود را تداوم بخشیدند. او همچنین با اعلام رونمایی از

کتاب "حقوق؛ جانمایه بقای اجتماع" - فراهم آمده از مقالات شماری از شاگردان استاد عراقی در نکوداشت ایشان - از نویسندگان مقاله‌ها و سازمان سمت برای انتشار این اثر سپاسگزاری کرد.

در پایان برنامه، استاد عراقی سخن را با یادکردی از محیط خانوادگی و تربیتی خود در شهر کرمان آغاز کردند و در ادامه با بیان دلایل روی آوردن به تحصیل در رشته حقوق، به دوره دانشجویی در دانشگاه تهران و دانشگاه پاریس اشاره کردند و از استادان خویش به ویژه مرحوم دکتر سید حسن امامی به نیکی یاد کردند. در بخش دیگری از این سخنرانی، ضمن یادآوری پاره‌ای تحولات سیاسی ایران و مشکلات اداره امور آموزشی دانشکده به پیشینه فعالیت در گروه آموزشی حقوق خصوصی و اسلامی و از سالهای پس از انقلاب حضور همزمان در گروه حقوق عمومی تا زمان بازنشستگی را شرح دادند.

شنیدن خاطراتی کم نظیر از دوران فعالیت دانشگاهی و سخنان مطایبه آمیز استاد، حاضران را به وجد آورد و در پایان سخنرانی استاد عراقی بار دیگر با تشویق فراوان روبرو شدند.



بزرگداشت یاد و خاطرهٔ استاد محمود صور اسرافیل

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با مرکز امور حقوقی بین‌المللی با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم، سخنرانی سالانه بزرگداشت شادروان «استاد محمود صور اسرافیل» را با حضور سرکار دکتر همایون ارفع‌زاده و با عنوان «مطالبه خسارت ناشی از تحریم‌های اتحادیه اروپا؛ رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه صفانیکو» در روز سه‌شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ برگزار نمود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت سالیاد شادروان دکتر ناصر قربان نیا

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، به مناسبت سالیاد شادروان دکتر ناصر قربان نیا، بخشی از همایش سالانه خود با عنوان «نقش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در تحقق اهداف منشور» که در چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ برگزار کرد را به بزرگداشت این شخصیت اختصاص داد.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت شخصیت فقید بین المللی پطروس غالی در همایش سالانه انجمن

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، بخشی از همایش سالانه خود با عنوان «نقش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در تحقق اهداف منشور» که در چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ برگزار کرد را به بزرگداشت این شخصیت اختصاص داد.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت یاد و خاطره دکتر هوشنگ مقتدر

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز عالی مطالعات بین‌المللی با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم و در ایام سال‌یاد دکتر هوشنگ مقتدر جلسه بحث و بررسی پیرامون مقاله ژورنال کلاب را در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ برگزار نمود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بخش، مقصم:

تقدیر و سکر

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

بدون شک برگزاری طیف وسیعی از برنامه‌های انجمن بدون همکاری و همیاری نهادهای مختلف و مسئولین ارجمند آنها و همکاران محترم ایشان میسر و مقدور نبود. از این‌رو، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد وظیفه خود می‌داند که از نهادهایی که در طول سال ۱۳۹۵ در برگزاری برنامه‌های انجمن، همکار و همیار ما بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

همچنین سپاسگزار همکاران و همیاران انجمن هستیم که در طول سال ۱۳۹۵ بدون ذره‌ای چشمداشت، همواره یار و یاور انجمن در برنامه‌های مختلف بوده‌اند و از درگاه خداوند متعال برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون داریم.

نهادهای همکار در سال ۱۳۹۵ (به ترتیب حروف الفبا)

		
<p>خانه اندیشمندان علوم انسانی</p>	<p>کمیسیون ملی یونسکو - ایران</p>	<p>انجمن ترویج علم ایران</p>
 <p>ICRC</p>		
<p>دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران</p>	<p>دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز عالی مطالعات بین‌المللی</p>	<p>دفترخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه</p>
 <p>Center for International Legal Affairs</p>	 <p>UNIC</p>	 <p>UNHCR The UN Refugee Agency</p>
<p>مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری</p>	<p>مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران</p>	<p>آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد در ایران</p>

مراسم تقدیر از برگزیدگان برنامه شبیه سازی انتخاب دبیرکل و مسابقات موت کورت سال ۲۰۱۶

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، همایش «نقش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در تحقق اهداف منشور» را همراه با مراسم تقدیر از برگزیدگان برنامه شبیه سازی انتخاب دبیرکل و مسابقات موت کورت سال ۲۰۱۶، در روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ برگزار کرد.

گزارش کامل این نشست را می توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.



اعظم پازدار

کارشناس علوم سیاسی دانشگاه تهران

- مسئول دفتر انجمن

- مسئول روابط عمومی

- گزارشگر انجمن



علیرضا رنجبر

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

- همیار انجمن

- گزارشگر انجمن



هیلدا رضائی

دکتری حقوق بین الملل عمومی

- بازرس علی البدل انجمن

-گزارشگر انجمن



ناصر سرگران

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- گزارشگر انجمن

- همیار انجمن



پریناز توفیقی

دانشجو کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- عضو کمیته دانشجویی انجمن

-گزارشگر انجمن



خدایار سعید وزیری

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

- گزارشگر انجمن



سحر تفرشی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

- رئیس کمیته دانشجویی انجمن

- گزارشگر انجمن